



پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون

پروگرام ماستری فقه و قانون



امارت اسلامی افغانستان

وزارت تحصیلات عالی

معینیت امور علمی

مصنویت قضائی دیپلومات ها در فقه اسلامی و

نظام حقوقی افغانستان

(پایان نامه ماستری)

محصل: خداداد " حقیار "

استاد رهنما: دکتور محمد پونس " ابراهیمی "

سال: ۱۴۰۱ هجری شمسی، ۱۴۴۱ هجری قمری



پوهنتون سلام

پوهنځی شریعات و قانون

پروگرام ماستری فقه و قانون



امارت اسلامی افغانستان

وزارت تحصیلات عالی

معینیت امور علمی

مصنویت قضائی دیپلومات ها در فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان

(پایان نامه ماستری)

محصل: خداداد "حقیار"

استاد رهنما: دکتور محمد یونس "ابراهیمی"

سال: 1401 هجری شمسی. 1444 هجری قمری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون




دپارټمنت فقه و قانون

بورد ماستری

تصدیق نامه

محترم خداداد ولد عبدالله جان ID: 98-526-SH-MSF محصل دور هفتم فقه و قانون که رساله ماستری خویش را زیر عنوان: مصنویت قضائی دیپلومات ها در فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان به روز دوره کلاس تاریخ ۱۳۰۱/۱۱/۱۸ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس بررسی هیات تحکیم مستحق ۹۲ (نمره به عدد) نود و دو (نمره به حروف) گردید، موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم:

ردیف	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	سر محقق سید حبیب شاکر	عضو هیات	
۲	دکتور محمد سلیم مدنی	عضو هیات	
۳	دکتور محمد یونس ابراهیمی	استاد رهنما و رئیس جلسه	

..... معاون علمی

..... آمر بورد ماستری

اهداء

این رساله را در قدم نخست به رهبر محبوب مان، معلم بشریت، رهبر انصاف و عدالت محمد امین و صادق صلی الله علیه وسلم، اهداء می نمایم.

همچنان به یاران امین و با وفای پیامبر صلی الله علیه وسلم و به تمام اهل بیتش که صادقانه و با امانتداری روش زندگی پیامبر را تعقیب کردند، اهداء می نمایم.

همچنان رساله خویش را برای والدین گرامی ام که واقعاً در قسمت پرورش و تعلیم بنده لحظه تغافل ننموده اند، اهداء می نمایم.

همچنان برای تمام اساتید عالیقدرم، که در حقیقت هر یک شان حیثیت پدر معنوی و آب حیات روحی بنده در زندگی بوده اند، اهداء می کنم.

و همچنان برای تمام دعوتگران و بیدارگران امین که لحظه به لحظه در فکر رشد روحی و معنوی جوانان این سرزمین بشکل حقیقی و واقعی هستند و عملاً در این قسمت سعی و تلاش دارند، اهداء مینمایم.

خداداد " حقیر "

سپاسگزاری

در اول شکر و سپاس پروردگاری را که برایم توفیق عنایت فرمود تا این رساله ماستری خود را به پایان برسانم.

در قدم دوم از وزارت محترم تحصیلات عالی ابراز تشکر و امتنان می نمایم، که از یک طرف زمینه تحصیل را مساعد ساخته است و از طرف دیگر بزرگترین حامی برای مراکز تحصیلی می باشند.

در قدم سوم سپاس و تشکری خویش را خدمت تمام کسانی که مرا در این راه یاری نمودند، تقدیم میکنم و از پوهنتون سلام و مسئولین شان، مخصوصاً از پوهنحی شرعیات، دیپارتمنت فقه و قانون، اظهار سپاس می نمایم که در مدت تحصیل ام، برایم هر نوع کمک نمودند.

در قدم چهارم از تمام اساتید معظم و گرانقدرم به ویژه از استاد گرامی ام، دکتور محمد یونس "ابراهیمی" که رهنمایی بنده را به عهده گرفتند و وقت گرانبهای خویش را در این راستا صرف کردند، اظهار امتنان نموده که ما را رهین منت خود ساختند، فجزاه الله خیراً.

خلاصه بحث

فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان برای دیپلومات ها مسئولیت قضائی در نظر گرفته است، تا دیپلومات بشکل آرام و راحتی وظایف شان را انجام دهد. اهمیت موضوع: مسئولیت قضائی دیپلومات ها در فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان یکی از موضوعات اساسی شمرده شده، زیرا دوام، قوام و روابط یک دولت با دولت های دیگر توسط دیپلومات ها صورت می گیرد. عدم آگاهی مردم افغانستان از این موضوع و پاسخ به حل سوالات در این زمینه سبب اختیار این موضوع شده است. تحقیق حاضر از جمله تحقیق کتابخانه‌ای و بشکل تحلیلی توصیفی است.

مسئولیت قضائی دیپلومات، همان مسئولیت کامل جان، مال و آبروی کارمندان دیپلوماسی است، تا دیپلومات ها آزادانه خود را وقف وظایف خطیر شان، بدون مداخله مقامات قضائی برای کشور پذیرنده در مدت طولانی که این دیپلومات ها در آنجا اقامت دارند، بتوانند. مسئولیت محل اماکن و مأموریت دیپلومات، مسئولیت اموال، معافیت از مالیات و عوارض گمرکی، آزادی رفت و آمد از خصوصیات دیپلومات در فقه و نظام حقوقی افغانستان است. مسئولیت از تعرض و مسئولیت قضائی انواع مسئولیت دیپلوماسی است. مسئولیت قضائی بخاطر امتداد اقلیمی، تمثیلی و وظیفوی می باشد. مسئولیت قضائی دیپلومات مشروعیت فقهی و حقوقی دارد. مصادر مسئولیت قضائی دیپلومات: قرآن کریم، سنت نبوی، اجماع، عرف، عرف دولتها، معاهدات میان دولت ها و قوانین داخلی می باشد. دیپلومات ها، نامه رسان، مستخدمین شرکت های بین المللی و موظفین اداری و فنی مسئولیت قضائی دارند. مسئولیت قضائی به مسئولیت قضائی مدنی و اداری و مسئولیت قضائی جزائی تقسیم می گردد. اگر مأمور دیپلوماتیک به فعالیتهای تجاری یا حرفه ای بپردازد، شامل مسئولیت قضائی نمی گردد. دیپلومات در صورتی که مرتکب جرم گردد مسئولیت قضائی جزائی ندارد. مبانی مسئولیت وصف نمایندگی و مصلحت خدمت اند. هر نوع تعرض به دیپلومات پذیرفتنی نیست. مسئولیت قضائی با از دست دادن صفت مأمور دیپلوماتیک، قطع روابط دیپلوماتیک و جاسوسی پایان می یابد. فقه اسلامی و نظام حقوقی در اکثریت موارد تحقیق با هم دیدگاه مشترک داشته و در کمتر موارد دیدگاه متفاوت داشتند. با توجه به جهان شمولی فقه اسلامی و نقش دیپلوماسی فعال در پیشرفت اهداف والای این فقه، محدودیتی خاص نسبت به گسترش روابط دیپلوماتیک وجود ندارد.

کلید واژه ها: مسئولیت قضائی، دیپلومات و فرستاده، فقه اسلامی، حقوق و قوانین افغانستان.

فهرست مطالب

1.....مقدمه

تمهید

7.....سیر تاریخی دیپلومات برای تنظیم دولت ها

فصل اول

عمومیات

20.....مبحث اول: مفهوم مسئولیت قضائی، خصوصیات و انواع آن

20.....مطلب اول: تعریف مسئولیت قضائی در فقه اسلامی

20.....فرع اول: تعریف لغوی مسئولیت قضائی

21.....فرع دوم تعریف اصطلاحی مسئولیت قضائی

23.....مطلب دوم: تعریف مسئولیت قضائی در نظام حقوقی افغانستان

25.....مطلب سوم: مقایسه میان تعریف فقه و نظام حقوقی افغانستان

26.....مطلب چهارم: خصوصیات مسئولیت قضائی در فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان

34.....مطلب پنجم: انواع مسئولیت دیپلومات ها

34.....الف: مسئولیت از تعرض

36.....ب: مسئولیت قضائی

39.....مبحث دوم: مفهوم دیپلومات و نظریات پیرامون مسئولیت قضائی آن

39.....مطلب اول: تعریف دیپلومات

- 39..... فرع اول: تعریف لغوی دیپلومات
- 40..... فرع دوم: تعریف اصطلاحی دیپلومات در فقه اسلامی
- 41..... فرع سوم: تعریف اصطلاحی دیپلومات در نظام حقوقی افغانستان
- 41..... فرع چهارم: مقایسه میان هر دو تعریف
- 41..... مطلب دوم: نظرات پیرامون مسئولیت قضائی دیپلوماسی
- 42..... فرع اول: نظریه امتداد اقلیمی (سرزمین)
- 45..... فرع دوم: نظریه صفت تمثیلی
- 47..... فرع سوم: نظریه وظیفوی
- 49..... فرع چهارم: نظریه اتفاقی
- 50..... مبحث سوم: مشروعیت، منابع و تفاوت مسئولیت قضائی**
- 50..... مطلب اول: مشروعیت فقهی و حقوقی مسئولیت قضائی
- 52..... مطلب دوم: منابع فقهی برای مسئولیت قضائی دیپلومات ها
- 57..... مطلب سوم: منابع حقوقی برای مسئولیت قضائی دیپلومات ها
- 60..... مطلب چهارم: اشخاصیکه از مسئولیت قضائی برخوردار است
- 65..... مطلب پنجم: تفاوت مسئولیت قضائی دیپلومات ها

فصل دوم

انواع مسئولیت قضائی دیپلومات ها و مبنای آن

- 70..... مبحث اول: مسئولیت قضائی مدنی و اداری

- 70.....مطلب اول: صفت مسئولیت قضائی مدنی.....
- 70.....فرع اول: مسئولیت قضائی مقید به اختصاص قضای وطنی.....
- 74.....فرع دوم: مسئولیت قضائی از جهت عدم اهلیت آن.....
- 77.....مطلب دوم: دیدگاهها در مورد مسئولیت قضائی مدنی دیپلومات ها.....
- 77.....فرع اول: فرع اول: عدم اعتراف به مسئولیت قضائی مدنی.....
- 78.....فرع دوم: مسئولیت قضائی مدنی مقید.....
- 79.....فرع سوم: مسئولیت قضائی مدنی مطلق.....
- 80.....مطلب سوم: موقف فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان درباره مسئولیت قضائی مدنی دیپلومات ها.....
- 81.....مطلب چهارم: موقف فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان از عفو مالیات از دیپلومات ها.....
- 83.....مطلب پنجم: مسئولیت دیپلومات ها از ادای شهادت.....
- 89.....مبحث دوم: مسئولیت قضائی جزائی.....**
- 89.....مطلب اول: صفات مسئولیت قضائی جزائی.....
- 90.....مطلب دوم: دیدگاه در مورد مسئولیت قضائی جزائی.....
- 94.....مبحث سوم: مبانی مسئولیت های دیپلوماتیک و جرایم علیه شان.....**
- 94.....مطلب اول: مبانی مسئولیت های دیپلوماتیک در اسلام.....
- 94.....فرع اول: دیدگاه فقهی قدیم.....
- 95.....فرع دوم: دیدگاه فقهی نوین.....
- 95.....مطلب دوم: مبانی مسئولیت های دیپلوماتیک در حقوق بین المللی عمومی.....

- 96.....فرع اول: نظریه های سنتی.....
- 96.....فرع دوم: دیدگاه نوین.....
- 97.....مطلب سوم: جرایم علیه روابط دیپلماتیک در حقوق جزای افغانستان.....
- 98.....مطلب چهارم: جرایم علیه اشخاص دارای مصونیت بین المللی در حقوق جزای افغانستان.....

فصل سوم

تعرض به مصونیت دیپلمات ها، خاتمه مصونیت و تنازل از آن

- 99.....مبحث اول: تعرض به مصونیت دیپلمات ها.....
- 99.....مطلب اول: تعرض به مصونیت دیپلمات ها از نگاه اسلام.....
- 99.....فرع اول: تعرض به مصونیت دیپلمات های مسلمان و مقابله با آن در اسلام.....
- 102.....فرع دوم: تعرض به مصونیت دیپلمات های غیر مسلمان در سرزمین های اسلامی.....
- 103.....فرع سوم: تعرض به مصونیت دیپلمات ها در روابط مسلمانان با یکدیگر.....
- 104.....مطلب دوم: تعرض به مصونیت دیپلمات ها از نگاه حقوق.....
- 106.....مبحث دوم: خاتمه مصونیت قضائی دیپلمات ها.....
- 106.....مطلب اول: علل خاتمه مصونیت قضائی دیپلمات ها از نگاه حقوقی.....
- 106.....فرع اول: از دست دادن صفت مأمور دیپلماتیک.....
- 108.....فرع دوم: قطع روابط دیپلماتیک.....
- 109.....فرع سوم: جاسوسی.....
- 112.....مطلب دوم: قواعد لازم الرعایه هنگام خاتمه مصونیت ها.....

- 112.....فرع اول: عدم تعرض به مصنونیت به محض خاتمه آن
- 113.....فرع دوم: اطمینان در رسیدن دیپلومات در مکان امن
- 114.....فرع سوم: لزوم احترام به خانواده دیپلومات حتی با خاتمه مصنونیت شان
- 116.....فرع چهارم: لزوم اعطای مهلت معقول به دیپلومات ها برای ترک قلمرو
- 117.....فرع پنجم: منع توسل به اقدامات متقابل در چهار حقوق دیپلوماتیک
- 119.....نتیجه گیری
- 120.....پیشنهادات
- 121.....فهرست آیات قرآن کریم
- 122.....فهرست احادیث نبوی
- 123.....فهرست اعلام
- 125.....فهرست منابع و مأخذ

مقدمه

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على نبيه الصادق الأمين نبينا محمد وعلى آله وصحبه أجمعين و بعد:

یکی از موضوعاتی که قانون الهی به عظمت و بزرگی یاد نموده و تمام ادیان به آن پرداخته و در جامعه ای بشری نیز مطرح بوده، مصئونیت جانی است که از گذشته دور دارای اهمیت و ارزش خاص بوده است، لذا الله متعال جان آدمی را از هرگونه تعرض مصوون قرار داده و برای محافظت آن از آسیب و جنایات، فقه اسلامی به صورت عام و کلی برای تک تک اعضاء و جوارح انسان، قوانین بازدارندگی و ضمان قرار داده است، از طرف هم در هر کشور برای مصئونیت جانی، در نظام قضای شان قواعد و قوانین را بصورت عام و خاص وضع نموده است، که کشور افغانستان هم در این مورد قوانین و حقوقی را تصویب نموده است.

حال باید دید، در موارد خاص مانند آنجایی که انسان شهرش را رها نموده و به شهر دیگری هجرت می کند، که یکی از مصادیق آن سفرا و فرستادگان سیاسی که برای انجام وظایف و برقراری روابط دیپلماتیک وارد کشور اسلامی، بخصوص وارد افغانستان می شوند، این سفرا و دیپلماتها مسلمان باشند و یا غیر مسلمان، فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان در این مورد چه مصئونیت هایی را برای جان نمایندگان سیاسی بیان کرده است؟ برای مصئونیت آنها فقه اسلامی و نظام قضای افغانستان چه اصول و برنامه دارد؟ و غیره مصئونیت های که امروزه یک شخص حقیقی و یا حکمی حق دارند تا از او برخوردار باشند، بنابراین، تحقیق حاضر این موضوع را از دیدگاه فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان به بررسی می گیرد.

اهمیت و ضرورت تحقیق:

موضوع مصئونیت قضائی دیپلمات ها در فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان یکی از موضوعات اساسی بر شمرده می شود، که امروز جامعه ما در مورد معلومات روی این موضوع اشد نیاز دارد، که می توان بشکل خلاصه گفت: دوام، قوام و روابط یک دولت با دولت های دیگر توسط دیپلمات ها صورت می گیرد، در صورت که این مصئونیت وجود نداشته باشد، دوام و روابط یک دولت با دولت های دیگر قطع گردیده و در نتیجه دولت مذکور دچار بحران های سیاسی، اقتصادی، تجارتي، علمی و غیره می گردد، از طرف دیگر مصئونیت جانی اشخاص، از جمله مصئونیت جانی دیپلمات ها یکی از مقاصد شریعت اسلامی است، که الله متعال به حفظ و عدم تعرض به آنها امر کرده است، بناءً این رساله روی مصئونیت

قضائی دیپلومات ها بحث می نماید، تا از مصئونیت قضائی آنها، نسل امروز آگاهی پیدا نموده و دست از تعرض به آنها باز دارند.

اسباب اختیار موضوع

1- اهمیت این موضوع که باعث دوام، قوام و برقراری ارتباط یک دولت با دولت های دیگر می گردد، که این اهمیت بیان گر سبب اختیار این موضوع است.

2- عدم آگاهی اکثریت مردم از مصئونیت دیپلومات ها، سبب دیگری بود که این موضوع را انتخاب نمودم.

3- پاسخ به حل سوالاتی که امروزه مردم در این عرصه دارند، از قبیل آیا دیپلومات ها از دیدگاه فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان مصئونیت دارند؟ آیا مصئونیت دیپلوماتک شامل دیپلومات های مسلمان و کافر می گردد؟ دیپلومات ها از کدام مصئونیت برخوردار هستند؟ و امثال آن.

4- تحقیقات موجود پیرامون این موضوع به زبان فارسی بسیار کم و خلاصه بود، که نمی توانیست تمام جوانب این مسئله را دربر می گرفت، بنابراین، ایجاب می کرد تا تحقیقات بیشتر صورت گیرد.

5- همچنان تحقیقات پراکنده روی این مسئله در کتاب های فقهی و بزبان عربی موجود بود، که دسترسی به آنها برای عام مردم مشکل بود.

سوالات تحقیق:

هر تحقیق دارای دو گونه سوالات است، سوال اصلی و سوالات فرعی، که تفصیل آنها قرار ذیل است:

سوال اصلی: مصئونیت قضائی دیپلومات ها در فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان چگونه است؟

سوالات فرعی:

1. مصئونیت چیست؟

2. مصئونیت قضائی دیپلومات ها چیست؟

3. مصادر فقهی و حقوقی برای مصئونیت قضائی دیپلومات ها کدام ها اند؟

4. مصئونیت قضائی دیپلومات ها چند نوع است؟

5. تنازل از مصئونیت قضائی چگونه صورت می گیرد؟

6. آثار تنازل از مصئونیت قضائی کدام ها اند؟

از این رو در این رساله می کوشم، برای پاسخگویی به این سؤالها با روش تحلیلی توصیفی دیدگاه فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان را در این مسأله مورد بحث و بررسی قرار دهم.

پیشینه تحقیق

از آنجایی که رساله هذا در مورد مصئونیت قضائی دیپلمات ها است، باید گفت: پیدایش روابط میان دولت ها از طریق دیپلومات و مصئونیت داشتن دیپلومات ها در بین دولت ها، پیشینه تاریخی دارد، اما منبع خاصی در فقه که به این مسئله ورود تخصصی به صورت مستقل داشته باشد که با رویکرد نظام حقوقی و به زبان ملی افغانستان نوشته شده باشد، یافت نشد، از این رو مقاله حاضر دارای نوآوری و موضوع جدید فقه است، اما از لحاظ تاریخی نسبت به مصئونیت نمایندگان سیاسی دو رویکرد وجود دارد:

الف: رویکرد خاص؛ بیشتر غربیان خاستگاه و ریشه مصئونیت نمایندگان سیاسی را از اندیشه فیلسوفان یونانی و توسعه آن را در قرن بیستم در غرب می دانند.

این دیدگاه معتقدند که مصئونیت دیپلماتیک مبتنی بر منشأ غربی با ریشه یونانی و رومی است، که به شکل سنتی و قانون وضعی آن روز در میان شهرهای یونان مصئونیت سفیران و همه نمایندگان سیاسی، مراعات می شده است. براساس این رویکرد مصئونیت نمایندگان سیاسی ریشه در یونان باستان دارد و از پدیده های غرب است.

ب: رویکرد عام، باتوجه به طبیعت اجتماعی و نیازهای فطری انسان می توان اندیشه مصئونیت دیپلماتیک را همزاد انسان دانست، که در میان اقوام پیشین مخصوصاً در شرق به روش سنتی مراعات می شده است، طبق این رویکرد جوامع بشری از غرب و شرق عالم اعم از اینکه دارای چه آیینی هستند؛ هرکدام بر اساس نیازهای شان در تحقق و توسعه مصئونیت نمایندگان سیاسی سهمی داشته اند، که از آن جمله می توان به پادشاه نشینان بین النهرین (ایمار، اوبوایه دولت های فنیقیه و مصر اشاره کرد).

همین طور قبل از اسلام در جزیره العرب مطرح بوده و با آمدن اسلام به کمال خود رسیده است. بر اساس این دیدگاه مسئولیت نمایندگان سیاسی همزاد انسان در روابط دیپلماتیک بوده و از پدیده های شرق است، از همین جهت در مورد آن کتابهای زیادی در این قسمت نوشته شده است که تعداد از این کتاب ها قرار ذیل اند:

1. الحصانة القضائية للدولة: فواد عبدالمنعم رياض
2. سلطات الأمن و الحصانات و الامتيازات الدبلوماسية: دكتور فادى الملاح.
3. الحصانات و الامتيازات الدبلوماسية و القنصلية فى القانون الدولية: دكتور عبدالعزيز العبيكان.
4. حصانة الدبلوماسية و العامل الدولى: دكتور ابراهيم بصراوى الكراف.
5. أساس الحصانة الفقهية للقاضى المعاصر (استقلال القاضى): معن توفيق دحام.
6. طرق تقليد القضاة و علاقتها بالحصانة القضائية فى ضوء الشريعة الاسلامية: دكتور كمال خلف.
7. الحصانة القضائية للمبعوث الدبلوماسى : قارة الريح و ميهوبى خديجة.
8. الحصانة القضائية للدبلوماسية متعددة الاطراف: از عبدالمنعم البدر اوى.

ولى از آنجا که این کتاب ها به زبان عربی نوشته شده بودند و مردم و ملت افغانستان به زبان عربی تسلط نداشتند، لازم دیدم تا روى این عنوان به زبان فارسی که زبان ملی کشورم است، تحقیق نمایم، تا مردم افغانستان از این موضوع آگاهی پیدا کنند.

همچنان این کتاب ها تنها مسئولیت دیپلمات ها را از دیدگاه فقه اسلامی بررسی نموده بودند، بنابراین، خواستم تا این تحقیق را بشکل مقایسه با استفاده از فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان مورد بحث و بررسی قرار دهم.

اهداف تحقیق:

هر تحقیق وقتی که نوشته می شود، دارای اهداف اند، تحقیق حاضر نیز دارای اهداف مشخص است که قرار ذیل اند:

الف: اهداف عام:

- 1- نخستین هدف که در نوشتن این تحقیق در نظر گرفته شده است، آگاهی دادن از مصئونیت دیپلومات ها است، تا مردم مصئونیت دیپلومات ها را درک نموده و از تعرض کردن به جان آنها خودداری نمایند.
- 2- حل مشکل آن عده از مسلمانانی که بر این مسئله رو به رو می شوند.
- 3- بیان قول راجح از بین اقوال علماء و آسان ساختن فهم مسئله برای خوانندگان.
- 4- خدمت در پخش و نشر یک مسئله مهم دینی و حقوقی که کمتر بطرف آن توجه صورت گرفته است.
- 5- نوشتن یک رساله جامع، مفصل و مدلل روی این موضوع، تا مرجع عام و خاص باشد.

ب: اهداف خاص

- 1- حصول ثواب دنیا و آخرت، ان شاء الله.
- 2- ادای مسئولیت است، زیرا وقتی که یک محصل از دوره ماستری می خواهد فارغ شود، لازم دانسته شده است تا قبل از آن تحقیق را ارائه نماید و من این عنوان را به این هدف انتخاب نمودم.
- 3- برجا گذاشتن یک صدقه جاریه از خود.

روش تحقیق:

تحقیق حاضر از جمله تحقیق کتابخانه‌ی و بشکل تحلیلی توصیفی محسوب می گردد، که تفصیل آن قرار ذیل است:

الف: ذکر آیات در رابطه به مصئونیت دیپلومات ها همراه نام سوره و شماره آیات، با ترجمه آیات از تفسیر نمونه، که نویسنده آن: مکارم شیرازی است، گرفته ام.

ب: تخریح احادیث که در رابطه به مصئونیت دیپلومات ها اند، از کتاب های حدیث، با ذکر نویسنده کتاب، خود کتاب، محل چاپ، نام ناشر، طبع و سال طبع، همراهی جلد و صفحه آن.

ج: از منابع معتبر قدیم استفاده نموده ام و کمتر به منابع معاصر مراجعه نمودم مگر اینکه در منابع قدیم، پیدا نکردم.

د: بیان کردن صورت مسئله و ذکر اقوال علماء از کتاب های شان پیرامون آن، در صورت که مسئله اختلافی باشد، همراهی دلایل شان و نقل قول راجح در اخیر مسئله که میان فقهاء اختلاف است.

ه: از منابع اهل سنت والجماعة استفاده نموده ام.

و: به کتب تخریح احادیث مراجعه نموده، صحت و سقم احادیث را تخریح نموده و حکم آن را واضح ساخته ام و در پهلوی آن وجه استدلال حدیث را نیز ذکر کرده ام.

ز: قواعد دستوری نگارش مانند کامه(،)، شارحه(:)، ندائیه(!)، سوالیه(?)، قوس ها() و نقطه (.) را تا حدی توان مراعات نموده ام.

پلان اجمالی تحقیق:

تحقیق حاضر دارای یک مقدمه، یک تمهید و سه فصل می باشد، در تمهید سیر تاریخی دیپلومات برای تنظیم دولت ها معرفی شده است، اما در سه فصل مباحث ذیل صورت گرفته است:

فصل اول: عمومیات بحث گردیده است، که شامل دو مبحث است: مبحث اول: مفهوم مسئولیت قضائی، خصوصیات و انواع آن بحث شده است. مبحث دوم: مفهوم مسئولیت قضائی دیپلومات ها و نظریات پیرامون آن بحث گردیده است.

فصل دوم: انواع مسئولیت قضائی دیپلومات ها و مبانی آن صحبت شده است، که شامل سه مبحث است: مبحث اول: مسئولیت قضائی مدنی و اداری دیپلومات ها بحث شده است. مبحث دوم: مسئولیت قضائی جنائی و جزائی دیپلومات ها بحث گردیده است. مبحث سوم: مبانی مسئولیت های دیپلوماتیک و جرایم علیه شان بحث شده است.

فصل سوم: تعرض به مسئولیت دیپلومات ها، خاتمه مسئولیت و تنازل از آن بحث گردیده است، که شامل دو مبحث است: مبحث اول: تعرض به مسئولیت دیپلومات ها بحث شده است. مبحث دوم: خاتمه مسئولیت قضائی دیپلومات ها صحبت شده است.

و در اخیر با نتیجه گیری، پیشنهادات، فهرست آیات قرآن کریم، احادیث نبوی، اعلام و منابع ختم گردیده است.

تمهید

سیر تاریخی دیپلومات برای تنظیم دولت ها

تاریخ دیپلماسی ارتباط مستقیم با تاریخ انسان دارد، فرشتگان و انبیاء نخستین دیپلوماتها به شمار می روند، زیرا ایشان سفیران الهی و مظهر رحمت الله متعال⁽¹⁾، مبلغان پیام الهی و مسئول تزکیه و تعلیم انسان⁽²⁾، بشارت دهنده و بیم دهنده⁽³⁾، حجت الله بر مردم⁽⁴⁾ و الگو و نمونه کامل انسانی⁽⁵⁾ بودند.

تاریخ دیپلوماسی را به طور کلی به چهار دوره می توان تقسیم کرد:

دوره اول: دیپلوماسی قبل از اسلام.

دوره دوم: دیپلوماسی در اسلام.

دوره سوم: دیپلوماسی نوین.

دوره چهارم: دیپلوماسی در افغانستان.

1- طوری که الله متعال می فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾. {الانبیاء، آیه 107}. ترجمه: ترجمه: و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم.

2- طوری که الله متعال می فرماید: ﴿كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ﴾. {البقرة، آیه 151}. ترجمه: همانگونه (که با تغییر قبله نعمت خود را بر شما کامل کردیم) رسولی در میان شما از نوع خودتان فرستادیم تا آیات ما را بر شما بخواند، و شما را تزکیه کند، و کتاب و حکمت بیاموزد، و آنچه نمی دانستید به شما یاد دهد.

3- طوری که الله متعال می فرماید: ﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَى فَتْرَةٍ مِّنَ الرَّسُلِ أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِنْ بَشِيرٍ وَ لَا نَذِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَ نَذِيرٌ وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾. {المائدة، آیه 19}. ترجمه: ای اهل کتاب! رسول ما به سوی شما آمد در حالی که بدنبال "فترت" میان پیامبران، حقایق را برای شما بیان می کند مبدا (روز قیامت بگویند نه بشارت دهنده ای به سوی ما آمد، و نه بیم دهنده ای، (هم اکنون پیامبر) بشارت دهنده و بیم دهنده به سوی شما آمد و خداوند بر همه چیز توانا است.

4- طوری که الله متعال می فرماید: ﴿رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ لِنَآئِلًا يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَ كَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾. {النساء، آیه 165}. ترجمه: پیامبرانی که بشارت دهنده و بیم دهنده بودند، تا برای مردم بعد از این پیامبران بر خدا حجتی باقی نماند (و بر همه اتمام حجت شود) و خداوند توانا و حکیم است.

5- طوری که الله متعال می فرماید: ﴿إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ﴾. {المزمل، آیه 15}. ترجمه: ما پیامبری به سوی شما فرستادیم که گواه بر شما است.

دوره اول: دیپلوماسی قبل از اسلام.

در تمدن های ایران، هند، چین و مصر دیپلوماسی قبل از شکوفایی فرهنگ یونان جریان داشته است.⁽¹⁾ در مصر مکاتبات سیاسی کشف شده که به 13 قرن قبل از میلاد مسیح مربوط است، که نشان دهنده روابط و مکاتبات دیپلماتیک فراغنه مصر با همسایگان خود است، قرارداد صلح میان مصریها 13 قرن قبل از میلاد و ایجاد سپر دفاعی و تهاجمی و استرداد پناهنده گان نمونه از این مکاتبات است.⁽²⁾

بر اساس قوانین هند باستان پادشاهان افرادی شایسته را به مقام سفارت منصوب می کردند، در این قوانین ویژگی های سفیران یاد شده است: بگذار وی فردی را به عنوان سفیر تعیین کند که مجهز به دانش بوده، امین، دارای مهارت و از خانواده اصیل باشد.⁽³⁾

در جوامع باستان امتیازات و حقوق فرستادگان کاملاً مشخص و وظایف آنان به طور مشروح تعیین شده بود، از دید رهبران این جوامع دیپلوماسی هنر اجتناب از جنگ و برقراری صلح بود و بدین ترتیب، دیپلمات خیره و موفق کسی به شمار می رفت که افزون بر خردمندی، گشاده رویی، تربیت و قدرت تشخیص اهتمام لازم را در حل صلح آمیز مشکلات بنماید، لذا آغاز جنگ یا صلح در دست فرستادگان سیاسی بود.⁽⁴⁾

به طور کلی می توان گفت در سراسر این دوران، کم و بیش، میان پادشاهان و رؤسای دولت ها مکاتباتی در جریان بوده است، سفیران اجازه ورود و خروج به سرزمین یکدیگر را داشتند، پذیرش و رفتار با آنها نیز بر رویه مشخص و پذیرفته طرفین مبتنی بود، در زمینه چگونگی جلب اعتماد سفرا و نیز بازیابی آنان به حضور پادشاهان دولت ها محل مأموریت، آداب و مقررات خاصی وجود داشت.⁽⁵⁾

در بسیاری از این جوامع، سفیران جنبه مذهبی داشتند و تحت حمایت خدایان شان به شمار می رفتند، به طور که توهین به آنان گناه و جنایتی بزرگ محسوب می شد، لذا مصئونیت آنان تا حدود زیادی ناشی از

1- علی آلابوش و علی رضا توتونچیان، دیپلمات و دیپلوماسی، وزارت خارجه ایران، چاپ اول، 1372 هـ.ش، ص 34.

2- علی رضا دیهیم، حقوق دیپلماتیک و کنسولی، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، 1385 هـ.ش، ص 43.

3- همان مرجع، ص 42.

4- غلام حسین میرزا صالح، مقدمه بر تاریخ تئوری دیپلوماسی، تهران، دانشگاه ملی ایران، 1356 هـ.ش، ص 43.

5- همان مرجع، ص 44.

مقام مذهبی آنها بود.⁽¹⁾

مردم یونان اغلباً برای انجام مأموریت‌های دیپلماتیک چندین نفر را مأمور می کردند، دلیل عمده این امر، حضور نمایندگان احزاب مختلف در ترکیب هیئت های اعزامی بود، غافل از آنکه این موضوع باعث بروز عداوتها و دودستگیهای حزبی می شود.⁽²⁾

یونانیها در انتخاب سفرا دقت بسیار داشتند و می کوشیدند افرادی خردمند، سخنور و صاحب نام را برگزینند، مهم ترین وظیفه سفیر آن بود که دیدگاههای حکومت خود را با سخنرانیهای گیرا به سمع مردم و مسئولان شهر بیگانه برساند، با این حال او جارچی نیست، چرا که شغل جارچیها اغلب موروثی بود و تنها به صدای رسا و حافظه قوی نیاز داشت.⁽³⁾

مردم روم خود را برتر از از سایر همسایگان و قدرتهای دیگر می دانستند، اغلب به جای مذاکرات بر پایه نفع دو طرف، همواره می کوشیدند تا خواسته های خویش را به طرف مقابل تحمیل کنند، شتاب آنان در تصرف قلمرو دیگران و استقرار سیستم رومی در سایر نواحی به حدی بود که باعث شده بود رومیان بیش از دیپلماسی به قدرت نظامی متکی باشند، در اندیشه آنها جهان غیر رومی باید جزئی قلمرو روم اعلام گردد.⁽⁴⁾

با این حال از آنجا که اداره و کنترل سرزمینهای وسیع تصرف شده، به قدرت حکومت مرکزی نیاز داشت، بعضی اوقات امپراتوری روم برای حل مسائل و مشکلات خود ناچار به دیپلماسی با همسایگان متوسل می گردید.⁽⁵⁾

1- هرمز انصاری، دیپلمات و روابط دیپلماتیک، اصفهان، انتشارات نور معرفت، 1351 هـ.ش، ص 5 - 6.

2- هارولد نیکلسون، تکامل فن دیپلماسی، ترجمه: احمد توکلی، تهران، انتشارات امیر کبیر، 1331 هـ.ش، ص 23.

3- محمد بن الحسین بن محمد بن خلف، أبو یعلی، المعروف بـ ابن الفراء (المتوفی: 458 هـ)، رسل الملوك ومن یصلح للرسالة والسفارة، المحقق: صلاح الدین المنجد، الناشر: دار الکتب الجدید - بیروت، الطبعة: الثانية، 1392 هـ، 1972 م، ص 47.

4- تکامل فن دیپلماسی، ص 33.

5- دیپلمات و دیپلماسی، ص 39.

همان طوری که یونانیها به دلیل تشکیلات ناقص خود شکست خوردند، رومیها نیز بر اثر اشتباه، خودخواهی و تسلط بر دیگران موفقیت نیافتند، نهایت اینکه، عقیده آنان درباره سلطه خود بر سایر ملل، مانع گسترش فنون و ظرایف دیپلماتیک شد، هرچند با توجه به قدرت فراوان آنان در ایجاد تشکیلات، پیشرفتهای در دستگاه دیپلوماسی رخ نمود.⁽¹⁾

دور دوم: دیپلوماسی در اسلام.

در قرون وسطا و طی ده قرن حاکمیت کلیسا بر قاره اروپا دیپلوماسی این قاره رشدی نیافت و اگر هم به ندرت سفیری اعزام می شد زیر نظر کلیسا بود، در همین زمان با شکوفایی اسلام، ممالک اسلامی به بسط روابط خود با سایر ملل پرداختند و برنامه ها و اصول دیپلوماتیک آنان الگوی اروپاییان در قرنهای بعد شد، از این رو لازم است به بیان و بررسی دیپلوماسی عصر نبوی پردازم و برخی نکات مهم آن را در عصر باز نمایم:

منظور از دیپلوماسی نبوی فعالیتهاست که پیامبر صلی الله علیه وسلم در جایگاه رئیس حکومت و نمایندگان و سفرای او برای تحقیق بخشیدن به خط مشیهای سیاسی اسلام و همچنین پاسداری از حقوق و منافع دولت اسلامی در داخل و خارج از قلمرو حکومت اسلامی انجام می دادند.⁽²⁾

روابط و دیپلوماسی پیامبر صلی الله علیه وسلم را در سه سطح قبیلوی، منطوقوی و فرامنطوقوی می توان تحلیل کرد:

اول: دیپلوماسی قبیلوی پیامبر صلی الله علیه وسلم:

هم زمان با ظهور اسلام، قبایل و طوایف عرب جزیره العرب تشکل و نظام اداری - اجتماعی خاص خود را داشت، واحدهای قبیلوی به صورت دولتهای کوچک محلی، که به نظام ملوک الطوایفی می ماندند، نظام اجتماعی و سیاسی خود را اداره می کردند، در واقع هر قبیله به صورت جامعه سیاسی بود و از عناصر عمده تشکیل دهنده دولت (جمعیت متشکل، قدرت سیاسی و نوعی حکومت) برخوردار بود و سرزمین قبیله نیز بعضی وقت بدون رهبر و بعضی وقت به صورت ثابت و طبق اراده شیخ تعیین می گردید.⁽³⁾

¹- تکامل فن دیپلوماسی، ص 33 - 46.

²- عمید زنجانی، حقوق تعهدات بین المللی و دیپلوماسی در اسلام، تهران، سمت، چاپ اول، 1379 هـ.ش، ص 272.

³- همان مرجع، ص 114.

از این رو پیامبر صلی الله علیه وسلم بر قراری روابط حسنه با تمام واحدهای سیاسی قبیلوی را در پیش گرفت و کوشید همه قبایل را تحت نظام سیاسی واحد گرد آورد، بجاست نقطه آغاز دیپلوماسی پیامبر صلی الله علیه وسلم را پس از تشکیل حکومت اسلامی در مدینه منوره همان (منشور و میثاق مدینه) بدانیم، درباره میثاق مدینه باید گفت که این میثاق، که از ابتکارات پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم بود، به منظور متحد ساختن ساکنان یک سرزمین برای تشکیل یک دولت بسیط تنظیم شده بود، ساکنانی که با تفاوت در عقیده و دین، عنصر جمعیت دولت نوپای اسلامی را تشکیل می دادند، این منشور ماهیتی بسان قانون اساسی دارد و نخستین گام ساختاری در تأسیس نظم سیاسی و حقوقی بر پایه وحی و شریعت است، که با ابتکار پیامبر صلی الله علیه وسلم نظام قبیلوی از صورت محدود خود به سازمان عالی تر و وسیع تر تبدیل شده است.⁽¹⁾

نهایت اینکه پیامبر صلی الله علیه وسلم استقلال واحدهای قبیلگی آن روز مدینه را به رسمیت شناخته بودند، طوری که در حدیث شریف این رسمیت چنین نقل شده است: (أَنَّهُمْ أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ عَلَى رَبَّاعِيهِمْ).⁽²⁾ ترجمه: آنها (هر کدام از مهاجرین و انصار) یک امت بر زندگی خوش، نیکو و فراخ (استقلال سیاسی و اقتصادی) خود خواهد بودند.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص شده است، که پیامبر صلی الله علیه وسلم استقلال قبیلگی هر کدام از مهاجرین و انصار را به رسمیت می شناسد و این ابتکار پیامبر صلی الله علیه وسلم در قرار دادن قبایل در درون امت سبب شد که رسول الله صلی الله علیه وسلم از تمام استعدادها و انرژی نهفته در الگوی قبیله در راستای گسترش دولت خویش بهره گیرد.

دیپلوماسی پیامبر صلی الله علیه وسلم پس از سال پنجم هجری تحرک بیشتری یافت، زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم در این زمان ابتکار عمل را در دست گرفت و روابط با قبایل عرب را که تاکنون حاکمیت مدینه

¹ - سید مصطفی میرمحمدی، اصل عدم مداخله در اسلام و حقوق بین الملل، دانشگاه مفید، قم، 1391 هـ ش، ص 109.

² - حمید بن مخلد بن قتیبة بن عبد الله الخراساني، أبو أحمد المعروف بابن زنجويه (المتوفى: 251هـ)، الأموال لابن زنجويه، تحقيق: شاکر ذیب فیاض الأستاذ المساعد - بجامعة الملك سعود، الناشر: مركز الملك فيصل للبحوث والدراسات الإسلامية، السعودية، الطبعة: الأولى، 1406 هـ - 1986 م، ج 2 ص 466. ابن حجر رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح است. أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر أبو الفضل العسقلاني (المتوفى: 852هـ)، التلخیص الحبير، المحقق: محمد الثاني بن عمر بن موسى، الناشر: دار أضواء السلف، الطبعة: الأولى، 1428 هـ - 2007 م، رقم الحديث 5659.

را نپذیرفته بودند، سرعت بخشید، اولین هدف مهم پیامبر صلی الله علیه وسلم ایجاد رابطه دوستانه با مکه، مهم ترین شهر در تمام سرزمینهای عرب بود، ایشان اولین تماس سیاسی را در سال ششم هجری (در صلح حدیبیه) از طریق «بدیل بن ورقاء خزاعی» با اهل قریش برقرار کرد و به آنان چنین پیام فرستاد: «إِنَّا لَمْ نَجِئْ لِقِتَالِ أَحَدٍ وَلَكِنَّا جِئْنَا مُعْتَمِرِينَ وَإِنَّ قُرَيْشًا قَدْ نَهَكْتَهُمُ الْحَرْبُ وَأَضْرَبَتْ بِهِمْ فَإِنْ شَاؤُوا مَادَدْتُهُمْ مَدَّةً وَيُخَلُّوا بَيْنِي وَبَيْنَ النَّاسِ فَإِنْ أَظْهَرَ فَإِنْ شَاؤُوا أَنْ يَدْخُلُوا فِيمَا دَخَلَ فِيهِ النَّاسُ فَعَلُوا وَإِلَّا فَفَدَّ جَمُوعًا وَإِنْ هُمْ أَبَوْا فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَأُقَاتِلَنَّهُمْ عَلَى أَمْرِي هَذَا حَتَّى تَنْفَرَدَ سَالِفَتِي وَلَيُنْفِذَنَّ اللَّهُ أَمْرَهُ» (1).

ترجمه: ما برای جنگ با کسی نیامده ایم، بلکه برای عمره آمده ایم، قرشیان از جنگ به جان آمده اند و اگر خواهند مدتی معین کنیم و مرا با دیگران واگذارند، که اگر دین من غلبه یافت و خواستند به این دین همانند دیگر مردم داخل شوند و اگر نخواهند به الله که جان من به فرمان اوست، با آنها در کار دین خویش جنگ می کنم تا جان بدهم یا فرمان الله روان شود.

وجه استدلال از این حدیث: این پیام پیامبر صلی الله علیه وسلم برای دستیابی به راه حلی غیر از جنگ آغاز شد، همچنان این پیام بسیار حساس و مهم تلقی می شد و دو طرف که در گذشته همواره در حالت جنگی به سر می بردند و دو جنگ بدر و احد را پشت سر گذاشته بودند، این بار زبان دیپلوماسی را بر شمشیر ترجیح دادند، زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم در انتخاب روابط مسالمت آمیز با قریش پیش گام بود، او همان طور که در مدینه بر موضع صلح آمیز خود پای می فشرد، در صلح حدیبیه نیز از آن دفاع کرد و مانع بروز تشنج و تیرگی روابط شد، که از این حدیث بوضوح این موضوع معلوم می گردد.

از همین جهت شیخ محمد ابوزهره⁽²⁾ رحمه الله راجع به این موضوع می نویسد: اوج موفقیت دیپلوماسی پیامبر صلی الله علیه وسلم در ارتباط با قبایل در سال نهم هجری و به هنگام حضور نمایندگان طوایف

1- محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة البخاري، أبو عبد الله (المتوفى: 256هـ)، صحيح البخاري، الناشر: دار الشعب - القاهرة، الطبعة: الأولى، 1407 - 1987، رقم الحديث 2731.

2- أبو زهرة، (1316 - 1394 هـ = 1898 - 1974 م)، محمد بن أحمد أبو زهرة، یکی از بزرگترین علماء معاصر بحساب میاید، در شهر مدینه متولد گردید و دروس را در مدارس مختلف آموخته است، و در پوهنتون های مختلف تدریس کرده است، و بیش از صد کتاب تألیف نموده از جمله: الخطابه، تاريخ الجدل في الإسلام، اصول الفقه، تواريخ مفصلة ودراسة فقهية أصولية للأئمة الأربعة وغيره.

مختلف عرب برای بیعت و انعقاد پیمانهای سیاسی در مدینه منوره آغاز گردید، در این سال بیش از سی هیئت از طوایف مختلف عرب که بیشتر از اعراب جنوب، مسیحی، یهودی و زردشتی بودند، نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمدند.⁽¹⁾

دوم: دیپلوماسی منطوقی پیامبر صلی الله علیه وسلم:

هنگامی که نبی اکرم صلی الله علیه وسلم نظام سیاسی خود را در مدینه منوره بنیان نهاد، با چندین دولت عربی و غیر عربی در جزیره العرب و اطراف آن، روابط سیاسی برقرار کرد و به تدریج اغلب آنها را به دین اسلام فراخواند، مهم ترین آنها به شرح ذیل اند:

پیامبر صلی الله علیه وسلم در دیپلوماسی نخست خود با دولتهای نیمه مستقل عربی و فرستادن نامه و نماینده به دربارشان و دعوت آنان به اسلام حاطب بن ابی بلتعنه رضی الله عنه را همراه نامه به نزد مقوقس، که حاکم مصر و دست نشاندۀ روم فرستاد، در بخشهای از این نامه آمده بود: از محمد ابن عبدالله به مقوقس، بزرگ قبطیان... پس از سپاس و ستایش الله متعال، من تورا به دین اسلام فرا می خوانم، به اسلام روی آور تا ایمن بمانی، تا خداوند تورا دو چندان پاداش دهد، اگر پشت بر اسلام کنی، گناه قبطیان بر تو خواهد بود...⁽²⁾

خیر الدین بن محمود بن محمد بن علی بن فارس، الزرکلی دمشقی (المتوفی: 1396 هـ)، الأعلام، الناشر: دار العلم للملایین، بیروت، الطبعة: الخامسة عشر - أيار / مايو 2002 م، ج 6 ص 26.

1- محمد بن أحمد بن مصطفى بن أحمد المعروف بأبي زهرة (المتوفى: 1394 هـ)، خاتم النبیین صلی الله علیه وآله وسلم، الناشر: دار الفكر العربي - القاهرة، 1425 هـ، ج 3 ص 572.

2- اصل متن چنین است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، مِنْ مُحَمَّدٍ عَبْدَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ، إِلَى الْمُقَوْسِ عَظِيمِ الْقَيْطِ، سَلَامٌ عَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى، أَمَا بَعْدُ: فَإِنِّي أَدْعُوكَ بِدَعَايَةِ الْإِسْلَامِ، أَسَلِّمُ تَسْلِمًا، وَأَسَلِّمُ بِوَيْتِكَ اللَّهُ أَجْرَكَ مَرَّتَيْنِ، فَإِن تَوَلَّيْتَ، فَإِنَّ عَلَيْكَ إِثْمَ الْقَيْطِ، رَبِّاهُ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ}. أحمد بن محمد بن أبي بكر بن عبد الملك القسطلاني القتيبي المصري، أبو العباس، شهاب الدين (المتوفى: 923 هـ)، المواهب اللدنية بالمنح المحمدية، الناشر: المكتبة التوفيقية، القاهرة- مصر، ج 1 ص 545. ابن كثير رحمه الله ابن حديث را حسن لغیره دانسته است. إسماعيل بن عمر بن كثير أبو الفداء القرشي البصري ثم الدمشقي (المتوفى: 774 هـ)، تحفة الطالب بمعرفة أحاديث مختصر ابن الحاجب، الناشر: دار ابن حزم، بيروت، الطبعة: الثانية 1416 هـ - 1996 م، ج 1 ص 167. ترجمه: از طرف محمد بنده و فرستاده خدا به مقوقس بزرگ قبط. درود بر کسی که از هدایت متابعت می کند. اما بعد: من تو را به قبول اسلام فرا می خوانم، اسلام بیاور تا سالم بمانی، خداوند دو بار برایت پاداش خواهد داد و اگر دریغ کنی گناه قبطیان به گردن تو است. "بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخن دادگرانه بی که میان ما و شما مشترک است - همه آن را بر زبان می رانیم، بیایید بدان عمل کنیم، و آن این- که جز خداوند

روش پیامبر صلی الله علیه وسلم در ارسال پیام بر مشترکات و پذیرفتن اصل توحید و اعلام نبوت و دعوت سران همه کشورهای در پیش گرفت که در اکثر موارد موفقیت آمیز بود، از همین جهت مقوقس در نامه ای با حفظ احترام به مقام معنوی و سیاسی پیامبر صلی الله علیه وسلم نوشت: به محمد بن عبدالله از مقوقس: سلام بر تو، من نامه تو را خواندم و از محتوای آن و آنچه که بدان فرا می خوانی آگاه گشتم. من می دانستم که تو یکی از پیامبران بر حق هستی و بر این گمان بودم که تو در سرزمین شام آشکار خواهی گشت. (1)

مقوقس با نوشتن این پاسخ محترمانه و فرستادن هدایایی از جمله ماریه قبطیه از پذیرفتن دعوت پیامبر صلی الله علیه وسلم سر باز زد.

پیامبر صلی الله علیه وسلم در موارد متعدد «شناسایی»⁽²⁾ دولتهای محلی را امتیازی سیاسی در برابر پذیرش اسلام به سران پیشنهاد می کرد، این سیاست انعطاف پذیرترین رفتاری بود که پیامبر صلی الله علیه وسلم در روابط خارجی پیش گرفت، پیامبر صلی الله علیه وسلم این دیپلوماسی را با کسب موفقیت‌هایی ادامه داد، بنابراین، رسول صلی الله علیه وسلم نامه‌ها و هیئت‌هایی نزد پادشاهان یمن، غسان⁽³⁾ و بحرین فرستاد و در تمام این موارد به پیروزیهای سیاسی نایل آمد.⁽⁴⁾

سوم: دیپلوماسی فرمانطقوی پیامبر صلی الله علیه وسلم:

یگانه را نپرستیم و چیزی را شریک او نکنیم و برخی از ما برخی دیگر را، به جای خداوند یگانه، به خدایی نپذیرد. پس هرگاه -از این دعوت- سر بر تابند، بگوئید: گواه باشید که ما منقاد -اوامر و نواهی خدا- هستیم".

1- علی بن ابراهیم بن أحمد الحلبي، أبو الفرج، نور الدین ابن برهان الدین (المتوفی: 1044هـ)، السیرة الحلبیة من إنسان العیون فی سیرة الامین المأمون، الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الثانية - 1427هـ، ج 3 ص 349.

2- «شناسایی» به معنای آن است که دولتهای دیگر، وجود یک دولت را که تازه تأسیس شده است و یا تغییر رژیم یافته است به رسمیت بشناسند. علی رضا دیهیم، حقوق دیپلوماتیک و کنسولی، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، 1385هـ ش، ص 30.

3- غسان: منطقه بود که امروز به شرق اردن معروف است، منطقه بود که به دلیل خرابی سد مآرب عده ای از مردم همچون طایفه ازد به آن مهاجرت کردند و چون سرزمین حاصلخیزی بود، طایفه ازد در آن ناحیه مسلط شدند و بعدها غسان نام یافتند و برخی هم می گویند: غسان نام آب است که بنومازن ابن ازد بن غوث و بنوجفنه و خزاعه در آنجا نازل شدند و محل زندگی شان انتخاب نمودند. یاقوت بن عبد الله شهاب الدین أبو عبد الله الرومی الحموی (المتوفی: 626هـ)، معجم البلدان، الناشر: دار صادر، بیروت، الطبعة: الثانية، 1995 م، ج 4 ص 203.

4- عبدالقیوم سجادی، دیپلوماسی و رفتار سیاسی در اسلام، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، 1383هـ ش، ص 220.

روابط خارجی دولت نبوی در اواخر زندگی ارزشمند پیامبر صلی الله علیه وسلم تا مرکز قدرتهای آن روزگار یعنی ایران و روم گسترش یافت، دیپلوماسی نبوی با دولت روم: از آنجا که مناطق شمال حجاز و سرزمین شام برای رسول الله صلی الله علیه وسلم اهمیت فراوان داشت، نامه هایی را برای حاکمان و پادشاهان منطقه شامات و روم ارسال کرد و آنها را به اسلام فراخواند، ایشان دحیه بن خلیفه کلبی رضی الله عنه را به سوی دربار قیصر روانه ساخت، هرقل که از عالمان برجسته مسیحی بود و از بشارت مسیح به ظهور پیامبر اسلام آگاهی داشت، با خواندن نامه ایشان سخت متأثر شد، او در باره اسلام و پیامبر صلی الله علیه وسلم تحقیق کرد و مجلس اعیان را برای بررسی و پاسخ مثبت به دین اسلام تشکیل داد، اما اعیان و بزرگان با آن مخالفت کردند. (1)

دیپلوماسی نبوی با دولت ایران: در عصر نبوی، ایران تحت نفوذ و حکومت ساسانیان بود و وضعیت سیاسی و اجتماعی رضایت بخشی نداشت و مردم از ظلم و تبعیض به شدت ناراضی بودند، اما تاب مخالفت با دولت ستم پیشه را نداشتند. (2)

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم با آگاهی از چنین اوضاعی، در آغاز سال هفتم عبدالله بن حذافه سهمی رضی الله عنه را به دربار کسری اعزام نمود، او با جمعی از اعیان فارس وارد دربار شد و شخصاً نامه را به کسری داد، در نامه پیامبر صلی الله علیه وسلم به کسری چنین آمده بود: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، مِنْ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى كِسْرَى عَظِيمِ فَارِسَ سَلَامٌ عَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى، وَأَمَّنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَشَهِدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدَ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، أَدْعُوكَ بِدَاعِيَةِ اللَّهِ، فَإِنِّي أَنَا رَسُولُ اللَّهِ إِلَى النَّاسِ كَافَّةً: لِيُنْذَرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ، أَسَلِمُ تَسَلَّمَ، فَإِنِ ابْتَيْتَ فَعَلَيْكَ إِثْمُ الْمَجُوسِ. (3)

1- إسماعيل بن عمر بن كثير أبو الفداء القرشي البصري ثم الدمشقي (المتوفى: 774هـ)، البداية والنهاية، المحقق: علي شيري، الناشر: دار إحياء التراث العربي، بيروت، الطبعة: الأولى 1408، هـ - 1988 م، ج 4 ص 226.

2- سمیح عاطف الزین، محمد در مدینه (تحلیلی از زندگانی سیاسی و اجتماعی پیامبر)، ترجمه: مسعود انصاری، تهران، جامی، 1379 هـ ش، ص 1016.

3- محمد بن محمد بن محمد بن أحمد، ابن سید الناس، الیعمري الربيعي، أبو الفتح، فتح الدين (المتوفى: 734هـ)، عيون الأثر في فنون المغازي والشمال والسير، الناشر: دار القلم - بيروت، الطبعة: الأولى، 1993/1414، ج 2 ص 328. ابن كثير رحمه الله ابن حديث را حسن لغیره دانسته است. تحفة الطالب بمعرفة أحاديث مختصر ابن الحاجب، ج 1 ص 167.

ترجمه: به نام الله بخشاینده و مهربان، از محمد، فرستاده الله، به کسری، بزرگ فارس، درود بر هر آن که پیرو هدایت گردد و به الله و فرستاده او ایمان آورد و به آنکه معبود (راستینی) جز الله نیست، که یگانه و بدون شریک است و آنکه محمد بنده و فرستاده اوست، گواهی دهد، من تو را به دعوت الهی فرا می خوانم، چرا که من فرستاده الله به سوی جمله مردمانم، تا آنان را که زنده اند، هشدار دهم و تا حجت بر کافران تمام شود (حکم عذاب بر آنان مسلم گردد)، پس اسلام آور تا در امان باشی و اگر سر بر تابی، بی گمان گناه مجوسیان بر تو است.

پادشاه ایران برای تنبیه فرستنده به کار گزار خود در یمن دستور داد: دو مرد از دلاوران خود را به سراغ این مرد در حجاز بفرست تا او را به حضور من آورند.⁽¹⁾

همان طور که ملاحظه می شود، پاسخ خسرو پرویز به پیامبر صلی الله علیه وسلم بسیار عجولانه و ناشی از غرور و احساسات بود، زیرا او نتوانست موقعیت سیاسی و نظامی پیامبر صلی الله علیه وسلم را حتی در حد رئیس قبیله تحلیل و بررسی کند، تصور او بر این بود که می تواند با اعزام دو نفر محمد صلی الله علیه وسلم را دستگیر و به دربارش احضار کند، پاسخ پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز بسیار قاطع بود، حتی مکتوب را که خسرو در پاسخ پیامبر صلی الله علیه وسلم روان کرده بود، حاضر نشد به خواندن تمام نامه گوش فرا دهد و فرمود: «وَاللَّهِ مُمَزَّقُهُ، وَمَمَزَّقُ مُلْكَهُ».⁽²⁾

ترجمه: خداوند پادشاهی او را تکه تکه کند و پادشاهی او را هم تکه تکه کند.

وجه استدلال از این حدیث: در این حدیث دیده شد که پیامبر صلی الله علیه وسلم جواب بسیار قاطعانه داد و آن دعای بدی بود که در حق او انجام داد.

گرچند دعوت دولت های فرمانگویی چون ایران و روم، خالی از خطر و تهدیدات نظامی برای دولت نبوی نبود، اما رسول اکرم صلی الله علیه وسلم رسالتی جهانی داشت و شکوه قیصر روم و کسرای ایران مانع

1- أحمد بن عبد الله بن أحمد بن إسحاق بن موسى بن مهران أبو نعیم الأصبهانی (المتوفى: 430هـ)، دلائل النبوة لأبي نعیم الأصبهانی، الناشر: دار

النفائس، بیروت، الطبعة: الثانية، 1406 هـ - 1986 م، ص 348.

2- أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد أبو عبد الله الشیبانی (المتوفى: 241هـ)، مسند الإمام أحمد بن حنبل، المحقق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد، وآخرون، الناشر: مؤسسة الرسالة، بیروت، الطبعة: الأولى، 1421 هـ - 2001 م، رقم الحديث 15655. هیثمی رحمه الله می گوید: روات این حدیث ثقات هستند. علی بن ابی بکر بن سلیمان، أبو الحسن نور الدین الهیثمی (المتوفى: 807هـ)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، المحقق: حسام الدین القدسی، الناشر: مكتبة القدسی، القاهرة، 1414 هـ، 1994 م، رقم الحديث 13894.

از آن نبود، رسول الله صلی الله علیه وسلم مصمم بود که آنان را به پذیرش دین اسلام فرا خواند که سرانجام آن رساندن پیام اسلام به تمام بشر بود.⁽¹⁾

خلاصه: در مجموع از بررسی دیپلوماسی نبوی صلی الله علیه وسلم در سه سطح قبیلوی، منطوقوی و فرامنطوقوی چنین بر می آید که سطوح موفقیت پیامبر صلی الله علیه وسلم به ترتیب متفاوت بوده است، دیپلوماسی پیامبر صلی الله علیه وسلم در میان قبایل به دلیل پشتوانه نظامی نیرومند بسیار موفق بود، اما در سطح دولتها موفقیت نسبی یافت، به ویژه در مواردی که روابط پیامبر صلی الله علیه وسلم با دولتها بیشتر بود و امنیت دولتها در معرض تهاجم نیروهای مسلمان قرار داشت، همچنین در مواردی که دیپلوماسی ضمانت اجرایی نداشت مانند مصر، تأثیر آن چندان ملموس نبود، چنان که این عدم تأثیر گذاری در سطح قدرتهای بزرگ آن روز شفاف تر می نمود، با وجود این، آثار بلند مدت این دیپلوماسی را نمی توان نادیده گرفت.

دوره سوم: دیپلوماسی نوین

از نیمه دوم قرن هفدهم و پس از انعقاد صلح وستفالی سیستم «کشور - ملت» به رسمیت شناخته شد که مظهر آن پادشاهان بودند، ظهور این پدیده با مرزهای مشخص و حاکمیت و استقلال باعث شد دولت مرکزی در بسیاری از زمینه ها از جمله روابط خارجی اقتدار یابد و شکلی جدید از روابط دیپلماتیک بین کشورها پدید آید.⁽²⁾

در قرن هژدهم ترقی دیپلوماسی باعث شد تا واژه دیپلوماسی در مفهوم امروزی آن به کار گرفته شود، علاوه از آن دستگاه دیپلوماسی کشور بیش از پیش بر همگان آشکار شد.⁽³⁾

طی قرن نهم دیپلوماسی ارج و قرب خاصی یافت، در این ایام وظیفه دیپلومات در جمع آوری اطلاعات در کشور محل مأموریتش دیگر جاسوسی تلقی نمی شد، توسعه وسایل ارتباطی تماس مداوم دیپلوماتها را

1- محمد در مدینه (تحلیلی از زندگانی سیاسی و اجتماعی پیامبر)، ص 885 - 886.

2- ژاک هونتزینگر، در آمدی بر روابط بین الملل، ترجمه: عباس آگاهی، آستان قدس رضوی، مشهد، 1368 هـ.ش، ص 121.

3- دیپلومات و دیپلوماسی، ص 54.

با کشور متبوع خود تسهیل کرد، همچنان افرادی دیپلمات می شدند که مجرب، باهوش، صحیح العمل و ... باشند.⁽¹⁾

قرن بیستم را، به خصوص پس از جنگ جهانی اول و دوم، باید سرآغاز تحول سریع دیپلوماسی و دیپلوماتیک محسوب کرد، چرا که این دوران شاهد دو تحول بزرگ در عرصه دیپلوماسی است: بعضی از اصول قدیمی دست و پاگیر دیپلوماسی کنار گذاشته شد.

قسمت مهمی از وظایف دیپلوماسی به وزیر امور خارجه و در مسائل مهم به رؤسای کشورها واگذار شد، نیز چاره اندیشی بسیاری از مسائل مشترک کشورها بر عهده همایشها و سازمانهای بین المللی نهاد شد.⁽²⁾ از ویژگی های دیپلوماسی نو در این دوره چند جانبگی و علنی بودن و دائمی بودن آن است، شایان یاد آوری است دیپلوماسی در این دوره با وظایف مربوط به تحکیم روابط بین دولتها و سازمانهای بین المللی همراه است، همچنان از مشخصه های این دوران می توان به توسعه و گسترش بی سابقه روابط دیپلوماتیک، گسترش شبکه وزارت خارجه و افزایش شدید حجم کار ادارات آن و توسعه قانون گذاری داخلی و بین المللی در عرصه حقوق دیپلوماتیک و کنسولی اشاره کرد.⁽³⁾

دوره چهارم: دیپلوماسی در افغانستان.

آغاز روابط دیپلوماسی بشکل رسمی و دائمی در افغانستان از زمان امان الله خان آغاز گردید، زیرا قبل از امان الله خان روابط دیپلوماسی افغانستان در بعضی از کشورهای همسایه از جمله ایران، پاکستان، هند و غیره بشکل غیر رسمی وجود داشت، اما با روی کار آمدن حکومت امان الله خان، وی یکی از شاهان مشروطه خواه و آزادی طلب افغانستان بود، او از آغاز سلطنتش موضوع استقلال افغانستان را در صدر برنامه های کاری اش قرار داده بود، او زمانی که در سوم مارچ 1919 تاج شاهی به سر نهاد، چنین بیان کرد: به آن شرط این تاج تخت را می پذیرم که شما با اندیشه ها و افکار من همکاری کنید، حکومت

¹- همان مرجع، ص 59 - 60.

²- حقوق دیپلوماتیک و کنسولی، ص 20.

³- حقوق دیپلوماتیک و کنسولی، ص 63 - 64.

افغانستان باید از نگاه داخلی و خارجی کاملاً مستقل و آزاد باشد و با کشورهای خارجی روابط دیپلماتیک بشکل مستمر داشته باشد.⁽¹⁾

سرانجام امان الله خان در 18 اگست 1919 میلادی استقلال رسمی افغانستان را اعلام نمود و از آن تاریخ تاکنون یک قرن از دیپلوماسی معاصر افغانستان گذشته است، در مدت حکومت امان الله خان، افغانستان برای حفظ قدرت سیاست بی طرفی، ذهنیت دیپلوماسی محافظه کارانه و واکنشی را اتخاذ کرد، که زیادتیر در سایه بازی کشورهای دیگر عمل می کرد.⁽²⁾

تا اواخر دهه 1970م دستگاه دیپلوماسی کشور در ساختار، تا اندازه به مجری نسبتاً مسلکی سیاست خارجی کشور بدل گشته بود، ولی هنوز بادیگها و سلیقه های شخصی و خاندانی باقی مانده بود، دستگاه دیپلوماسی کشور با دیدگاه شخصی به پیش برده می شد و منافع ملی و اهداف سیاست مشخص برای برآورده ساختن منافع داخلی در روابط بین المللی وجود نداشت.⁽³⁾

با سپری شدن شش دهه از استقلال کشور و شکوفایی سیاست خارجی مستقل و با اشغال افغانستان توسط اتحاد جماهیر شوروی در دسامبر 1979م، نمایندگی های رسمی افغانستان اشغالی، نمایندگی های مختلف مجاهدین با حمایت مهاجرین افغان و به هدف اصلی برنامه های شخصی برای خودشان و ظاهری برای نجات افغانستان از اشغال شوروی و جلب مساعدت های بین المللی در نقاط مختلف جهان فعال گردید.⁽⁴⁾ بعد از خروج شوروی تاکنون تمام تنش های که در سیاست خارجی افغانستان از قبیل تنش های سیاسی، اقتصادی، تجاری، تعلیمی و تحصیلی، مهاجرتی و غیره، با کشورهای همسایه و منطقه صورت گرفته است، بوسیله روابط دیپلماتیک حل و فصل شده است، که می توان گفت: سیاست خارجی افغانستان تحت اداره و مدیریت این کشور است و در سیاست خارجی این کشور نقش خوبی از طریق دیپلماتیک بازی نموده است.⁽⁵⁾

1- ناصر مستوری کاشانی، افغانستان دیپلوماسی دوچهره، ایران، انتشارات ایران شهر، چاپ اول، 1371 هـ.ش، ص 11.

2- محمد آصف ایوبی، افغانستان و صد سال سیاست خارجی، روزنامه هشت صبح، کابل، میزان 1398 هـ.ش، ص 2.

3- افغانستان و صد سال سیاست خارجی، ص 2.

4- افغانستان و صد سال سیاست خارجی، ص 2.

5- همان مرجع، ص 2.

فصل اول

عمومیات

در این فصل مباحث ذیل بشکل مقایسه بین فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان بحث می گردد:

مبحث اول: مفهوم مسئولیت قضائی، خصوصیات و انواع آن

مبحث دوم: مفهوم دیپلومات و دیدگاه‌ها پیرامون مسئولیت قضائی آن.

مبحث سوم: مشروعیت، منابع و تفاوت مسئولیت قضائی

مبحث اول

مفهوم مصئونیت قضائی، خصوصیات و انواع آن

در این مبحث مطالب ذیل بحث می گردد:

مطلب اول: تعریف مصئونیت قضائی در فقه اسلامی

مطلب دوم: تعریف مصئونیت قضائی در نظام حقوقی افغانستان

مطلب سوم: مقایسه میان تعریف فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان.

مطلب چهارم: خصوصیات مصئونیت قضائی

مطلب پنجم: انواع مصئونیت دیپلمات ها

مطلب اول: تعریف مصئونیت قضائی در فقه اسلامی

در این مطلب نخست مصئونیت قضائی را در لغت تعریف نموده، سپس در اصطلاح از دیدگاه فقهاء اسلامی تعریف می گردد، که تفصیل آن قرار ذیل است:

فرع اول: تعریف لغوی مصئونیت قضائی

مصئونیت قضائی مرکب از دو کلمه است، مصئونیت و قضاء، مصئونیت از کلمه « صَوْن » گرفته شده است و « صَوْن » در زبان عربی به معنای نگهداری کردن، در امان ماندن و دور داشتن از تعرض است، طوری که ابن منظور افریقی⁽¹⁾ رحمه الله می گوید: (الصَّوْنُ: أَنْ تَقِيَ شَيْئًا أَوْ تَوَبَّأَ ... وَصِيَانَهُ: وَهُوَ وَعَاؤُهُ الَّذِي يُصَانُ فِيهِ... وَالْحَرْ يُصَوَّنُ عِرْضَهُ كَمَا يَصُونُ الْإِنْسَانُ تَوْبَهُ).⁽²⁾

1- ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی، أبو الفضل، جمال الدین ابن منظور أنصاري، رويغی، افریقی (630 - 711 هـ = 1232 - 1311 م)، یکی از امامان و دانشمندان نحو، صرف و لغت بود، تولد و وفاتش در مصر شده است، در زمانش منشی دیوان قضاء در قاهره بود و در طرابلس بحیث قاضی ایفای وظیفه نموده است، از جمله تألیفاتش: لسان العرب و معانی القرآن می باشد. الذهبي، شمس الدین أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قایم (المتوفی: 748هـ)، تاریخ الإسلام وَوَفِيَاتِ الْمَشَاهِيرِ وَالْأَعْلَامِ، المحقق: بشار عواد معروف، الناشر: دار الغرب الإسلامي، الطبعة: الأولى، 2003 م، ج 5 ص 141.

2- محمد بن مکرم بن علی، أبو الفضل، جمال الدین ابن منظور الأنصاري الرويغی الإفريقي (المتوفی: 711هـ)، لسان العرب، الناشر: دار صادر - بيروت، الطبعة: الثالثة - 1414 هـ، ج 13 ص 250.

ترجمه: «صَوْن»: عبارت از اینکه چیزی و یا لباسی نگهداری شود، «وصیانه»: و آن عبارت از پوش است که در آن چیزی محفوظ می ماند و آزادی آبروی انسان را مصئون می دارد، همان طوری که انسان لباس خود را نگهداری می کند.

حقوق دانان عرب، معانی حرمت، امان، امتیاز، استثنا، معافیت و حصانه را در برابر کلمه مصئونیت به کار می برند، که البته معنای اخیر (حصانه) شایع تر است.⁽¹⁾

کلمه « قضائی » منسوب به قضاء است و قضاء در لغت: مفرد است به معنای رأی و نظر دادگاه، هیأت داوری، انجام دادن حکم آمده است و جمعش أَقْضِيَّة است. ابن الاثیر⁽²⁾ رحمه الله می گوید: (وَأَصْلُهُ: الْقَطْعُ وَالْفَصْلُ. يُقَالُ: قَضَى يَقْضِي قَضَاءً فَهُوَ قَاضٍ: إِذَا حَكَمَ وَفَصَلَ).⁽³⁾

ترجمه: اصل قضاء به معنای قطع و فصل است، طوری که گفته می شود: قَضَى (قضاوت کرد) يَقْضِي (قضاوت می کند) قَضَاءً (قضاوت کردن) فَهُوَ قَاضٍ (پس او قضاوت کننده است): وقت که حکم کرد و فیصله نمود.

پس مشخص و معلوم گردید که مصئونیت قضائی یعنی محفوظ و در امان ماندن دارنده آن از تعقیب قانون و مأموران قضائی است.

فرع دوم: تعریف اصطلاحی مصئونیت قضائی:

باید گفت کلمه مصئونیت قضائی یک کلمه نو است و فقهاء قدیم از آن چیزی تعریف نکرده اند، ولی شریعت اسلامی برای سفر و نمایندگان کشورهای خارجی که به غرض حل مسائل سیاسی، اقتصادی و غیره نزد

1- سید مصطفی میرمحمدی، مصونیت و مزایای هیئت های نمایندگی دولت ها و سازمانهای بین المللی، انتشارات بین المللی الهدی، تهران، چاپ اول، 1378 هـ ش، ص 54.

2- ابن الاثیر: (555 - 630 هـ = 1160 - 1233 م)، مبارک بن محمد بن محمد بن محمد ابن عبد الکریم الشیبانی الجزری، أبو السعادات، مجد الدین، ابن الاثیر، یکی از علمای لغت، ادب و اصول بود، در جزیره ابن عمر از جزایر موصل تولد و نشأت کرد، سپس در موصل مسکن گزید و در همانجا وفات یافت، وی برادر ابن الاثیر المؤرخ و ابن الاثیر کاتب است، از جمله تالیفاتش: جامع الأصول فی احادیث الرسول، النهایة فی غریب الحدیث والأثر، الإنصاف فی الجمع بین الكشف والكشاف وغیره می باشد. أحمد بن محمد بن ابراهیم بن ابي بکر، ابن خلکان، أبو العباس شمس الدین الیرمکی الإربلی (المتوفی: 681 هـ)، وفيات الأعیان وأنباء أبناء الزمان، المحقق: إحسان عباس، الناشر: دار صادر - بیروت، الطبعة: 1، 1994 م، ج 1 ص 441.

3- المبارک بن محمد بن محمد بن محمد ابن عبد الکریم، مجد الدین، أبوالسعادات، الشیبانی، الجزری، ابن الاثیر (المتوفی: 606 هـ)، النهایة فی غریب الحدیث والأثر، تحقیق: طاهر أحمد الزاوی - محمود محمد الطناحی، الناشر: المكتبة العلمية - بیروت، 1399 هـ - 1979 م، ج 4 ص 78.

دولت اسلامی تشریف می آورند، مصئونیت کامل در نظر گرفته است، شریعت اسلامی برای این اشخاص حرمت و مصئونیت در نظر گرفته است تا این اشخاص وظایف و مسئولیت های شان را بشکل آزاد و بدون هراس و ترس انجام دهند، پس سفرا و نمایندگان در فقه اسلامی از امتیاز امان برخوردار هستند، بنابراین، سفرا و نمایندگان و کسانی که همراه شان اند و آنچه که از اموال دارند، وقت که در کشورهای اسلامی داخل می شوند، جائز نیست که به آنها تجاوز صورت گیرد و یا اموال شان به غارت برده شود و یا آنها مورد اهانت قرار بگیرند، همان طوری که جائز نیست بر بالای آنها جزیه مقرر گردد، این مصئونیت ها و امتیازات تا وقت که در کشور اسلامی آنها اقامت دارند نافذ می باشد.⁽¹⁾

این حرمت، امتیاز و مصئونیت را فقه اسلامی بنام « عقد امان⁽²⁾ » بیان نموده است و اشخاص و افراد که از این مصئونیت برخوردار می شوند، مستأمن می نامد، پس مستأمن را فقهاء اسلامی چنین تعریف نموده است: (مَنْ يَدْخُلُ إِقْلِيمَ غَيْرِهِ بِأَمَانٍ مُسْلِمًا كَانَ أُمَّ حَرَبِيًّا).⁽³⁾

ترجمه: مستأمن عبارت از شخصی است که در کشور و مملکت غیر همراه امان داخل می گردد، مسلمان باشد و یا حربی.

اما فقهاء معاصر از جمله: صلاح عامر⁽⁴⁾، مصئونیت قضائی را چنین تعریف نموده اند: (فالحصانة القضائية هو ضمان الاستقلالية التامة للموظف الدبلوماسي للتفرغ الحر لمهامه دون أي تدخل من قبل السلطات القضائية

1- عثمان ضميرية، اصول العلاقات الدولية في فقه الإمام محمد بن الحسن الشيباني، دارالفكر العربي، القاهرة، 2003م، ص 839.

2- عقد امان را فقهاء اسلامی چنین تعریف نموده اند: رَفَعُ اسْتِبَاحَةَ دَمِ الْحَرَبِيِّ وَرَقَّةَ وَمَالِهِ حِينَ قِتَالِهِ أَوْ الْغُرْمَ عَلَيْهِ، مَعَ اسْتِثْرَارِهِ تَحْتَ حُكْمِ الْإِسْلَامِ. محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة السرخسي (المتوفى: 483هـ)، شرح السير الكبير، الناشر: الشركة الشرقية للإعلانات، بيروت، 1971م، ج 1 ص 283. شمس الدين، محمد بن أحمد الخطيب الشربيني الشافعي (المتوفى: 977هـ)، مغني المحتاج إلى معرفة معاني ألفاظ المنهاج، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت، الطبعة: الأولى، 1415هـ - 1994م، ج 4 ص 236.

ترجمه: عقد امان عبارت از برداشتن و رفع اباحت خون حربی، گردن او و مال او در وقت جنگ با او است، یا رفع کردن تاوان و غرامت از بالای او، به همراه اقامت او در تحت حکم اسلام.

3- محمد أمين بن عمر بن عبد العزيز ابن عابدين، الدمشقي الحنفي (المتوفى: 1252هـ)، رد المحتار على الدر المختار، الناشر: دار الفكر-بيروت، الطبعة: الثانية، 1412هـ - 1992م، ج 3 ص 247. محمد عميم الإحسان المجدي البركتي، قواعد الفقه، الناشر: الصدف بيلشرز - كراتشي، الطبعة: الأولى، 1407 - 1986، ص 87.

4- صلاح الدين محمود فوزي عامر، مشهور به صلاح عامر، یکی از فقهاء و قانون گذاران مشهور مصر در عصر حاضر است، در سال 1942م در الغریبه مصر تولد گردید، نامبرده تحصیلات خود را تا دکترا از پوهنتون الازهر در رشته حقوق بدست آورد، وی بعد از فراغت بحیث استاد در این پوهنتون ایفای وظیفه نموده است و دارای تالیفات کثیره است، از جمله: قانون التنظيم الدولي، مقدمة لدراسة القانون الدولي العام و غیره. صلاح

عامر - المعرفة. <https://m.marefa.org>

للدولة المستقبلية طويلاً فترة اقامته فيها).⁽¹⁾

ترجمه: مسئولیت قضائی عبارت از تضمین نمودن استقلال و آزادی کامل برای کارمندان دیپلوماسی است، تا دیپلومات ها آزادانه خود را وقف وظایف خطیر شان نمایند، بدون مداخله مقامات قضائی برای کشور پذیرنده در مدت طولانی که این دیپلومات ها در آنجا اقامت دارند.

خلاصه: در فقه اسلامی مشخص گردید که مسئولیت قضائی یا عقد امان، همان حرمت و مسئولیت کامل جان، مال و آبروی کارمندان دیپلوماسی است، تا دیپلومات ها آزادانه خود را وقف وظایف خطیر شان نمایند، بدون مداخله مقامات قضائی برای کشور پذیرنده در مدت طولانی که این دیپلومات ها در آنجا اقامت دارند.

مطلب دوم: تعریف مسئولیت قضائی در نظام حقوقی افغانستان

قوانین افغانستان مسئولیت قضائی دیپلومات ها را بشکل صریح تعریف نکرده است، اما کود جزای افغانستان ضمناً در ماده 21 خویش چنین توضیح داده است: هرگاه کارکن ملل متحد یا کارکن سازمان های بین المللی دیگر یا نماینده سیاسی دولت خارجی مرتکب جرمی گردد که احکام این قانون بالای وی قابل تطبیق باشد، با آنها مطابق معاهدات بین الدول و میثاق های بین المللی که موقوف، امتیازات و مسئولیت های کارکنان و نمایندگان متذکره را تنظیم می نماید و جمهوری اسلامی افغانستان به آن ملحق گردیده است، رفتار صورت می گیرد.⁽²⁾

در این ماده مشخص گردید که مسئولیت قضائی در نظام حقوق افغانستان متأثر از معاهدات بین الدول و میثاق های بین المللی شده است، بنابراین، هر تعریف که میثاق های بین الملل از مسئولیت قضائی دارد، همان تعریف مورد قبول نظام حقوقی افغانستان هم می گردد، پس میثاق های بین الملل از مسئولیت قضائی طوری که کنواسیون وین درباره روابط دیپلوماتیک در ماده های 29 و 31 خود بیان نموده است، چنین تعریف دارد: ماده 29: شخص مأمور دیپلوماتیک مصون از تعرض است، نمی توان او را به هیچ عنوان مورد توقیف یا بازداشت قرار داد، دولت پذیرنده با وی رفتار محترمانه ای که در شأن او است خواهد

¹⁻ ولید خالد الربیع، الحصانات و الامتیازات الدبلوماسية فی الفقه الاسلامی و القانون المقارن، دراسة مقارنة، مجلة الفقه و القانون المقارن، الكويت، ص 23. صلاح الدین عامر، مقدمة لدراسة القانون الدولي العام، دار النهضة العربية، 1995م، ص 766. جابر غنیمی، الحصانة القضائية، یومیة مستقلة المغرب، 2021م، ص 1.

²⁻ وزارت عدلیه، کود جزا، جریده رسمی (1260)، مطبعه پرویز، کابل، 1396 هـ ش، ماده (21).

داشت و اقدامات لازم را برای جلوگیری از وارد آمدن لطمه به شخصی و آزادی و حیثیت او اتخاذ خواهد کرد.

ماده 31 این کنواسیون در مورد چنین بیان می دارد:

1- مأمور دیپلماتیک در دولت پذیرنده از مسئولیت قضائی جزائی برخوردار است، او از مسئولیت قضائی مدنی و اداری نیز بهره مند خواهد بود، مگر در موارد زیر:

الف - دعوای راجع به مال غیر منقول خصوصی واقع در قلمرو دولت پذیرنده، مگر آنکه مأمور دیپلماتیک مال را به نمایندگی دولت فرستنده و برای مقاصد نمایندگی در تصرف داشته باشد.

ب - دعوای راجع به ماترکه که در آن مأمور دیپلماتیک بطور خصوصی و نه به نام دولت فرستنده، وصی و امین ترکه و وارث یا موصی له واقع شده باشد.

ج - دعوای راجع به هرگونه فعالیت حرفه ای آزاد یا تجاری که مأمور دیپلماتیک در دولت پذیرنده و خارج از وظایف رسمی خود به آن اشتغال دارد.

2- مأمور دیپلماتیک مجبور به ادای شهادت نیست.

3- علیه مأمور دیپلماتیک مبادرت به هیچ اقدام اجرائی نخواهد شد - جز در موارد مذکور در تبصره های الف، ب و ج، بند اول این ماده و به شرط آن که چنین اقدام اجزایی به مسئولیت از تعرض شخص یا محل اقامت او لطمه وارد نیلورد.

4- مسئولیت قضائی مأمور دیپلماتیک در دولت پذیرنده او را از تعقیب قضائی دولت فرستنده معاف نخواهد داشت.⁽¹⁾

اما قاموس اصطلاحات حقوقی که توسط تعداد از استادان پوهنحی حقوق و علوم سیاسی پوهنتون کابل تهیه و ترتیب گردیده است، مسئولیت قضائی دیپلمات ها را بشکل صریح چنین تعریف نموده اند: سهولت های که به اساس قواعد بین المللی، به نمایندگان سیاسی یک کشور اعطا می گردد که در کشور دیگر به نمایندگی از دولت مطبوع شان ایفای وظیفه می نمایند، از مسئولیت جزائی معاف می باشد.⁽²⁾

دیده شد که این تعریف هم که توسط تعداد از استادان پوهنحی حقوق و علوم سیاسی پوهنتون کابل صورت

¹- کنواسیون وین درباره روابط دیپلماتیک (18 آوریل 1962) مترجم: پرویز ذوالعین، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه ایران، چاپ چهارم، تابستان 1389 هـ.ش، ماده 29 و 31.

²- نصرالله ستانکزی و دیگران، قاموس اصطلاحات حقوقی، چاپ توسط پروژه امور عدلی و قضایی افغانستان، کابل، 1387 هـ.ش، ص 233.

گرفته است، اشاره به آن دارد که مسئولیت قضائی همان سهولت های است که به اساس قواعد بین المللی، به نمایندگان سیاسی یک کشور اعطا می گردد و این همان دیدگاه کود جزا است، که قبلاً تذکر رفت.

مطلب سوم: مقایسه میان تعریف فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان

با مقایسه و بررسی میان تعریف فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان، دیده می شود که هر دو تعریف با هم در برخی از موارد دیدگاه مشترک دارند و در برخی موارد از هم متفاوت هستند، که تفصیل شان قرار ذیل است:

الف: موارد مشترک

- 1- در هر دو تعریف روی مسئولیت قضائی برای دیپلمات ها تأکید صورت گرفته است.
- 2- در هر دو تعریف اشاره شده است که هدف از این مسئولیت آن است که سفرا و دیپلمات ها کارهای شان را بشکل آزادانه و بدون ترس و هراس در کشور پذیرنده انجام دهند.
- 3- در هر دو تعریف گفته شده است: این مسئولیت شامل مسئولیت جان، مال و آبرو می گردد، یعنی جان، مال و آبروی دیپلمات ها از تعرض و تجاوز مصئون است.
- 4- در هر دو تعریف تذکر رفته است که این مسئولیت یک نوع امتیاز و حرمت برای سفرا و دیپلمات است.

ب: موارد متفاوت

- 1- در فقه اسلامی این مسئولیت را بنام عقد امان و شخص که از این مسئولیت برخوردار است، مستأمن نامیده است، اما نظام حقوقی افغانستان این موضوع را تذکر نداده است.
- 2- نظام حقوقی افغانستان مسئولیت قضائی دیپلمات ها را مطابق معاهدات بین الدول و قواعد بین الملل عملی می شناسد، اما فقه اسلامی مطابق دستور شریعت اسلامی می شناسد.
- 3- در کنوانسیون وین چنین تذکر رفته است: مأمور دیپلماتیک در دولت پذیرنده از مسئولیت قضائی جزائی برخوردار است، او از مسئولیت قضائی مدنی و اداری نیز بهره مند خواهد بود و موارد را هم در مسئولیت قضائی مدنی و اداری استثنا نموده است، ولی فقه اسلامی این موضوع را تذکر نداده است.
- 4- در کنوانسیون وین چنین تذکر رفته است: مأمور دیپلماتیک مجبور به ادای شهادت نیست، همچنین گفته شده است: مأمور دیپلماتیک تحت تعقیب دولت فرستنده می باشد، یعنی هر دولت که دیپلمات

خود را به هر کشوری که می فرستد، مکلف است تا از او نظارت نموده تا اگر جرم و خطای را دیپلومات مرتکب می شود، مجازات نماید، اما این موضوع در فقه اسلامی تذکر نرفته است.

مطلب چهارم: خصوصیات مصئونیت قضائی در فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان

نخست خصوصیات مصئونیت قضائی دیپلومات ها را از نگاه فقه اسلامی بررسی نموده، سپس از نگاه نظام حقوقی افغانستان بررسی می نمایم و در اخیر میان فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان مقایسه می نمایم، که تفصیل آن قرار ذیل است:

الف: خصوصیات مصئونیت قضائی دیپلومات ها در فقه اسلامی

فقه اسلامی برای مصئونیت قضائی دیپلومات ها بعضی از خصوصیات را در نظر گرفته است، که تفصیل آن قرار ذیل اند:

1- مصئونیت اماکن و محل مأموریت دیپلومات

در نظر گرفتن مصئونیت سفارتخانه های بیگانه در کشورهای اسلامی یک امر معمول و عرفی است، بنابراین، هیچ نص قطعی از قرآن کریم و سنت برخلاف آن وجود ندارد، پس مشهور است که عرف می تواند یکی از منابع احکام در شریعت اسلامی باشد، زیرا قاعده در اصول فقه است: (الثَّابِتُ بِالْعُرْفِ كَالثَّابِتِ بِالنَّصِّ).⁽¹⁾

ترجمه: آنچه که بوسیله عرف ثابت می گردد، مثل ثابت گردیدن بوسیله نص است.

وجه استدلال از این قاعده: چه دلیلی بهتر از اینکه تمام دولت های اسلامی این عرف را پذیرفتند و به طور مستمر و دوام دار بدان عمل کردند.

همچنان الله متعال می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَ تَسَلَّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا﴾.⁽²⁾

¹- محمد بن عبد الواحد السبواسي، كمال الدين المعروف بابن الهمام (المتوفى: 861هـ)، فتح القدير، الناشر: دار الفكر، بيروت، ج 8 ص 32. قواعد الفقه، ص 74.

²- {النور، آيه 27}.

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید در خانه هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید.

وجه استدلال از آیه: عموم این آیات بر سفارتخانه های بیگانه و اماکن مأموریت و اعضای آن مطابقت دارد، از همین جهت ابن عربی⁽¹⁾ رحمه الله می گوید: (نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ عَامَّةً فِي كُلِّ بَيْتٍ).⁽²⁾

ترجمه: این آیه به طور عام درباره هر خانه ای نازل شد.

2- مصئونیت اموال مأمور دیپلماتیک

دومین خصوصیت مصئونیت قضائی دیپلمات ها آن است که هرگاه فرستاده یا سفیر وارد سرزمینهای اسلامی شود، شخص او و اموالی که به همراه دارد، مصئونیت دارند، بنابراین، برخلاف میل و رضایت وی نمی توان آن اموال را از او گرفت، طوری که سرخسی⁽³⁾ رحمه الله می نویسد: (وَلَا يَمْلِكُ الْمُسْلِمُونَ رِقَابَ الْمُسْتَأْمِنِينَ وَأَمْوَالَهُمْ بِالْإِحْرَازِ).⁽⁴⁾

ترجمه: مسلمانان گردن ها و اموال مستأمنین را بوسیله بدست آوردند، مالک نمی کردند.

1- ابن العربی (468 - 453 هـ = 1076 - 1148 م)، محمد ابن عبدالله ابن محمد، ابوبکر، معروف و مشهور به قاضی ابن العربی، یکی از حفاظ متبحر قرآن و حدیث و فقیهی از فقهاء مالکی است که به اجتهاد رسیده بود، در «إشبیلیه» متولد شده است و در «قرب فاس» وفات نمود و در همانجا بخاک سپرده شد، از جمله شاگردانش در مشرق: طرطوسی و ابوحامد غزالی است و در مراکش: قاضی عیاض و دیگران بودند. از جمله تألیفاتش: المحصول فی علوم القرآن، احکام القرآن و مشکل الکتاب و السنة است. ابراهیم بن علی بن محمد، ابن فرحون، برهان الدین الیعمري المالکی (المتوفی: 799هـ)، الدبیاج المذهب فی معرفة أعیان علماء المذهب، تحقیق وتعلیق: محمد الأحمدی أبو النور، الناشر: دار التراث للطبع والنشر، القاهرة، ج 1 ص 281 - 282.

2- محمد بن عبد الله أبو بكر بن العربي المعافري الاشبيلي المالكي (المتوفی: 543هـ)، أحكام القرآن، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، الطبعة: الثالثة، 1424 هـ - 2003 م، ج 3 ص 369.

3- سرخسی: محمد ابن احمد ابن ابی سهل، ابوبکر سرخسی از اهل سرخس خراسان و ملقب به شمس الانمه، یکی از بزرگان، علامه و فقیهی مشهور احناف بود، از جمله تألیفاتش: المبسوط فی الفقه می باشد، در سال 490 هجری وفات نمود. عمر بن رضا بن محمد راغب بن عبد الغنی، کحالة دمشق، الحنفی (المتوفی: 1408هـ)، معجم المؤلفین، الناشر: مكتبة المثنی - بيروت، دار إحياء التراث العربي بيروت، ج 8 ص 239. عبد القادر بن محمد بن نصر الله القرشي، أبو محمد، محبي الدين الحنفي (المتوفی: 775هـ)، الجواهر المضیة فی طبقات الحنفیة، الناشر: مير محمد كتب خانه - كراتشي، ج 2 ص 29.

4- محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة السرخسي (المتوفی: 483هـ)، المبسوط، الناشر: دار المعرفة - بيروت، 1414هـ - 1993م، ج 10 ص

همچنان نووی⁽¹⁾ رحمه الله - درباره مستأمن و به نظر عصر حاضر درباره مأمور دیپلوماتیک - می گوید: (إِذَا دَخَلَ كَافِرٌ دَارَ الْإِسْلَامِ بِأَمَانٍ أَوْ ذِمَّةٍ، كَانَ مَا مَعَهُ مِنَ الْمَالِ وَالْأَوْلَادِ فِي أَمَانٍ، فَإِنْ شَرَطَ الْأَمَانَ فِي الْمَالِ وَالْأَهْلِ، فَهُوَ تَأَكِيدٌ وَلَا أَمَانَ لِمَا خَلْفَهُ بِدَارِ الْحَرْبِ).⁽²⁾

ترجمه: هرگاه کافر با امان یا ذمه وارد سرزمین های اسلامی شود، مال و فرزندی که به همراه دارد در امان است، اگر در خصوص مال و خانواده شرط امان کند، تاکید است، ولی آنچه را در دارالحرب به جای می گذارد امان ندارد.

3- معافیت مأمور دیپلوماتیک از مالیاتها و عوارض گمرکی

بر اساس فقه اسلامی، اموال سفیران از پرداخت عوارض معاف بوده است، البته به شرط عمل متقابل دولتها متبوع آنان، طوری که امام ابو یوسف رحمه الله می فرماید: (وَلَا يُؤْخَذُ مِنَ الرَّسُولِ الَّذِي بَعَثَ بِهِ مَلِكُ الرُّومِ وَلَا مِنَ الَّذِي قَدْ أُعْطِيَ أَمَانًا عَشْرًا؛ إِلَّا مَا كَانَ مَعَهُمَا مِنْ مَتَاعِ التِّجَارَةِ فَأَمَّا غَيْرُ ذَلِكَ مِنْ مَتَاعِهِمْ فَلَا عَشْرَ عَلَيْهِمْ فِيهِ).⁽³⁾

ترجمه: از فرستاده امپراطور روم و از کسی که به وی امان داده شد، عشر دریافت نمی شود، مگر آنکه همراه آنان مال التجاره باشد، به جز مال التجاره از دیگر اموال آنان عشر دریافت نمی شود.

4- ممنوعیت خیانت به جان و مال افراد به وسیله دیپلمات های مسلمان

فقهاء مسلمان همان گونه که اموال مأموران دیپلوماتیک را در کشورهای اسلامی از مزایا و مصئونیتهای پیش گفته برخوردار دانستند، با گشودن بُعدی دیگر از موضوع، دیپلماتهای مسلمان را از خیانت در اموال

1- نووی، أبو زکریا، محیی الدین، یحیی بن شرف (متوفی: 676هـ)، یکی از محدثین و علام اسلام است، و فقیه مذهب شوافع می باشد، تألیفات زیاد دارد از جمله: المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج، ریاض الصالحین، الذکوار و غیره. تاج الدین عبد الوهاب بن تقی الدین السبکی، (المتوفی: 771هـ)، طبقات الشافعیة الكبرى، المحقق: محمود محمد الطناحي و عبد الفتاح محمد الحلو، الناشر: هجر للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة: الثانية، 1413هـ، ج 5 ص 165. أبو بکر بن أحمد بن محمد بن عمر الشهبی دمشقی، تقی الدین، ابن قاضي شهبه الأسدي، (المتوفی: 851هـ)، طبقات الشافعیة، المحقق: الحافظ عبد العليم خان، دارالنشر: عالم الكتب - بیروت، الطبعة: الأولى، 1407 هـ، ج 2 ص 153.

2- یحیی بن شرف، أبو زکریا محیی الدین النووی (المتوفی: 676هـ)، روضة الطالبین وعمدة المفتین، تحقیق: زهیر الشاویش، الناشر: المكتب الإسلامي، بیروت- دمشق- عمان، الطبعة: الثالثة، 1412هـ / 1991م، ج 10 ص 290.

3- یعقوب بن ابراهیم بن حبیب بن سعد بن حبتة الأنصاري، أبو یوسف (المتوفی: 182هـ)، الخراج، تحقیق: طه عبد الرؤوف سعد، سعد حسن محمد، الناشر: المكتبة الأزهرية للتراث، القاهرة، ص 205.

دشمن (اهل حرب) بر حذر داشتند، زیرا این عمل در اسلام از مصادیق نیرنگ است، طوری که زیلعی⁽¹⁾ رحمه الله می گوید: (إِذَا دَخَلَ دَارَ الْحَرْبِ بِأَمَانٍ مُسْلِمٌ تَاجِرٌ يَحْرُمُ عَلَيْهِ أَنْ يَنْعَرَّضَ لِشَيْءٍ مِنْ أَمْوَالِهِمْ وَدِمَائِهِمْ).⁽²⁾

ترجمه: وقت که تاجر مسلمان بوسیله امان داخل دارالحرب می گردد، بر بالایش حرام است که تعرض و تجاوز به چیزی از اموال و خون های اهل حرب نماید.

خلاصه: در دین مقدس اسلام، برای دیپلومات و فرستاده مجاز نیست که از وضعیت خود سوء استفاده و در محل مأموریت به آنان خیانت کند.

5- آزادی رفت و آمد اعضای دیپلومات

در شریعت اسلام، آزادی رفت و آمد انسان در روی زمین مجاز قرار داده شده است، طوری که الله متعال می فرماید: {قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ}.⁽³⁾

ترجمه: بگو، در زمین سیر کنید و بنگرید خداوند چگونه آفرینش را آغاز کرده؟ سپس خداوند (به همین گونه) جهان آخرت را ایجاد می کند، خداوند بر هر چیز قادر است.

ولی این آزادی مطلق نیست، از همین جهت غیر مسلمان نباید بدون اجازه امام مسلمین به مناطق حجاز و مکه داخل شود، طوری که نووی رحمه الله در این باره می گوید: (وَمَتَى دَخَلَ كَافِرٌ الْحِجَازَ بِغَيْرِ إِذْنِ الْإِمَامِ، أَخْرَجَهُ وَعَزَّرَهُ إِنْ عَلِمَ أَنَّهُ مَمْنُوعٌ مِنْ دُخُولِهِ، وَإِنْ اسْتَأْذَنَ فِي دُخُولِهِ، أُذِنَ لَهُ إِنْ كَانَ فِي دُخُولِهِ مَصْلَحَةٌ لِلْمُسْلِمِينَ، كَرِسَالَةٍ أَوْ عَقْدٍ هُدْنَةٍ أَوْ ذِمَّةٍ، أَوْ حَمَلٍ مَتَاعٍ يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْمُسْلِمُونَ).⁽⁴⁾

¹¹- زیلعی: (743 هـ = 1343 م) عثمان بن علی بن محجن، فخر الدین، زیلعی: فقیه حنفی، اصلش از زیلع صومال است، سپس به قاهره آمد و در آنجا مشغول درس و فتوا بود تا آن که در آنجا وفات نمود، دارای تالیفات کثیره است، از جمله: تبیین الحقائق فی شرح کنز الدقائق دارای شش جلد در فقه، تركة الکلام علی أحادیث الأحکام، شرح الجامع الکبیر در فقه و غیره. قاسم بن فطوبغا أبو الفداء زین الدین أبو العدل السودونی (نسبه إلى معتق أبيه سودون الشيخوني) الجمالی الحنفی (المتوفى: 879هـ)، تاج التراجم، المحقق: محمد خیر رمضان یوسف، الناشر: دار القلم - دمشق، الطبعة: الأولى، 1413 هـ - 1992م، ج 1 ص 188. الجواهر المضیة فی طبقات الحنفیة، ج 1 ص 345.

²- عثمان بن علی بن محجن البارعی، فخر الدین الزیلعی الحنفی (المتوفى: 743 هـ)، تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق، الناشر: المطبعة الكبرى الأميریة - بولاق، القاهرة، الطبعة: الأولى، 1313 هـ، ج 3 ص 266.

³- {العنکبوت، آیه 20}.

⁴- روضة الطالبین وعمدة المفتین، ج 10 ص 308.

ترجمه: هرگاه کافری بدون اجازه امام مسلمین وارد حجاز شود، اخراج می گردد و چنانچه براین ممنوعیت اطلاع داشته تنبیه می شود، اگر اجازه ورود بخواهد، چنانچه ورود به مصلحت مسلمانان باشد از قبیل: ابلاغ پیام، انعقاد صلح یا حمل کالای مورد نیاز مسلمانان، ببه او اجازه داده می شود.

6- عدم جلوگیری از بازگشت مأمور دیپلوماتیک به وطن

در شریعت اسلامی، مأمور دیپلوماتیک هرزمان اراده کند، می تواند به وطن خود باز گردد، گرچه مایل باشد اسلام آورد یا آورده باشد، برای نمونه ابورافع وقتی از سوی قریش نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم مأموریت یافت و شیفته اسلام شد، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «إِنِّي لَا أُخِيسُ بِالْعَهْدِ وَلَا أَحْبِسُ الْبُرْدَ وَلَكِنْ أَرْجِعُ إِلَيْهِمْ، فَإِنْ كَانَ فِي قَلْبِكَ الَّذِي فِي قَلْبِكَ الْآنَ، فَارْجِعْ». (1)

ترجمه: من نقض عهد نمی کنم و فرستادگان را توقیف نمی کنم، نزد آنان برگرد، آنچه اکنون در دل داری آنگاه هم اگر بود، باز گرد.

وجه استدلال از حدیث: صنعانی (2) رحمه الله در شرح این حدیث می گوید: (فِي الْحَدِيثِ دَلِيلٌ عَلَى حِفْظِ الْعَهْدِ وَالْوَفَاءِ بِهِ وَوَلَوْ لِكَافِرٍ وَعَلَى أَنَّهُ لَا يُحْبَسُ الرَّسُولُ بَلْ يَرُدُّ جَوَابَهُ فَكَأَنَّ وُصُولَهُ أَمَانٌ لَهُ فَلَا يَجُوزُ أَنْ يُحْبَسَ بَلْ يُرَدُّ). (3)

ترجمه: این حدیث دلیل بر وفای به عهد و حفظ آن هرچند نسبت به کافران است و نیز گویای آن است که توقیف فرستاده روا نیست و باید او را باز گرداند.

1- سلیمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشیر بن شداد بن عمرو، أبو داود الأزدي السجستاني (المتوفى: 275هـ)، سنن أبي داود، المحقق: شعيب الأرنؤوط - محمّد كامل قره بللي، الناشر: دار الرسالة العالمية، بيروت، الطبعة: الأولى، 1430 هـ - 2009 م، رقم الحديث 2758. ألبانی رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح است. محمد ناصر الدین الألبانی (المتوفى: 1420هـ)، صحیح وضعیف سنن أبي داود، برنامج منظومة التحقيقات الحديثية - المجاني - من إنتاج مركز نور الإسلام لأبحاث القرآن والسنة بالإسكندرية، رقم الحديث 2758.

2- صنعانی: (1099 - 1182 هـ = 1688 - 1768 م)، محمد بن إسماعيل بن صلاح بن محمد حسني، كحلاني، صنعاني، أبوإبراهيم، عز الدين، یکی از مجتهدین در فقه و از محدثین جهان اسلام بشمار می رود، از بیت الامامه یمن است، و نشأت و وفات او در صنعاء شده است، بیش از صد تالیف دارد، از جمله توضیح الأفكار، شرح تنقیح الأنظار دارای دو جلد، سبل السلام، شرح بلوغ المرام من أدلة الأحكام لابن حجر العسقلاني وغيره. محمد بن علي بن محمد بن عبد الله الشوكاني اليمني (المتوفى: 1250هـ)، البدر الطالع بحاسن من بعد القرن السابع، الناشر: دار المعرفة - بيروت، ج 2 ص 133.

3- محمد بن إسماعيل بن صلاح بن محمد الحسني، الكحلاني ثم الصنعاني، أبو إبراهيم، عز الدين، المعروف كأسلافه بالأمير (المتوفى: 1182هـ)، سبل السلام، الناشر: دار الحديث، القاهرة، ج 2 ص 493.

ب: خصوصیات مسئولیت قضائی دیپلمات ها در نظام حقوقی افغانستان

از اینکه نظام حقوقی افغانستان در بخش مسئولیت قضائی دیپلمات ها از قواعد بین المللی متأثر است، قواعد و حقوق بین المللی بعضی از خصوصیات و مزایا را برای مسئولیت قضائی دیپلمات ها در نظر گرفته شده است، که تفصیل شان قرار ذیل اند:

1- مسئولیت اماکن مأموران دیپلماتیک: قواعد و حقوق بین الملل برای اماکن مأموریت و محل

سکونت افراد مأموریت، مسئولیت در نظر گرفته است، طوری که ماده (30) کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک 1961م، چنین تصریح نموده است: «محل اقامت خصوصی مأمور دیپلماتیک مانند اماکن نمایندگی مسئول از تعرض و مورد حمایت خواهد بود».⁽¹⁾ در این ماده بوضوح دیده می شود که اماکن و محل نمایندگی مأموران دیپلمات ها از تعرض مسئول است.

2- مسئولیت اموال مأمور دیپلماتیک: بند (2) ماده (30) کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک

1961م، در این مورد چنین تصریح می نماید: «اموال مأمور دیپلماتیک مسئول از تعرض خواهد بود».⁽²⁾

در این ماده بوضوح معلوم گردید که اموال مأموران دیپلماتیک از تعرض و تجاوز مسئول است.

3- معافیت مأمور دیپلماتیک از مالیاتها و عوارض گمرکی: ماده (34) کنوانسیون وین درباره روابط

دیپلماتیک چنین تصریح نموده است: مأمور دیپلماتیک از پرداخت کلیه مالیات ها و عوارض شخصی یا مالی، کشوری یا منطقه ای یا شهری معاف است، مگر در موارد زیر:

اول- مالیات های غیر مستقیم که معمولاً جزء قیمت کالا یا خدمت محسوب می شود.

دوم- مالیات ها و عوارض اموال غیر منقول خصوصی واقع در سرزمین دولت پذیرنده جز در مواردی که مأمور دیپلماتیک آن را از طرف دولت فرستنده برای مقاصد نمایندگی در تصرف داشته باشد.

سوم- مالیات بر ارث که از طرف دولت پذیرنده دریافت می گردد.

چهارم- مالیات و عوارض مأخوذه از درآمدهای خصوصی به دست آمده، در دولت پذیرنده و

¹ - کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک 1961م، ماده (30).

² - همان مرجع، ماده (30).

همچنین مالیات بر سرمایه های بکار افتاده در بانگهای تجاری واقع در کشور پذیرنده.

پنجم- مالیات و عوارضی که از دستمزد در برابر انجام خدمات خاص وصول می شود.

در این ماده مشخص گردید که مأموران دیپلماتیک از مالیات معاف هستند، مگر در موارد که مأموران کارهای شخصی می کنند، در این صورت از کارهای شخصی شان باید مالیات پرداخت نمایند.

4- مصونیت خانواده مأمور دیپلماتیک: ماده (37) کنوانسیون وین چنین تصریح نموده است:

بستگان مأمور دیپلماتیک که اهل خانه او هستند، به شرط آنکه تبعه دولت پذیرنده نباشند، از مزایا و مصونیت های برخوردار خواهند بود.⁽¹⁾

در این ماده مشخص شده است که خانواده و بستگان مأموران دیپلماتیک از مزایا و مصونیت برخوردار هستند، در صورتی که تبعه دولت پذیرنده نباشند.

5- آزادی رفت و آمد مأموران دیپلماتیک: ماده (26) کنوانسیون وین در مورد چنین تصریح نموده

است: دولت پذیرنده آزادی رفت و آمد و مسافرت همه اعضای نمایندگی را در قلمرو خود با رعایت قوانین و مقررات مربوط به مناطق که ورود به آنها از لحاظ امنیت ملی ممنوع بوده و یا تابع مقررات خاصی است، تأمین می نماید.⁽²⁾

دیده شد که قواعد و حقوق بین الملل مشکلی در آزادی رفت و آمد اعضای مأموریت در سرزمینهای اسلامی و غیر اسلامی نمی بیند، و این آزادی مانعی برای نظارت و محدود کردن رفت و آمد آنان به مناطقی که حمایت از آنها برای امنیت و سلامت مسلمانان لازم است، یا مناطقی که رفت و آمد در آنها خاص مسلمانان است، نخواهد بود.⁽³⁾

6- تسهیل بازگشت مأموران دیپلماتیک به وطن: ماده (44) کنوانسیون وین در مورد چنین تصریح

می کند: دولت پذیرنده می باید حتی در صورت وجود منازعات مسلحانه، تسهیلات لازم را فراهم آورد تا اشخاص بهره مند از مزایا و مصونیت ها به جز اتباع خود و نیز افراد خانواده آنان، بدون توجه به تابعیت شان بتوانند در اولین فرصت خاک این دولت را ترک کنند.⁽⁴⁾

در این ماده دیده شد که دولت پذیرنده مکلف است تا در صورت ضرورت زمینه بازگشت مأموران

¹- کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک 1961م، ماده (37).

²- همان مرجع، ماده (26).

³- حقوق دیپلماتیک، ص 424.

⁴- کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک 1961م، ماده (44).

دیپلوماتیک را مساعد نماید.

ج: مقایسه میان فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان در این مورد

با مقایسه و بررسی میان فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان، دیده می شود که فقه اسلامی با نظام حقوقی افغانستان در مورد خصوصیات مسئولیت قضائی، در موارد با هم اشتراک دارند و در موارد از هم متفاوت هستند، که تفصیل شان قرار ذیل اند:

اول: موارد اشتراک

- 1- از خصوصیات مسئولیت قضائی دیپلومات ها: مسئولیت جان، اماکن، اموال و خانواده مأموران دیپلوماتیک است، این موضوع هم در فقه اسلامی و هم در نظام حقوقی افغانستان تذکر رفته است.
- 2- از خصوصیات دیگر مسئولیت قضائی دیپلومات ها: آزادی رفت و برگشت مأموران دیپلوماتیک است، این موضوع هم در فقه اسلامی و هم در نظام حقوقی افغانستان بکار رفته است.
- 3- از خصوصیت دیگر مسئولیت قضائی دیپلومات ها: تسهیل نمودن زمینه بازگشت اعضای دیپلوماتیک به وطن شان است، این موضوع هم در فقه اسلامی و هم در نظام حقوقی افغانستان بکار رفته است.
- 4- از مال تجارتي و کارهای شخصی مأموران دیپلوماتیک که برای سفارت شان انجام نمی دهند، مالیه گرفته می شود، این موضوع در فقه و حقوق روابط بین الملل تذکر رفته است.

دوم: موارد متفاوت

- 1- در فقه اسلامی گفته شده است: اموال مأموران دیپلوماتیک از تعرض مصئون است، ولی آنچه را در دارالحرب به جای می گذارد، امان ندارد، اما در حقوق روابط بین الملل این موضوع بشکل عام بدون از استثنا بکار رفته است، یعنی تمام اموال مأموران دیپلوماتیک مصئون خوانده شده است.
- 2- در فقه اسلامی گفته شده است: اموال سفیران از پرداخت عوارض معاف بوده است، البته به شرط عمل متقابل دولتها متبوع آنان، ولی در حقوق روابط بین الملل عمل متقابل دولتهای متبوع را شرط قرار نداده است.
- 3- در دین مقدس اسلام، برای دیپلومات و فرستاده مجاز نیست که از وضعیت خود سوء استفاده و در محل مأموریت به آنان خیانت کند، این موضوع در حقوق روابط دیپلوماتیک تصریح نشده است.

4- در فقه اسلامی گفته شده است: غیر مسلمان نباید بدون اجازه امام مسلمین به مناطق حجاز و مکه داخل شود، این موضوع بر خلاف حقوق روابط دیپلماتیک است.

مطلب پنجم: انواع مصنونیت دیپلمات ها

مصنونیتهای دیپلماتیک را می توان به دو دسته تقسیم بندی کرد: مصنونیت از تعرض و مصنونیت قضائی، که تفصیل هر کدام شان قرار ذیل است:

الف: مصنونیت از تعرض

مصنونیت از تعرض یعنی غیر قابل تخطی بودن حرمت یک محل یا یک شخص است، حرمت محل، یعنی ورود بی اجازه به آن و حرمت شخص، یعنی عدم نقض آزادی و حقوق او، بنابراین، این نوع از مصنونیت را نخست از نگاه فقه اسلامی بررسی نموده، سپس از دیدگاه نظام حقوقی افغانستان مورد بررسی قرار داده و در اخیر میان فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان مقایسه می نمایم:

اول: دیدگاه فقه اسلامی در این مورد

مصنونیت از تعرض در فقه اسلامی بر اساس «امان» به رسمیت شناخته شده است و هیچ گونه تعرض به شخص سفیر، خانواده، اموال، یاد داشتها و مکاتبات او روانیست.⁽¹⁾

از جمله دلیلی که بر این نوع مصنونیت از آن استدلال نمود، رفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم با نمایندگان «مسیلمه کذاب» است، از این رو به جهت اهمیت آن این مورد را با تفصیل بیشتر بیان می کنم: مسلیمه کذاب از کسانی بود که در سال دهم هجری به مدینه آمد و اسلام آورد، ولی پس از مراجعت به سرزمینش، ادعای نبوت کرد و طی نامه به پیامبر صلی الله علیه وسلم نوشت: (مِنْ مُسَيْلِمَةَ رَسُولِ اللَّهِ! إِلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ، سَلَامٌ عَلَيْكَ أَمَا بَعْدُ: فَإِنِّي قَدْ أَشْرِكْتُ فِي الْأَمْرِ مَعَكَ، وَإِنَّ لَنَا نِصْفَ الْأَمْرِ، وَلَقُرَيْشٍ نِصْفَ الْأَمْرِ، وَلَكِنْ قُرَيْشٌ قَوْمٌ يَعْتَدُونَ).⁽²⁾

ترجمه: از مسلیمه فرستاده الله، به محمد فرستاده الله، سلام بر تو، اما بعد: من در امر نبوت شریک تو

¹- وهبة الزحيلي، آثار الحرب في الاسلام، الناشر: دار الفكر، بيروت، الطبعة الرابعة، 1992م، ص 336 - 338.

²- أحمد بن الحسين بن علي بن موسى الخسروجردي الخراساني، أبو بكر البيهقي (المتوفى: 458هـ)، دلائل النبوة ومعرفة أحوال صاحب الشريعة، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى - 1405 هـ، ج 5 ص 331.

قرار داده شدم، نیمی از سرزمین متعلق به ماست و نیمی دیگر از آن قریش، ولی قریش مردم ستم پیشه اند.

دو نفر به نمایندگی از مسیلمه، نامه را به مدینه آوردند و تسلیم پیامبر صلی الله علیه وسلم نمودند، یکی از آنها نامه را برای پیامبر صلی الله علیه وسلم خواند، پیامبر صلی الله علیه وسلم پس از آگاهی از مضمون نامه رو به فرستادگان مسیلمه نمود و فرمود: شما خود چه می گوئید؟ آنها گفتند: آنچه را مسیلمه می گوید، ما نیز می گوئیم، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «وَاللَّهِ لَوْلَا أَنَّ الرُّسُلَ لَا تُقْتَلُ لَضَرَبْتُ أَعْنَاقَكُمْ»⁽¹⁾.

ترجمه: آگاه باشید! به خدا قسم، اگر نه این است که فرستادگان کشته نمی شوند، شما را گردن می زدم.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث دیده شد که فرستادگان مسیلمه کشته نمی شوند، به دلیل وجود این قاعده که به فرستادگان نباید تعرض کرد، در واقع پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم در این سخن عرف عدم تعرض به فرستادگان را به رسمیت شناخت و همچنان پیامبر صلی الله علیه وسلم خواست تا در این سخن به تأسیس یا قانونی کردن اصل مصئونیت بپردازد و به مسلمانان توصیه کند این اصل را رعایت کنند.

دوم: دیدگاه نظام حقوقی افغانستان در این مورد

نظام حقوقی افغانستان که در این مورد از قواعد و حقوق روابط بین الملل اخذ شده است، بنابراین، مصئونیت از تعرض نسبت به مأموران دیپلماتیک، قاعده بنیادین بین المللی است.⁽²⁾

پس سفیران و هیئتهای همراه او از مصئونیت شخصی برخوردارند و باید از تعرض و بد رفتاری به آنان خودداری کرد، طوری که ماده (29) کنوانسیون وین بر آن تأکید نموده است: شخص مأمور دیپلماتیک مصون از تعرض است، نمی توان او را به هیچ عنوان مورد توقیف یا بازداشت قرار داد، دولت پذیرنده با وی رفتار محترمانه ای که در شأن او است خواهد داشت و اقدامات لازم را برای جلوگیری از وارد آمدن لطمه به شخصی و آزادی و حیثیت او اتخاذ خواهد کرد.⁽³⁾

¹ سنن أبي داود، رقم الحديث 2761. آلبانی رحمه الله این حدیث را صحیح می داند. صحیح وضعیف سنن أبي داود، رقم الحديث 2761.

² محمد رضا ضیایی بیگدلی، حقوق بین الملل عمومی، گنج دانش، تهران، چاپ بیست و سوم، 1385 هـ ش، ص 387.

³ کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک 1961م، ماده (29).

سوم: مقایسه میان فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان در این مورد

با مقایسه و بررسی میان فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان، دیده می شود که فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان در این مورد دیدگاه مشترک دارند و کدام مورد افتراق میان هر دو وجود ندارد، زیرا در هر دو تأکید شده است که مأموران و فرستادگان دیپلماتیک از تعرض مصئون است.

ب: مصونیت قضائی

مصونیت قضائی یکی دیگر از انواع مصونیت های دیپلماتیک به شمار می رود و به این معناست که مأموران دیپلماتیک برخلاف مردم و دیگر اتباع خارجی نمی توان به حکم محکمه و دادگاه جلب و محاکمه کرد.⁽¹⁾

پس نخست این مطلب را از نگاه فقه اسلامی بررسی نموده، سپس از دیدگاه نظام حقوقی افغانستان مورد بررسی قرار داده و در اخیر میان هر دو مقایسه می نمایم:

اول: دیدگاه فقه اسلامی در این مورد

شایان ذکر است که مصونیت قضائی مأموران دیپلماتیک دو گونه است: مصونیت جزائی و مصونیت مدنی و اداری که تفصیل هر دو نوع قرار ذیل است:

- 1- مصونیت جزائی: مصونیت جزائی از مهم ترین نتایج مصونیت قضائی محسوب می شود، بنابراین، از دیدگاه فقهاء اسلامی فرستادگان و مستأمنین مصونیت جزائی نسبی دارند، از همین جهت در مورد جرایم حق الناس مانند قذف و یا مستلزم قصاص تعقیب جزائی می شوند.⁽²⁾
- 2- مصونیت مدنی و اداری: در قسمت مصونیت مدنی و اداری، باید گفت که فقه اسلامی در این بخش چنین دیدگاه دارد: هرگاه کافر با امان یا زمه وارد سرزمین های اسلامی شود، مال و فرزندی که به همراه دارد در امان است، اگر در خصوص مال و خانواده شرط امان کند، تأکید است، ولی

1- حقوق دیپلماتیک، ص 351.

2- رد المحتار علی الدرالمختار، ج 3 ص 249. محمد بن عبد الله الخرشى المالکى أبو عبد الله (المتوفى: 1101هـ)، شرح مختصر خليل للخرشي، الناشر: دار الفكر للطباعة - بيروت، ج 8 ص 6. محمد بن إدريس بن العباس بن عثمان بن شافع بن عبد المطلب بن عبد مناف، الشافعي أبو عبد الله المطلبي القرشي المكي (المتوفى: 204هـ)، الأم، الناشر: دار المعرفة - بيروت، 1410هـ/1990م، ج 6 ص 37 - 38. منصور بن يونس بن صلاح الدين ابن حسن بن إدريس البهوتي الحنبلي (المتوفى: 1051هـ)، كشاف القناع عن متن الإقناع، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت، ج 5 ص 524.

آنچه را در دارالحرب به جای می گذارد امان ندارد. (1)

همچنان اماکن، مکاتبات دیپلمات ها مصئون است، به همین شکل در خصوص اموال سفیران از پرداخت عوارض معاف بوده است، البته به شرط عمل متقابل دولتها متبوع آنان، طوری که امام ابویوسف رحمه الله می فرماید: از فرستاده امپراطور روم و از کسی که به وی امان داده شد، عشر دریافت نمی شود، مگر آنکه همراه آنان مال التجاره باشد، به جز مال التجاره از دیگر اموال آنان عشر دریافت نمی شود. (2)

دوم: دیدگاه نظام حقوقی افغانستان در این مورد

براساس عرف و معاهدات بین المللی که نظام حقوقی افغانستان هم در این مورد از آن اخذ گردیده است، مأموران دیپلماتیک از مصئونیت جزائی در کشور محل مأموریت استفاده می کنند، طوری که ماده (31) کنوانسیون وین در این خصوص می گوید: مأمور دیپلماتیک در دولت پذیرنده از مصئونیت قضائی جزائی برخوردار است. (3)

در صورت ارتکاب جرم در کشور متبوع خویش تعقیب جزائی می شود، طوری که بند (4) ماده (31) تصریح می دارد: مصئونیت قضائی مأمور دیپلماتیک در دولت پذیرنده او را از تعقیب قضائی دولت فرستنده معاف نخواهد داشت. (4)

همچنان در مورد مصئونیت مدنی و اداری، ماده (31) کنوانسیون وین چنین تصریح نموده است: مأمور دیپلماتیک در دولت پذیرنده از مصئونیت قضائی جزائی برخوردار است، او از مصئونیت قضائی مدنی و اداری نیز بهره مند خواهد بود، مگر در موارد زیر:

الف - دعوای راجع به مال غیر منقول خصوصی واقع در قلمرو دولت پذیرنده، مگر آنکه مأمور دیپلماتیک مال را به نمایندگی دولت فرستنده و برای مقاصد نمایندگی در تصرف داشته باشد.
ب - دعوای راجع به ماترکه که در آن مأمور دیپلماتیک بطور خصوصی و نه به نام دولت

1- روضة الطالبین وعمدة المفتین، ج 10 ص 290.

2- الخراج، ص 205.

3- کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک 1961م، ماده (31).

4- همان مرجع، ماده (31).

فرستنده، وصی و امین ترکه و وارث یا موصی له واقع شده باشد.

ج - دعوای راجع به هرگونه فعالیت حرفه ای آزاد یا تجاری که مأمور دیپلماتیک در دولت پذیرنده و خارج از وظایف رسمی خود به آن اشتغال دارد.

استثنائات مذکور مبین تحولات حقوق دیپلماتیک است که در حقوق بین الملل عرفی وجود ندارد، البته شایان ذکر است که طبق ماده (42) کنوانسیون وین: دیپلمات نمی تواند در قلمرو دولت پذیرنده به فعالیت های حرفه ای یا تجاری به قصد انتفاع شخصی بپردازد، بدیهی است در صورت عدم رعایت این قاعده، برخورداری از مصونیت مدنی منتفی می گردد.

ج: مقایسه میان فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان در این مورد

با مقایسه و بررسی میان فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان، دیده می شود که نظام حقوقی افغانستان در این بخش با فقه اسلامی در مورد دیدگاه مشترک دارند و در موارد از هم متفاوت هستند، که تفصیل شان قرار ذیل اند:

اول: مورد مشترک

فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان برای مأموران و دیپلمات ها مصونیت قضائی جزائی، مدنی و اداری قایل اند.

دوم: موارد متفاوت

- 1- در فقه اسلامی مصونیت جزائی دیپلمات ها نسبی خوانده شده است، یعنی در صورت که دیپلمات ها مرتکب جرایم حق الناس می شوند مانند قتل و کذب، باید مجازات شوند، اما در کنوانسیون وین مصونیت جزائی را مطلق خوانده است.
- 2- در کنوانسیون وین تصریح شده است، در صورت که دیپلمات مرتکب جرایم گردد، مورد تعقیب قضائی کشور متبوعش می گردد، اما این موضوع در فقه اسلامی تذکر نرفته است.
- 3- مصونیت مدنی و اداری دیپلمات ها در فقه اسلامی براساس عمل دولت متقابل است، اما در کنوانسیون وین گفته شده است: در صورت که دیپلمات کارهای شخصی می کند و یا به فعالیت حرفه ای یا تجاری به قصد انتفاع شخصی بپردازد، از مصونیت مدنی و اداری بیرون می گردد.

مبحث دوم

مفهوم دیپلومات و نظرات پیرامون مصئونیت قضائی آن

در این مبحث مطالب ذیل بحث می گردد:

مطلب اول: تعریف دیپلومات

مطلب دوم: نظرات پیرامون مصئونیت قضائی دیپلوماسی

مطلب اول: تعریف دیپلومات

در این مطلب نخست دیپلومات را در لغت تعریف نموده، سپس در اصطلاح از دیدگاه فقه اسلامی تعریف گردیده، متعاقباً از دیدگاه نظام حقوقی افغانستان تعریف گردیده و در اخیر میان فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان مقایسه می نمایم:

فرع اول: تعریف لغوی دیپلومات

کلمه و واژه «دیپلومات» بر گرفته از کلمه یونانی «دیپلم» به معنای «تا کردن» است، کلمه «دیپلوما» بیانگر نوشته «تا شده» یا طومارمانندی بود که به هرکس اعطا می شد، از امتیازاتی خاص برخوردار می شد، بعدها این کلمه بر منشور یا سندی که به فرستادگان دولتها داده می شد، اطلاق گردید، به تدریج با مبادله افزون تر این اسناد، لزوم استخدام افرادی مجرب که به نگهداری و تنظیم آنها بپردازند، بیشتر احساس شد، پس از آن چنین کسانی را دیپلومات و حرفه آنها را دیپلوماسی نامیدند.⁽¹⁾

کلمه و واژه دیگری که با «دیپلومات» ارتباط مستقیم دارد، کلمه «سفیر» است، که در عربی و فارسی بیشتر به جای «دیپلومات» استفاده می گردد، سفیر در لغت به معنای رسول، پیام رسان و اصلاح کننده میان دو قوم است، طوری که ابن منظور افریقی رحمه الله می نویسد: (السَّفِيرُ: الرَّسُولُ وَالْمُصْلِحُ بَيْنَ الْقَوْمِ، وَالْجَمْعُ سَفَرَاءُ).⁽²⁾

ترجمه: سفیر به معنای رسول و اصلاح کننده بین قوم است و جمع سفیر، سفرا است.

¹- دیپلومات و دیپلوماسی، ص 3.

²- لسان العرب، ج 4 ص 370.

مرتضی زبیدی⁽¹⁾ رحمه الله علت تسمیه سفیر را به مصلح و رسول چنین بیان نموده است: (وإنما سُمِّيَ به لَأَنَّهُ يَكْشِفُ مَا فِي قَلْبِ كُلِّ مِنْهُمَا؛ لِيُصْلِحَ بَيْنَهُمَا، وَيُطَلِّقَ أَيْضاً عَلَى الرَّسُولِ؛ لَأَنَّهُ يُظْهِرُ مَا أَمَرَ بِهِ).⁽²⁾

ترجمه: واینکه سفیر به مصلح بین دو قوم مسمی شده است، زیرا آنچه که در قلب هر کدام از دو قوم است، کشف می کند، تا اصلاح بین آنها بوجود آید، همچنان سفیر بر رسول اطلاق می گردد، زیرا آنچه را که مأمور شده است، ظاهر می سازد.

خلاصه: مشخص گردید که دیپلمات یا سفیر همان شخص رسول و فرستاده یک دولت برای دولت دیگر است، تا میان هر دو دولت ارتباط صلح و غیره را برقرار سازد.

فرع دوم: تعریف اصطلاحی دیپلمات در فقه اسلامی

از اینکه کلمه «دیپلمات» از کلمات معاصر است، فقهاء قدیم آن را تعریف نکرده اند، اما فقهاء معاصر از جمله: جمعه عثمان ضمیریه، فهد بن صالح بن محمد اللحدان⁽³⁾ رئیس موسوعة الإجماع في الفقه الإسلامي و اعضاء آن، چنین تعریف نموده اند: (هو المبعوث من أهل الحرب والموادعة إلى ديار الإسلام لتبليغ أمور خاصة من فداء أو هدنة أو تحالف أو للقيام بمباحثات مع الدولة المرسل إليها).⁽⁴⁾

1- مُرْتَضَى زَبِيدِي: (1145 - 1205 هـ = 1732 - 1790 م)، محمد بن محمد بن محمد بن عبد الرزاق، حسيني، زبيدي، أبو الفيض، ملقب به مرتضی زبیدی، یکی از علمای لغت، حدیث، رجال و انساب است، اصلش از واسط عراق، تولدش در بلجرام هند، پرورش در زبید یمن و توسط مرض طاعون در مصر وفات نمود، دارای تالیفات زیاد می باشد، از جمله: تاج العروس في شرح القاموس، إتحاف السادة المتقين في شرح إحياء العلوم للغزالي، أسانيد الكتب الستة وغيره. محمد عَبْدَ الْحَيِّ بن عبد الكبير ابن محمد الحسني الإدريسي، المعروف بعبد الحي الكتاني (المتوفى: 1382 هـ)، فهرس الفهارس والأثبات ومعجم المعاجم والمشیخات والمسلسلات، المحقق: إحسان عباس، الناشر: دار الغرب الإسلامي - بيروت، الطبعة: 2، 1982م، ج 1 ص 398 - 413.

2- مُحَمَّد بن مُحَمَّد بن عبد الرزاق الحسيني، الملقب بمرتضى الزبيدي (المتوفى: 1205 هـ)، تاج العروس من جواهر القاموس، الناشر: دار الفكر - بيروت، الطبعة: الأولى/ 1414 هـ، ج 6 ص 527.

3- فهد بن صالح بن محمد اللحدان، یکی از فقهاء معاصر و رئیس و وکیل جامعه امام محمد بن سعود الاسلامی و استاد در جامعه ملک عبدالعزيز در جده است، همچنان عضو هیئت در تدریس در کلیه شریعت جامعه امام عبدالعزيز می باشد، دارای تالیفات کثیره است، از جمله: موسوعة الإجماع في الفقه الإسلامي که با تعدادی از فقهاء دیگر نوشته نموده است. فضیلة وکیل الجامعة للشؤون التعليمية الدكتور/ فهد بن صالح اللحدان، فیسبوك.

4- عثمان ضمیریه، أصول العلاقات الدولية في فقه الإمام محمد بن الحسن، دارالفکر العربی، القاهرة، 2003م، ج 2 ص 802. فهد بن صالح بن محمد اللحدان و ...، موسوعة الإجماع في الفقه الإسلامي، الناشر: دار الفضیلة للنشر والتوزيع، الرياض - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى، 1433 هـ - 2012 م، ج 6 ص 112.

ترجمه: دیپلمات عبارت از فرستاده از اهل حرب و مصالحه است، به سرزمینهای اسلام برای گزارش مسائل خاصه از قبیل رهای اسیران، آتش بس، اتحاد یا برخاستن به مذاکره با کشوری که به آن اعزام شده است.

فرع سوم: تعریف اصطلاحی دیپلمات در نظام حقوقی افغانستان

قاموس اصطلاحات حقوقی، دیپلمات را چنین تعریف نموده است: دیپلمات عبارت از فرستاده سیاسی یک کشور که حدود اختیارات وی در اعتماد نامه اش تعیین و به رئیس مملکت پذیرنده تقدیم می کند.⁽¹⁾ در این تعریف مشخص گردید که دیپلمات همان فرستاده سیاسی یک کشور برای کشور دیگر است، که حدود و صلاحیت این دیپلمات در اعتماد نامه اش مشخص شده است و به رئیس کشور پذیرنده تقدیم می شود.

فرع چهارم: مقایسه میان هردو تعریف

با مقایسه میان تعریف فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان، دیده می شود که تعریف نظام حقوقی افغانستان با فقه اسلامی در مورد با هم مشترک هستند و در مورد از هم متفاوت هستند، که تفصیل شان قرار ذیل است:

الف: مورد مشترک: در هردو تعریف گفته شده است که دیپلمات همان فرستاده سیاسی یک کشور است.

ب: مورد متفاوت: فقهاء اسلامی دیپلمات را مشخصاً عبارت از فرستاده اهل جنگ و صلح، به سرزمینهای اسلام برای گزارش مسائل خصوصی از قبیل رهای اسیران، آتش بس، اتحاد یا مذاکره خوانده است، ولی نظام حقوقی افغانستان، دیپلمات را بشکل عام، عبارت از فرستاده سیاسی یک کشور برای کشور دیگر خوانده است، برابر است آن کشور پذیرنده اسلامی باشد و یا غیر اسلامی، که حدود و صلاحیت این دیپلمات در اعتماد نامه اش مشخص شده است و به رئیس کشور پذیرنده تقدیم می کند.

مطلب دوم: نظرات پیرامون مصنوعیت قضائی دیپلوماسی

¹- قاموس اصطلاحات حقوقی، ص 146.

فقه اسلامی بشکل نسبی، قوانین بین المللی، قوانین داخلی دولت ها و طرز العمل های محاکم پذیرفته اند و نظر داده اند، که تعقیب نمودن قضائی دیپلمات های دولت ها، در دولت پذیرنده در صورت که دیپلمات ها مرتکب جرایم جزائی و یا مدنی شوند، درست نیست، از همین جهت مسئولیت قضائی برای دیپلمات ها در نظر گرفته شده است تا وظایف شان را بشکل آزاد و بدون ترس و هراس انجام دهند.⁽¹⁾

همان طوری که معلوم است، دیپلمات برای ادای وظایف خود، بعضی وقت به نمایندگی و نیابت از رئیس دولت و نام دولت خود، بعضی از کارها را در دولت پذیرنده انجام می دهد، با این حال مجاز نیست که دیپلمات دولت، خود را در معرض محکمه دولت پذیرنده قرار دهد، از جهت احترام به حق حاکمیت دولت پذیرنده، علاوه از این ممکن است این کار دیپلمات نقض اصول و مقررات حقوق بین الملل به همراه داشته باشد.⁽²⁾

در صورت که دیپلمات دولت خود را در معرض خطر اندازد، برای دولت پذیرنده مجاز است تا این دیپلمات را از کشورش اخراج نماید، بنابراین، برای تفصیل این موضوع و اینکه چرا دیپلمات ها از مسئولیت قضائی برخوردار هستند؟ قرار ذیل بحث می گردد:

فرع اول: نظریه امتداد اقلیمی (سرزمین)

این نظریه از قدیم ترین نظرات پیرامون مسئولیت قضائی دیپلمات ها است، که قوانین سابق دولت ها بر مبنای قانونی برای حمایت از دیپلمات ها نظر داده اند، این نظریه در اواسط قرن هفدهم و شروع قرن هژدهم مطرح بود، بنابراین، نظریه امتداد اقلیمی، اینکه فرستاده دیپلماتیک به عنوان نماینده فرضی دولتش در نظر گرفته می شود، همان طوری که دیپلمات خارج از سرزمین خودش و در سرزمین است که در آنجا برایش وظیفه سپرده شده است، همچنان دیپلمات حق خیانت به دولت خود را ندارد، به همین شکل در دولت که به حیث دیپلمات روان شده است، حق خیانت را ندارد، به عبارت دیگر محل که دیپلمات برای وظایف محوله کار می کند، عیناً محلی وطنش محسوب می گردد و هیچ گونه تخطی و خیانت را حق ندارد، پس همان طور که یک شخص در وطنش در صورت که مرتکب جرم و خیانت نشود، آزاد است و

1- عاطف فهد المغاریز، الحصانة الدبلوماسية بين النظرية و التطبيق، دار الثقافة للنشر و التوزيع، الاردن، الطبعة الاولى، 2009م، ص 54.

2- الحصانة الدبلوماسية بين النظرية و التطبيق، ص 54.

جان و مالش از تعرض مصئون است، به همین شکل وقت که بحیث دیپلومات تعیین می گردد، دولت پذیرنده هم نباید اورا تعقیب قضائی نماید.⁽¹⁾

خلاصه: نظریه امتداد اقلیمی آن است که دیپلومات و نمایندگان سیاسی دولت ها در هر کشور که می روند و در آنجا جهت ادای وظایف محوله سکونت می نمایند، باید آن دولت را مثل دولت و وطن خود دانسته، هیچ نوع خیانت و تخطی را برای دولت خود و دولت پذیرنده انجام ندهند و هم نباید برخلاف قوانین دولت پذیرنده عمل نمایند، بلکه کوشش نمایند تا قوانین آن دولت را مراعات کرده و از خیانت و تخطی خودداری کنند و دولت پذیرنده هم به او مصئونیت داده و تعرض ننمایند.⁽²⁾

پس این موضوع را نخست از نگاه فقه اسلامی بررسی نموده، سپس از دیدگاه نظام حقوقی افغانستان مورد بررسی قرار داده و در اخیر میان هر دو مقایسه می نمایم:

الف: دیدگاه فقه اسلامی در این مورد

دین مقدس اسلام سفیران و دیپلومات مسلمان را از خیانت در اموال دشمن (اهل حرب) بر حذر داشته است، زیرا این عمل در اسلام از مصادیق نیرنگ و فریب محسوب می گردد، از همین جهت ابن قدامه⁽³⁾ رحمه الله می فرماید: (مَنْ دَخَلَ إِلَى أَرْضِ الْعَدُوِّ بِأَمَانٍ، لَمْ يَخْنَهُمْ... لِأَنَّهُمْ إِنَّمَا أَعْطَوْهُ الْأَمَانَ مَشْرُوطًا بِتَرْكِهِ خِيَانَتَهُمْ، وَأَمْنِهِ إِيَّاهُمْ مِنْ نَفْسِهِ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ مَذْكَورًا فِي اللَّفْظِ، فَهُوَ مَعْلُومٌ فِي الْمَعْنَى، فَإِذَا تَبَيَّنَ هَذَا، لَمْ تَجَلَّ لَهُ خِيَانَتُهُمْ، لِأَنَّهُ عَدْرٌ، وَلَا يَصْلُحُ فِي دِينِنَا الْعَدْرُ، فَإِنْ سَرَقَ مِنْهُمْ، أَوْ اقْتَرَضَ شَيْئًا وَجَبَ عَلَيْهِ رَدُّ مَا أَخَذَ

1- بلايلية معمر، الحماية القانونية للبعثات الدبلوماسية، مذكرة التخرج لنيل اجازة المدرسة العليا للقضاء، الدفعة السابعة عشر، 2006 - 2009م، ص 16.

2- الحصانة الدبلوماسية بين النظرية و التطبيق، ص 54.

3- ابن قدامه (541 - 620 هـ = 1146 - 1223 م)، عبد الله بن محمد بن قدامة، جماعلي، مقدسي، دمشقي، حنبلي، أبو محمد، موفق الدين، يكي از فقهاء مشهور و معروف حنابلة بود، تألیفات زياد دارد از جمله: المغني، روضة الناظر في أصول الفقه، المقن، الكافي في الفقه غيره، در جماعيل كه يك قريه از قريه های نابلس فلسطين است تولد گرديد و در دمشق علم آموخت، به بغداد رحلت كرد و در دمشق وفات نمود. محمد بن محمد، أبو الحسين ابن أبي يعلى، (المتوفى: 526هـ)، مختصر طبقات الحنابلة، المحقق: محمد حامد الفقي، الناشر: دار المعرفة - بيروت، ص 45. إبراهيم بن محمد بن عبد الله بن محمد ابن مفلح، أبو إسحاق، برهان الدين (المتوفى: 884هـ)، المقصد الأرشدي في ذكر أصحاب الإمام أحمد، المحقق: عبد الرحمن بن سليمان العثيمين، الناشر: مكتبة الرشد - الرياض - السعودية، الطبعة: الأولى، 1410 هـ - 1990م، ج 2 ص 213.

إِلَىٰ أَرْبَابِهِ، فَإِنْ جَاءَ أَرْبَابُهُ إِلَىٰ دَارِ الْإِسْلَامِ بِأَمَانٍ أَوْ إِيْمَانٍ، رَدَّهُ عَلَيْهِمْ، وَإِلَّا بَعَثَ بِهِ إِلَيْهِمْ؛ لِأَنَّهُ أَخَذَهُ عَلَىٰ وَجْهِ حَرَمٍ عَلَيْهِ أَخْذُهُ، فَلَزِمَهُ رَدُّ مَا أَخَذَ، كَمَا لَوْ أَخَذَهُ مِنْ مَالِ مُسْلِمٍ. (1)

ترجمه: آن که به قصد تجارت یا رسالت و برخوردار از امان به سرزمین بیگانه (کشور خارجی) می رود، نباید به آنان خیانت کند، زیرا به این علت به وی امان دادند که خیانت نکند و از جانب وی ایمن باشند، هرچند این شرط به لفظ نیامده باشد، اما در معنا روشن است... خیانت به آنان نیرنگ است که در دین ما روا نیست، اگر مالی به سرقت برد یا چیزی از آنان قرض کند، باید به صاحبانش مسترد دارد، اگر صاحبان آن اموال با امان وارد سرزمینهای اسلامی شوند یا ایمان آورند، باید مال را در اختیار آنان قرار دهد و الا برای صاحبان مال بفرستد، زیرا تملک آنها غیرقانونی و حرام است و باید به صاحبانش برگردد، همان طور که اگر مال مسلمانی بر می داشت، باید به او بر می گرداند.

بنابراین، در اسلام، فرستاده مجاز نیست از وضعیت خود سوء استفاده و در محل مأموریت به آنان خیانت کند و احیاناً به جاسوسی پردازد، زیرا این نوعی نیرنگ است که در اسلام پذیرفته نیست، آنان نیز باور دارند که از جانب او در اطمینان اند، بنابراین، تا وضعیت تغییر نکرده است، باید بر همان وضعیت مطمئن باقی بود. (2)

ب: دیدگاه نظام حقوقی افغانستان در این مورد

در مورد نظریه امتداد اقلیمی کود جزا افغانستان در ماده (244) چنین بیان می دارد: (1) شخصی که به منظور ایجاد تشنج میان دولت جمهوری اسلامی افغانستان و دولت خارجی یا سازمان بین المللی یا اخلال یا قطع روابط دیپلماتیک، مرتکب عمل غیر قانونی گردد که به روابط دولت جمهوری اسلامی افغانستان با دولت خارجی یا سازمان بین المللی زیان وارد نماید، به حبس متوسط⁽³⁾ محکوم می گردد.

(2) هرگاه عمل مندرج فقره (1) این ماده سبب قطع روابط دیپلماتیک با دولت خارجی یا سازمان بین المللی گردد، مرتکب به حد اکثر حبس متوسط محکوم می گردد.

1- عبد الله بن أحمد بن محمد بن قدامة الجماعيلي المقدسي ثم الدمشقي الحنبلي، أبو محمد موفق الدين، الشهير بابن قدامة المقدسي (المتوفى: 620هـ)، المغني لابن قدامة، الناشر: مكتبة القاهرة، القاهرة، 1388هـ - 1968م، ج 9 ص 294 - 295.

2- احمد ابوالوفا، حقوق ديپلوماتيك (رهيافت اسلامي)، مترجم: سيد مصطفى ميرحمدي، سازمان مطالعه و تدوين كتب علوم انساني دانشگاهها (سمت)، مركز تحقيق و توسعه علوم انساني، تهران، چاپ دوم، 1393هـ ش، ص 260.

3- در بند (2) ماده 147 کود جزا، حبس متوسط را چنین توضیح داده است: حبس متوسط بیش از یک سال تا پنج سال.

(3) هرگاه عمل مندرج فقره (1) این ماده، منجر به ضرب، جرح یا قتل نماینده دولت خارجی یا سازمان بین المللی گردد، مرتکب به حد اکثر مجازات جرم ضرب، جرح یا قتل مندرج این قانون محکوم می گردد.⁽¹⁾

در این ماده مشخص گردید که دیپلمات افغانستان نباید در محل دیپلماتیک خیانت و جرمی را مرتکب گردد، در صورت مرتکب می گردد، از مصونیت محروم گردیده و مطابق این قانون و نظر به نوعیت جرم مجازات می گردد.

ج: مقایسه میان فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان در این مورد

با مقایسه و بررسی میان فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان در مورد نظریه امتداد اقلیمی، دیده می شود که فقه اسلامی با نظام حقوقی افغانستان در مورد باهم مشترک هستند و در مورد از هم متفاوت هستند، که تفصیل آن قرار ذیل است:

- 1- مورد مشترک: خیانت و انجام جرم دیپلمات در کشور که مؤظف شده است، درست نیست، این موضوع را فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان تذکر داده است.
- 2- مورد متفاوت: فقه اسلامی خیانت و انجام جرم را برای مأمور دیپلماتیک در محل اقامتش ممنوع نموده است، تا دیپلمات مصنون بماند، اما برایش مجازات تعیین نکرده است، ولی نظام حقوقی افغانستان نظر به نوعیت جرم، برای دیپلمات جزا تعیین کرده است.

فرع دوم: نظریه صفت تمثیلی

این نظریه در قرن هژدهم میلادی در کشورهای اروپای انتشار یافت، مفهوم این نظریه آن است که مزایا و مصونیت های که به مأموریت های دیپلماتیک اعطا می شود، ناشی از ویژگی نمایندگی آنان است، به اعتبار اینکه آنان نماینده دولتهای خود هستند و احترام و تکریم به دولتی است که از آن دولت تمثیل و نمایندگی می کنند، دیپلمات ها شخصیت تجسم یافته دولت فرستنده خود هستند، بنابراین، همان طور که

¹- کود جزا، ماده (244).

دولت و رئیس دولت از مسئولیت برخوردارند، این مسئولیت به کسانی که از آن دولت تمثیل و نمایندگی می کنند، نیز سرایت می یابد.⁽¹⁾

بنابراین، این موضوع را نخست از نگاه فقه اسلامی مورد بررسی قرار داده، سپس از دیدگاه نظام حقوقی افغانستان مورد بررسی قرار می دهیم و در اخیر میان هر دو مقایسه می نمایم:

الف: دیدگاه فقه اسلامی در این مورد

نظریه صفت تمثیلی را می توان از سخن پیامبر صلی الله علیه وسلم به فرستاده مسیلمه کذاب استنباط کرد، طور که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «وَاللَّهِ لَوْلَا أَنَّ الرُّسُلَ لَا تُقْتَلُ لَضَرَبْتُ أَعْنَاقَكُمْ». ⁽²⁾

ترجمه: آگاه باشید! به خدا قسم، اگر نه این است که فرستادگان کشته نمی شوند، شما را گردن می زدم.

وجه استدلال از حدیث: ابن جماعه⁽³⁾ رحمه الله می گوید: (وَلَا يَجُوزُ قَتْلُ رَسُولِ الْكُفَّارِ؛ لِأَنَّ النَّبِيَّ [صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ] قَالَ لِرَسُولٍ " لَوْلَا أَنَّ الرُّسُلَ لَا يُقْتَلُ لَضَرَبْتُ عُنُقَكَ "؛ وَلِأَنَّ ائْتِظَامَ الْمَصَالِحِ يَمْنَعُ ذَلِكَ). ⁽⁴⁾

ترجمه: کشتن فرستادگان کفار جایز نیست، زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم به فرستاده مسیلمه فرمود: اگر نه این است که فرستادگان کشته نمی شوند، شما را گردن می زدم، و اینکه ساماندهی مصالح و امور مانع این روش است.

¹- سهیل حسین الفتاوی، الحصانة الدبلوماسية للمبعوث الدبلوماسي، دراسة قانونية مقارنة، الناشر: المكتب المصري لتوزيع المتبوعات، 2002م، ص

²- سنن أبي داود، رقم الحديث 2761. ألبانی رحمه الله این حدیث را صحیح می داند. صحیح وضعیف سنن أبي داود، رقم الحديث 2761.

³- ابن جماعه (639 - 733 هـ = 1241 - 1333 م)، محمد بن إبراهيم بن سعد الله بن جماعه، کنانی، حموي، شافعي، بدر الدين، أبو عبد الله، یکی از قضات و از علماء حدیث و فقیه مذهب شافعی بود، در حماة تولد شده است، در قدس و مصر بحیث قاضی ایفای وظیفه نموده است و در مصر وفات نمود، دارای تألیفات زیاد است، از جمله: المنهل الروي في الحديث النبوي، تحرير الأحكام في تدبير أهل الإسلام، مختصر في السيرة النبوية و غیره. طبقات الشافعية الكبرى، ج 9 ص 139 - 142.

⁴- محمد بن إبراهيم بن سعد الله بن جماعه الكناني الحموي الشافعي، أبو عبد الله، بدر الدين (المتوفى: 733هـ)، تحرير الأحكام في تدبير أهل الإسلام، الناشر: دار الثقافة بتفويض من رئاسة المحاكم الشرعية بقطر - قطر/ الدوحة، الطبعة: الثالثة، 1408هـ - 1988م، ص 181.

ابن نجیم حنفی⁽¹⁾ رحمه الله نیز مبنای مسئولیت قضائی دیپلمات ها را صفت تمثیلی یا به عبارت دیگر وصف نمایندگی آنها می داند، طور که می گوید: (فَإِنْ قَالَ دَخَلْتُ بِأَمَانٍ لَمْ يُصَدَّقْ وَأُخِذَ وَلَوْ قَالَ أَنَا رَسُولُ فَإِنْ وُجِدَ مَعَهُ كِتَابٌ يُعْرَفُ أَنَّهُ كِتَابُ مَلِكِهِمْ بِعَلَامَةٍ تُعْرَفُ ذَلِكَ كَانَ أَمِنًا فَإِنَّ الرَّسُولَ لَا يَحْتَاجُ إِلَى أَمَانٍ خَاصٍّ بَلْ بِكُونِهِ رَسُولًا يَأْمَنُ وَإِنْ لَمْ يُعْرَفْ فَهُوَ زُورٌ فَيَكُونُ هُوَ وَمَا مَعَهُ فَيُنَاءُ).⁽²⁾

ترجمه: اگر کافر حربی گوید: با امان وارد شدم پذیرفته نیست و بازداشت می شود، ولی اگر گوید: من فرستاده ام، چنانچه با خود نامه به همراه دارد که نشان می دهد نامه پادشاه آنان است در امان خواهد بود، زیرا فرستاده به امان خاص نیاز ندارد، بلکه فرستاده بودن موجب امان است، اما اگر ثابت نشود که نامه پادشاه آنان است، کذب به شمار می آید و شخص او و آنچه به همراه دارد، به اموال عمومی (دولت) سپرده می شود.

خلاصه: مسئولیت سفیران و دیپلمات ها و لزوم احترام به آنان به این نکته بر می گردد، که آنان از حیثیت دولت فرستنده خود نمایندگی می کنند، از این رو هر نوع تعرض به آنان، تعرض به حیثیت و اعتبار دولت فرستنده تلقی می شود.

ب: دیدگاه نظام حقوقی افغانستان در این مورد

نظام حقوقی افغانستان که در مورد مسئولیت قضائی دیپلمات ها متأثر از قواعد روابط بین الملل است، بنابراین، قواعد روابط بین الملل در این مورد طور که در مقدمه کنوانسیون 1961 وین تذکر رفته است، چنین آمده است: هدف از مزایا و مسئولیت های مذکور امتیاز دهی به افراد نیست، بلکه مراد تأمین حسن اجرای وظایف مأموریت های دیپلماتیک به عنوان نمایندگان دولت ها است.⁽³⁾

¹- ابن نُجَيْم حنفی: (970 هـ = 1563 م)، زین الدین بن ابراهیم بن محمد، مشهور به ابن نجیم: فقیه حنفی، از علماء و فقهاء مصر بود، دارای تالیفات زیاد است از جمله: الأشباه والنظائر، البحر الرائق في شرح كنز الدقائق، الرسائل الزينية، الفتاوى الزينية وغيره می باشد. الطبقات السنية في تراجم الحنفية، ص 289.

²- زین الدین بن ابراهیم بن محمد، المعروف بابن نجيم المصري (المتوفى: 970هـ)، البحر الرائق شرح كنز الدقائق، الناشر: دار الكتاب الإسلامي، بيروت، الطبعة: الثانية، ج 5 ص 109.

³- کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک 1961م، (مقدمه).

دیده شد که نظریه تمثیلی که به آن وصف نمایندگی هم می گوید، در کنوانسیون مورد تأیید قرار گرفته است.

ج: مقایسه میان فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان در این مورد

با مقایسه و بررسی در بخش نظریه صفت تمثیلی، دیده می شود که فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان، در این بخش دیدگاه مشترک دارند، یعنی مسئولیت قضائی دیپلمات ها ناشی از صفت تمثیلی یا وصف نمایندگی آنها است، یعنی آنها که مسئولیت دارند، به خاطر آن است که نمایندگی از دولت و کشورشان می کنند و گرنه به مجرد ورود به کشورها و بدون این صفت، آنها مسئول بودن نمی توانند.

فرع سوم: نظریه وظیفوی

یکی دیگر از نظرات پیرامون مسئولیت قضائی دیپلمات ها، نظریه وظیفوی است، یعنی اعطای مسئولیت قضائی برای دیپلمات ها ناشی از اعزام و تبادل مأموریت های دیپلماتیک است، تا آنها وظایف محوله شان را در دولت پذیرنده که علت وجودی نمایندگی دیپلماتیک کنونی است، بشکل آزاد و بدون ترس و هراس انجام دهند، بنابراین، این موضوع را نخست از دیدگاه فقه اسلامی بررسی نموده، سپس از دیدگاه نظام حقوقی افغانستان مورد بررسی قرار می دهیم و در اخیر میان فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان می نمایم:

الف: دیدگاه فقه اسلامی در این مورد

فقهاء اسلامی مسئولیت سفیران و نمایندگان را برای انجام دادن مأموریت و کارایی آن لازم دانسته اند، طور که سرخسی رحمه الله می گوید: (لِأَنَّ الرُّسُلَ لَمْ تَزَلْ أَمَنَةً فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَالْإِسْلَامِ، وَهَذَا لِأَنَّ أَمْرَ الْقِتَالِ أَوْ الصُّلْحِ لَا يَبْتَمُّ إِلَّا بِالرُّسُلِ فَلَا بُدَّ مِنْ أَمَانِ الرُّسُلِ لِيَتَوَصَّلَ إِلَى مَا هُوَ الْمَقْصُودُ).⁽¹⁾

زیرا فرستادگان همواره در اسلام و جاهلیت ایمن بودند، زیرا جنگ و صلح جز به وسیله فرستادگان انجام نمی گرفت، بنابراین، باید فرستادگان را در رسیدن به مقصود در امان داشت.

¹- المبسوط، ج 10 ص 92.

همچنان ابن قدامه رحمه الله می نویسد: (وَيَجُوزُ عَقْدُ الْأَمَانِ لِلرَّسُولِ وَالْمُسْتَأْمِنِ... لِأَنَّ الْحَاجَةَ تَدْعُو إِلَى ذَلِكَ، فَإِنَّا لَوْ قَتَلْنَا رُسُلَهُمْ، لَقَتَلُوا رُسُلَنَا، فَتَفُوتُ مَصْلَحَةُ الْمُرَاسَلَةِ). (1)

ترجمه: عقد امان برای فرستاده و مستأمن جائز است، زیرا بدان نیاز است، چنانچه اگر ما فرستادگان آنها را به قتل برسانیم و آنها هم چنین کنند، مصلحت تبادل فرستاده از بین می رود.

خلاصه: فقهاء اسلامی لزوم مسئولیت را برای انجام دادن وظایف به عنوان مبنایی برای اعطای مسئولیتها استناد کردند.

ب: دیدگاه نظام حقوقی افغانستان در این مورد

باید گفت که نظام حقوقی افغانستان در موضوع مسئولیت قضائی دیپلماتها متأثر از قواعد روابط بین الملل است، بنابراین، قواعد روابط بین الملل در مورد نظریه وظیفوی دیپلمات طور که مقدمه کنوانسیون وین بیان نموده است، چنین تصریح کرده است: هدف از مزایا و مسئولیت های مذکور امتیاز دهی به افراد نیست، بلکه مراد تأمین حسن اجرای وظایف مأموریتهای دیپلماتیک به عنوان نمایندگان دولت ها است. (2)

مشخص گردید که هدف از مسئولیت دیپلمات ها، تأمین حسن اجرای وظایف مأموریتهای دیپلماتیک است، یعنی تا بتوانند مأمورین دیپلماتیک بشکل نیکو و درست وظایف محوله شان را انجام دهند.

ج: مقایسه میان فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان

با مقایسه و بررسی میان فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان، دیده می شود که فقه اسلامی با نظام حقوقی افغانستان دیدگاه مشترک دارند، یعنی هدف از مسئولیت قضائی دیپلمات ها آن است که مأمورین دیپلماتیک وظایف محوله شان را بشکل درست و واقعی آن انجام داده بتوانند، در صورت که مسئولیت نداشته باشند، معلوم دار است که آنها به مقصود نمی رسند، یعنی وظایف شان را بشکل حسن و نیکو انجام داده نمی توانند.

1- المغنی لابن قدامة، ج 9 ص 244.

2- کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک 1961م، (مقدمه).

فرع چهارم: نظریه اتفافی

منظور از این نظریه آن است، که هدف و مقصود از مصئونیت قضائی هر سه نظریه قبلی است، یعنی مصئونیت قضائی بخاطر امتداد اقلیمی، نظریه تمثیلی و نظریه وظیفوی می باشد، یعنی برای مأموران دیپلماتیک مصئونیت قضائی داده شد تا بتوانند آزاد و بدون ترس و هراس در کشور پذیرنده زندگی نمایند، همچنان خوبتر بتوانند از کشورش نمایندگی و تمثیل نمایند، به همین شکل وظایف شان را بشکل درست و نیکو انجام دهند.⁽¹⁾

خلاصه مشخص گردید که هدف و عوامل مصئونیت قضائی همانا امتداد اقلیمی، نظریه تمثیلی و نظریه وظیفوی است، زیرا هر سه این نظرات مورد تایید و تأکید فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان قرار گرفته است.

مبحث سوم

مشروعیت، منابع و تفاوت مصئونیت قضائی

در این مبحث مطالب ذیل بحث می گردد:

مطلب اول: مشروعیت فقهی و حقوقی مصئونیت قضائی

مطلب دوم: منابع فقهی و حقوقی برای مصئونیت قضائی دیپلمات ها

مطلب سوم: اشخاصیکه از مصئونیت قضائی برخوردار است

مطلب چهارم: تفاوت مصئونیت قضائی دیپلمات ها

1- الحصانة الدبلوماسية للمبعوث الدبلوماسی، ص 65.

مطلب اول: مشروعیت فقهی و حقوقی مصونیت قضائی

نخست این مطلب را از نگاه فقه اسلامی بررسی نموده، سپس ثبوت مصونیت قضائی را از نگاه نظام حقوقی افغانستان مورد بررسی قرار می دهیم، که تفصیل آن قرار ذیل است:

الف: مشروعیت مصونیت قضائی در فقه اسلامی

مصونیت سفیران و دیپلمات ها هم در قرآن کریم و هم سنت نبوی ثابت است، که تفصیل آن قرار ذیل است:

اول: قرآن کریم: الله متعال می فرماید: { وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ } (1)

ترجمه: و اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی بخواهد به او پناه ده تا کلام خدا را بشنود (و در آن بیندیشد) سپس او را به محل امنش برسان چرا که آنها گروهی ناآگاهند.

وجه استدلال از آیه: ابن کثیر⁽²⁾ رحمه الله در تفسیر این آیه می نویسد: (يَقُولُ تَعَالَى لِنَبِيِّهِ، صَلَوَاتُ اللَّهِ

وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ: {وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ} الَّذِينَ أَمَرْتُكَ بِقِتَالِهِمْ، وَأَحْلَلْتُ لَكَ اسْتِیَابَةَ نُفُوسِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ، {اسْتَجَارَكَ} أَي: اسْتَأْمَنَكَ، فَأَجِبْهُ إِلَى طَلْبَتِهِ {حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ} أَي: [الْقُرْآن] (4) تَقْرُؤُهُ عَلَيْهِ وَتَذَكُّرُ لَهُ شَيْئًا مِنْ [أَمْرِ] (5) الدِّينِ تُقِيمُ عَلَيْهِ بِهِ حُجَّةَ اللَّهِ، {ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ} أَي: وَهُوَ آمِنٌ مُسْتَمِرٌّ الْأَمَانِ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى بِلَادِهِ وَدَارِهِ وَمَأْمَنِهِ، {ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ} أَي: إِنَّمَا شَرَعْنَا أَمَانَ مِثْلِ هَؤُلَاءِ لِيَعْلَمُوا دِينَ اللَّهِ، وَتَنْتَشِرَ دَعْوَةُ اللَّهِ فِي عِبَادِهِ. (3)

ترجمه: الله متعال به پیامبرش صلی الله علیه وسلم می فرماید: (هرگاه یکی از مشرکان) که تورا مأمور به جنگ با آنان نمودم و جان و مالشان را نیز بر تو روا نمودم (به تو پناه آورد)، یعنی از تو درخواست امان

1- {التوبة، آیه 6}.

2- ابن کثیر: إسماعیل بن عمر بن کثیر بن ضوء بن کثیر بن درع، قرشي، أموي، بصري، شافعي، شيخ عماد الدين، معروف به ابن کثیر صاحب تفسیر القرآن العظيم وتاريخ البدايه والنهائيه می باشد، در سال 701 هـ متولد گردید و در سال 774 هـ در دمشق وفات یافت. أبو بكر بن أحمد بن محمد بن عمر بن قاضي شهبة، طبقات الشافعية - لابن قاضي شهبة، دار النشر: عالم الكتب - بيروت، الطبعة: الأولى، 1407 هـ، ج 3 ص 85.

3- أبو الفداء إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشي البصري ثم الدمشقي (المتوفى: 774 هـ)، تفسیر القرآن العظيم، المحقق: سامي بن محمد سلامة، الناشر:

دار طيبة للنشر والتوزيع، بيروت، الطبعة: الثانية 1420 هـ - 1999 م، ج 4 ص 113.

کند، (درخواستش را بپذیر تا کلام خدا را بشنود)، یعنی قرآن بر او بخوانی و برخی از امر دین را به او یاد آور شوی تا حجت خدا بر او اقامه شود (سپس او را به جای امن خود می رسانی)، یعنی او در امان است تا به خانه یا سرزمین و یا مکانی که در آن ایمن است باز گردد (چرا که آنان قومی نادان اند)، یعنی امان این دسته افراد را مشروع دانستیم، تا دین الله را شناخته و دعوت الله در میان بندگان منتشر گردد.

در ادامه ابن کثیر رحمه الله می فرماید: (وَالْعَرْضُ أَنْ مَنْ قَدِمَ مِنْ دَارِ الْحَرْبِ إِلَى دَارِ الْإِسْلَامِ فِي آدَاءِ رِسَالَةٍ أَوْ تِجَارَةٍ، أَوْ طَلَبِ صُلْحٍ أَوْ مُهَادَنَةٍ أَوْ حَمَلِ جَزِيَةٍ، أَوْ نَحْوِ ذَلِكَ مِنَ الْأَسْبَابِ، فَطَلَبَ مِنَ الْإِمَامِ أَوْ نَائِبِهِ أَمَانًا، أُعْطِيَ أَمَانًا مَا دَامَ مُتَرَدِّدًا فِي دَارِ الْإِسْلَامِ، وَحَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَأْمَنِهِ وَوَطَنِهِ).⁽¹⁾

غرض از این آیه، یعنی کسی که از دار الحرب برای تسلیم نامه، تجارت، درخواست صلح، متارکه جنگ، حمل جزیه و مانند آن، وارد دار الاسلام می شود و از امام یا جانشین وی درخواست امان می کند، مادام که در دار الاسلام تردد می کند و تا زمان بازگشت به وطن جایگاه امن خود در امنیت است.

دوم: در سنت نبوی نیز برای مشروعیت مصئونیت دیپلومات ها چندین حدیث وجود دارد، از جمله این حدیث شریف: « زِمَّةُ الْمُسْلِمِينَ وَاحِدَةٌ يَسْعَى بِهَا أَدْنَاهُمْ فَمَنْ أَخْفَرَ مُسْلِمًا فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ... ».⁽²⁾

ترجمه: امانت و عهد مسلمانان، یکسان است و پایین ترین و کم ترین مسلمان نیز در آن شریک و از آن برخوردار است و هرکس امان و عهد مسلمانی را نقض کند (بدین گونه که مسلمانی، فرد کافری را امان دهد و مسلمانی دیگر، این امان او را نقض کند و به آزار و اذیت فرد کافر بپردازد)، لعنت خدا و فرشتگان و مردم بر او است.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص شده است، که هر مسلمان می تواند شخص کافر را مصئونیت و امان دهد، در صورت که مصئونیت و امان می دهد، بالای تمام مسلمانان واجب است تا این مصئونیت و امان را مراعات نموده و نقض ننمایند، پس این دلیل برای مشروعیت امان است.

¹- همان مرجع، ج 4 ص 114.

²- محمد بن اسماعیل، أبو عبدالله، الجعفی، البخاری، صحیح البخاری، المحقق: محمد زهیر بن ناصر، الناشر: دار طوق النجاة، بیروت، الطبعة: الأولى، 1422هـ، رقم الحدیث 3179. مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشیری النیسابوری، (المتوفی: 261هـ)، صحیح مسلم، المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بیروت، رقم الحدیث 1370.

همچنان در حدیث شریف آمده است: «وَاللَّهِ لَوْلَا أَنَّ الرُّسُلَ لَا تُقْتَلُ لَضَرَبْتُ أَعْنَاقَكُمْ».(1)

ترجمه: آگاه باشید! به الله قسم، اگر نه این است که فرستادگان کشته نمی شوند، شما را گردن می زدم.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث هم دیده می شود که پیامبر صلی الله علیه وسلم به صراحت تذکر می دهد که فرستادگان کشته نمی شوند و این دلیل بر مصونیت آنان است.

ب: ثبوت مصونیت قضائی در نظام حقوقی افغانستان

نظام حقوقی افغانستان نیز مصونیت قضائی دیپلمات ها را یک اصل دانسته و به مراعات کردن آن تأکید نموده است، طوری که قاموس اصطلاحات حقوقی در مورد بیان می دارد: سهولت های که به اساس قواعد بین المللی، به نمایندگان سیاسی یک کشور اعطا می گردد که در کشور دیگر به نمایندگی از دولت مطبوع شان ایفای وظیفه می نماید، از مسئولیت جزائی معاف می باشد.(2)

دیده شد که به اساس قواعد بین المللی که افغانستان جز از آن است، نمایندگان سیاسی دولت ها وقت که در افغانستان می باشند، از مسئولیت جزائی معاف می باشد و این دلیل بر ثبوت مصونیت دیپلمات ها در نظام حقوقی افغانستان است.

خلاصه: مصونیت قضائی دیپلمات ها یک اصل شناخته شده هم در دین مقدس اسلام است و هم در نظام حقوقی افغانستان، بنابراین، مراعات کردن این اصل بر هر مسلمان و تبعه افغانی ضروری و لازمی است.

مطلب دوم: منابع فقهی برای مصونیت قضائی دیپلمات ها

به اجمال می توان منابع فقهی برای مصونیت قضائی دیپلمات ها را دو گونه منابع خواند، منابع اصلی(قرآن و سنت) و منابع تبعی یا مشتق از منابع اصلی که (اجماع، عرف و اقدامات دولتهای اسلامی است) دانست، که تفصیل هر کدام آنها قرار ذیل است:

فرع اول: منابع اصلی

1- سنن أبي داود، رقم الحديث 2761. ألبانی رحمه الله این حدیث را صحیح می داند. صحیح و ضعیف سنن أبي داود، رقم الحديث 2761.

2- قاموس اصطلاحات حقوقی، ص 233.

مقصود از منابع اصلی آن دسته از منابعی است، که بر دیگر منابع حاکم است، در نتیجه منبع برتر فقهی برای مصئونیت قضائی دیپلومات ها که خروج از آن ممکن نیست، شامل دو منبع اساسی قرآن و سنت است:

الف: قرآن کریم

نخستین منبع فقهی برای مصئونیت قضائی دیپلومات ها قرآن کریم است، دهها آیت قرآن کریم یا بشکل صریح و یا هم بشکل ضمنی اشاره به حقوق دیپلومات و مصئونیت آن دارد، از جمله به دو آیه اشاره می‌کنم:

1- الله متعال می‌فرماید: **{ وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ }**. (1)

ترجمه: و اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی بخواهد به او پناه ده تا کلام خدا را بشنود (و در آن ببیند) سپس او را به محل امنش برسان چرا که آنها گروهی ناآگاهند.

وجه استدلال از آیه: برداشت من از این آیه آن است: کسی که از دارالحرب برای تسلیم نامه، تجارت، درخواست صلح، متارکه جنگ، حمل جزیه و مانند آن، وارد دارالاسلام می‌شود و از امام یا جانشین وی درخواست امان می‌کند، مادام که در دارالاسلام تردد می‌کند و تا زمان بازگشت به وطن، از جایگاه امن و امنیت برخوردار است، پس این آیه بیانگر مصئونیت قضائی دیپلومات ها را واضح می‌سازد.

2- همچنان سندی نیز در قرآن کریم برای ارسال و استقبال رسولان و فرستادگان سیاسی در قصه بلقیس و سلیمان علیه السلام می‌توان یافت، الله متعال در مورد می‌فرماید: **{ قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ (29) إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (30) أَلَا تَعْلَمُونَ عَلَيَّ وَأُتُونِي مُسْلِمِينَ (31) قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونِ (32) قَالُوا نَحْنُ أَوْلُو قُوَّةٍ وَأُولُو بَأْسٍ شَدِيدٍ وَالْأَمْرُ إِلَيْكِ فَانظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ (33) قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعْرَآةَ أَهْلِهَا أذَلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ (34) وَإِنِّي مُرْسَلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ (35) فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ أَتُمِدُّونَ بِمَالٍ فَمَا آتَانِي اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا آتَاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ }**

1- {التوبة، آیه 6}.

بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ (36) اَرْجِعْ اِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا اَذَلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ} (1)

ترجمه: (بلقیس) گفت: ای اشراف (و ای بزرگان) نظر خود را در این امر مهم بازگو کنید که من هیچ کار مهمی را بدون حضور شما انجام نداده ام. گفتند: ما دارای نیروی کافی و قدرت جنگی فراوان هستیم، ولی تصمیم نهایی با تو است ببین چه دستور می دهی؟ گفت: پادشاهان هنگامی که وارد منطقه آبادی شوند آن را به فساد و تباهی می کشند و عزیزان آنجا را ذلیل می کنند، (آری) کار آنها همین گونه است. و من (اکنون جنگ را صلاح نمی بینم) هدیه گرانبهایی برای آنها می فرستم تا ببینم فرستادگان من چه خبر می آورند. هنگامی که (فرستادگان ملکه سبا) نزد سلیمان آمدند گفت: می خواهید مرا با مال کمک کنید (و فریب دهید!) آنچه خدا به من داده از آنچه به شما داده بهتر است بلکه شما هستید که به هدایایان خوشحال می شوید. به سوی آنها بازگرد (و اعلام کن) با لشکرهایی به سراغ آنها می آئیم که قدرت مقابله با آن را نداشته باشند، و آنها را از آن (سرزمین آباد) به صورت ذلیلان و در عین حقارت بیرون می رانیم.

وجه استدلال از این آیات: برداشت من از این آیات آن است، که این آیات هم ارزش و جایگاه فرستادگان و دیپلمات ها را بازگو می کنند، یعنی با ارسال و فرستادن نمایندگان از هر دو طرف، در نتیجه این مسئله بدون جنگ و درگیری و از راه مسالمت آمیز حل گردید، پس نشان می دهد که دیپلمات و سفیران از جایگاه خاص در قرآن کریم برخوردار است.

خلاصه: شایان ذکر است که کاملاً بدیهی است، قرآن کریم به همه مسائل مربوط به روابط دیپلماتیک دولت اسلامی پرداخته باشد، زیرا در قرآن قواعد کلی لازم الاجرا بیان شده و تفصیل آن به دیگر مصادر فقهی واگذار گردیده است.

ب: سنت نبوی

سنت شریف نبوی اعم از گفتاری، عملی و تقریری منبع بدون مناقشه در فقه اسلامی به طور عام و در حقوق روابط دیپلماتیک، حقوق بین الملل و مصئونیت دیپلماسی، به طور خاص است، در اینجا به اشاره کوتاه از سنت نبوی به عنوان منبعی برای مصئونیت قضائی مأمور دیپلماتیک، بسنده می کنم:

¹ - {النمل، آیه 32 - 35}.

سنت چنین بود که فرستادگان و نمایندگان دولتهای بیگانه کشته نمی شدند، حتی اگر سخنان نیشداری به کار می بردند که افراد عادی به سبب آن مجازات می شدند، از همین جهت ابن قیم الجوزیه⁽¹⁾ رحمه الله می فرماید: (وكانت تَقْدَمُ عليه رُسُلُ أعدائه، وهم على عداوته، فلا يهيجهم، ولا يقتلهم... فجرت سنته ألا يقتل رسول⁽²⁾).

ترجمه: فرستادگان دشمنان پیامبر صلی الله علیه وسلم با وجود دشمنی که داشتند، نزد پیامبر صلی الله علیه می آمدند و پیامبر صلی الله علیه وسلم نه آنان را مورد تعرض قرار می داد و نه می کشت، زیرا سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم بر این بود که سفیری کشته نشود.

نمونه های بسیاری وجود دارد که شیوه پیامبر صلی الله علیه وسلم را در این باره روشن می سازد، از جمله: پیامبر صلی الله علیه وسلم به دو فرستاده مسیلمه کذاب فرمود: «وَاللَّهِ لَوْلَا أَنَّ الرُّسُلَ لَا تُقْتَلُ لَضَرَبْتُ أَعْنَاقَكُمْ»⁽³⁾.

ترجمه: آگاه باشید! به الله قسم، اگر نه این است که فرستادگان کشته نمی شوند، شما را گردن می زدم.

وجه استدلال از حدیث: خطاب⁽⁴⁾ رحمه الله در شرح این حدیث می نویسد: (وأما قوله لولا أنك رسول

لضربت عنقك فالمعنى في الكف عن دمه أن الله سبحانه قال { وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ } فحقن له دمه حتى يبلغ مأمنه ويعود بجواب ما أرسل به فتقوم به الحجة على

1 - ابن قیم، محمد بن ابی بکر بن ایوب بن سعد بن خریز زرعی، دمشقی، شمس الدین ابو عبد الله، جوزیه، حنبلی (691-751)، یکی از بزرگترین شاگردان ابن تیمیه رحمه الله بود، در فقهات و علم در عصرش بی نظیر و حنبلی مذهب بود، تألیفات زیاد کرده است از جمله: تهذیب سنن ابی داود، زاد المعاد فی هدی خیر العباد و غیره. عبد الرحمن بن احمد بن رجب بن الحسن، البغدادي، ثم الدمشقي، السلامي، زين الدين الحنبلي (المتوفى: 795هـ)، ذیل طبقات الحنابلة، المحقق: عبد الرحمن بن سليمان العثيمين، الناشر: مكتبة العبيكان - الرياض، الطبعة: الأولى، 1425 هـ - 2005 م، ج 5 ص 171.

2- محمد بن ابی بکر بن ایوب بن سعد شمس الدین ابن قیم الجوزیه (المتوفى : 751هـ)، زاد المعاد فی هدی خیر العباد، الناشر : مؤسسة الرسالة، بيروت، الطبعة : السابعة والعشرون ، 1415هـ / 1994م، ج 3 ص 138 - 139.

3- سنن ابی داود، رقم الحدیث 2761. آلبانی رحمه الله این حدیث را صحیح می داند. صحیح وضعیف سنن ابی داود، رقم الحدیث 2761.

4- خطاب: أحمد بن محمد بن إبراهيم بن خطاب، أبو سليمان، خطابي، بستي، یکی از امامان حدیث، حافظ، فقیه از فقهای شافعی و لغت دان بود، در سال 312 هجری در قریه بُست از قریه های خراسان تولد گردید، و در سال 388 هجری در بُست وفات نمود، دارای تألیفات زیاد است، از جمله: معالم السنن شرح علی سنن ابی داود، بسط مذاهب العلماء واختلافهم، غریب الحدیث، شرح أسماء الله الحسنی، الغنیة عن الکلام وأهله، العزلة و غیره. طبقات الشافعية الكبرى، ج 3 ص 282 - 283.

مرسله).⁽¹⁾ ترجمه: سخن پیامبر صلی الله علیه وسلم: اگر فرستاده نبودی، گردنت می زدم. بدین خاطر بود که الله متعال فرمود: هرگاه یکی از مشرکان از تو پناه خواهد به او پناه ده تا سخن خدا را بشنود، سپس او را به محل امنش برسان. پیامبر صلی الله علیه وسلم خودش را محفوظ داشت تا به مأمن خود برسد و مأموریت خود را کامل کند. بدین طریق حجت بر فرستنده او نیز تمام گردد.

خلاصه: مشخص گردید که سنت و عملکرد پیامبر صلی الله علیه وسلم همین بوده است که دیپلومات مصئونیت قضائی داشته و از هر نوع تعرض مصئون است.

فرع دوم: منابع فرعی

در کنار قرآن و سنت، منابع دیگری هم برای حقوق دیپلوماتیک و مصئونیت قضائی دیپلومات ها وجود دارد، از آن جمله اجماع و عرف است، که تفصیل هر کدام شان قرار ذیل است:

1- اجماع

یکی از منابع فرعی دین مقدس اسلام است، که حقوق دیپلوماتیک و مصئونیت دیپلومات ها از دایره آن بیرون نیست، موارد بسیاری وجود دارد که خاص رفتار با نمایندگان و فرستادگان سران دولتها است و فقیهان مسلمان بر آنها اجماع نمودند، از آن جمله احترام و مصئونیت شخصی دیپلومات است، طور که نووی رحمه الله می فرماید: (ولا يقتل رسولهم.. وهو إجماع لا شك).⁽²⁾ ترجمه: فرستادگان کشته نشوند و این بدون شک اجماعی است.

2- عرف

بدیهی است آنچه متعارف و معمول بین مردم است، چنانچه مخالف قواعد و اصول نباشد، می تواند منبعی برای احکام در فقه اسلامی به شمار آید، زیرا قاعده اصولی است: (الثَّابِتُ بِالْعُرْفِ كَالثَّابِتِ بِالنَّصِّ).⁽³⁾

1- أحمد بن محمد، أبو سليمان الخطابي البستي (288 هـ)، معالم السنن، الناشر: المطبعة العلمية - حلب، الطبعة الأولى 1351 هـ - 1932 م، ج 2 ص 319.

2- يحيى بن شرف، أبو زكريا محيي الدين النووي (المتوفى: 676هـ)، المجموع شرح المذهب، الناشر: دار الفكر، بيروت، ج 19 ص 302.

3- محمد بن عبد الواحد السيواسي، كمال الدين المعروف بابن الهمام (المتوفى: 861هـ)، فتح القدير، الناشر: دار الفكر، بيروت، ج 8 ص 32. قواعد الفقه، ص 74.

ترجمه: آنچه که بوسیله عرف ثابت می گردد، مثل ثابت گردیدن بوسیله نص است.

از جمله قواعد عرفی که اسلام آن را پذیرفته و بدان پایبند است، قاعده احترام به سفیران، فرستادگان و نمایندگان سیاسی است، احترام به فرستادگان پیش از اسلام وجود داشت و پس از ظهور اسلام با آن مخالفت نشد.⁽¹⁾

خلاصه: مشخص گردید که در فقه اسلامی برای حقوق و مسئولیت دیپلماتیک، منابع اصلی و فرعی وجود دارد، که این منابع دلالت به جایگاه و مقام دیپلمات و اهمیت آن می کند و اینکه دیپلمات ها نباید مورد تعرض، تجاوز و هتک حرمت قرار گیرند.

مطلب سوم: منابع حقوقی برای مسئولیت قضائی دیپلمات ها

از نگاه حقوقی هم برای حقوق دیپلمات و مسئولیت قضائی شان، مصادر و منابعی وجود دارد، که عبارت از عرف دولت ها، معاهدات و اتفاقات میان دولت ها و قوانین داخلی شان می باشد، که تفصیل هر کدام شان قرار ذیل است:

فرع اول: عرف دولت ها

در حقوق دیپلماتیک، عرف از حیث مقام در بین منابع در درجه اول قرار دارد، از این رو اغلب قواعد مربوط به مسئولیتها و مزایا مستند به عرف بود، اما با استقرار نمایندگی های دائم، دولتها به منظور انسجام و وحدت عمل قراردادهای متعدد منعقد کردند، از جمله کنوانسیون 1961 وین که می توان آن را مهم ترین مصدر و منبع قواعد حاکم بر روابط دیپلماتیک دانست که بر اساس عرف بین المللی تدوین شده است.⁽²⁾

بدون شک عرف مهم ترین منبع به ویژه در مورد مسئولیتها و مزایا در روابط دیپلماتیک دوجانبه به حساب می آید، چرا که مسئولیتها و مزایا یکباره به وجود نیامده و فقط تولید نیازهای امروزی نیست، بلکه به عادات و رسوم گذشته ای که پیشینه سابقه روابط دیپلماتیک دارد، بر می گردد، بنابراین، نمونه های از تسلط عرف بر قوانین حقوق دیپلماتیک را می توان در موارد زیر یافت:

¹- حقوق دیپلماتیک (رهیافت اسلامی)، ص 37.

²- فاوی الملاح، سلطات الامن و الحصانات و الامتيازات الدبلوماسية، الاسكندرية، منشأة المعارف، 1981م، ص 36.

- 1- در موارد که قواعد حقوق تنظیم و تدوین نیافته است، به عرف ارجاع می شود، طور که ماده 47، بند 2، پاراگراف ب، از کنوانسیون 1961 وین تذکر داده اند.⁽¹⁾
- 2- عرف می تواند مصدری برای قواعد آینده که در چهار چوب روابط دیپلوماتیک به وجود می آید، شمرده شود.
- 3- عرف می تواند نقش مفسر را در مقررات حقوقی مدون که از آن نشأت گرفته اند، ایفا نماید.
- 4- حقوق بین الملل عرفی در روابط دوجانبه کشورهایی که به کنوانسیونها پیوسته یا نسبت به بعضی مواد آن حق شرط قائل شده اند، جریان خواهد داشت.⁽²⁾

فرع دوم: معاهدات و اتفاقات میان دولت ها

معاهدات و اتفاقات میان دولتها، رایج ترین روش در ایجاد قواعد بین المللی، انعقاد توافق نامه هایی بین المللی با نامهایی متعدد چون قرارداد⁽³⁾، کنوانسیون⁽⁴⁾، پروتوکول⁽⁵⁾، مصوبه⁽⁶⁾ و... است. این نامهای گوناگون اما با ماهیتی یکسان نمایانگر تفریق اراده های دو یا چند تابع بین المللی به منظور تنظیم منافعشان از طریق قواعد بین المللی است.⁽⁷⁾

معاهدات و کنوانسیون های بین المللی حقوق دیپلوماتیک تا قبل از قرن نوزدهم وجود نداشتند، برخی دولتها معاهدات دوجانبه منعقد نمودند که طی آن هر یک ملزم می گردند، به مأموران یکدیگر همان مسئولیتها

- 1- ماده 47، بند 2، پاراگراف ب، از کنوانسیون 1961 وین چنین تذکر داده است: این که دولتها بنابر عرف یا توافق، امتیازاتی مناسب تر از آنچه مقررات این کنوانسیون پیش بینی کرده، متقابلاً برای یکدیگر قائل شوند.
- 2- سلطات الامن و الحصانات و الامتیازات الدیپلوماسیة، ص 14.
- 3- قرارداد: عقدی است که به منظور ایجاد، تعادل، انتقال یا ازاله حق در حدود احکام این قانون، بین اشخاص حقیقی یا حکمی منعقد می گردد. وزارت عدلیه، قانون قراردادهای تجارتي و فروش اموال، جریده رسمی (1150) کابل، مطبعه احمدی، میزان 1393، ماده (3).
- 4- کنوانسیون: توافق بین المللی است که متضمن حسن رفتار با دیپلمات ها، اسرای جنگی و اشخاص زخمی در جنگ و غیره می باشد. قاموس اصطلاحات حقوقی، ص 204.
- 5- پروتوکول: معنای مختلف برای پروتوکول وجود دارد، صورت مجلس، خلاصه مذاکرات، معاهده، موافقتنامه نسخه اصلی و اولی، مقابله مقدماتی، توافقنامه، موافقت مقدماتی و پیش نویس سند. پروتوکول عموماً به مجموعه از مقررات گفته می شود که اشخاص باید برای برقراری ارتباطات آنرا رعایت کند. قاموس اصطلاحات حقوقی، ص 60.
- 6- مصوبه: به معنی تصویب شده، تصدیق شده و یا قوانین مقررات و احکامی که بوسیله مقام، گروه، مجلس و یا انجمن مورد تایید قرار گرفته باشد. قاموس اصطلاحات حقوقی، ص 233.
- 7- آنتونیو کاسسه، حقوق بین الملل، مترجم: حسین شریفی طراز کوهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، 1385 هـ.ش، ص 232.

و مزایای را دهند که دولت دیگر می دهد، از نمونه های این گونه معاهدات می توان به معاهده بین بریتانیا و ترکیه در 1809م، فرانسه و ایران در سالهای 1855 و 1929م، بین ایالات متحده و فلیپین اشاره کرد. این گونه معاهدات دوجانبه فقط بین دولتهای امضا کننده معتبر است و متضمن قواعد خاصی نیست. (1)

کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی (1963م) مربوط به روابط کنسولی، نخستین موافقت نامه جهانی چند جانبه درباره روابط کنسولی است، هر چند کمیسیون حقوق بین الملل از سال 1955 کار بر روی این کنوانسیون را آغاز کرد، تصویب نهایی آن در 79 ماده و در آوریل طی کنفرانس در وین با شرکت نمایندگان 95 کشور جهانی انجام پذیرفت و منحیث مصدر برای حقوق دیپلماتیک شناسایی گردید. (2)

فرع سوم: قوانین داخلی

اصولاً مقررات و قوانین داخلی و رویه قضائی کشورها یکی از مهم ترین منابع حقوق دیپلماتیک و مصئونیت قضائی به شمار می آید، زیرا بخشی از حقوق و تکالیف نمایندگان سیاسی در صلاحیت داخلی کشورهاست و یا تأمین حفاظت و حمایت از مأموران سیاسی خارجی در ارتباط مستقیم با مقررات دولت میزبان است. از جمله این قوانین می توان به مادهای 16 – 35 قانون مدنی افغانستان اشاره کرد. (3)

هر چند دولتها در وضع قواعد و مقررات آزادی کامل دارند، اما در بیشتر آنها رسوم و عرف بین المللی جاری است و معمولاً قوانین مخالف با آن را وضع نمی کنند، چرا که در تمامی جزئیات روابط دیپلماتیک عمل متقابل ضمانت اجرایی مؤثر و رویه کلی و عمومی است و تخلف از قاعده و رویه پذیرفته شده موجب می شود درباره خود متخلف همان رویه اعمال گردد. (4)

مطلب چهارم: اشخاصیکه از مصئونیت قضائی برخوردار است

1- همان مرجع، ص 232.

2- حقوق دیپلماتیک و کنسولی، ص 66.

3- مثلاً در ماده 16 قانون مدنی آمده است: در موارد تشخیص رابطه حقوقی در قضیه که تنازع قوانین در آن موجود گردد، احکام قانون افغانستان قابل تطبیق می باشد.

همچنان در ماده 19 قانون مدنی آمده است: در مورد شرایط موضوعی صحت ازدواج، قوانین متبوعه هر یک از زوجین تطبیق می گردد و در شرایط شکلی ازدواج، احکام قانون مملکتی رعایت می گردد که ازدواج در آن صورت گرفته است. وزارت عدلیه، قانون مدنی، جریده رسمی شماره (353)، کابل، مطبعه صنعتی احمد، 1388 هـ.ش، ماده 16 و 19.

4- جواد صدر، حقوق دیپلماتیک و کنسولی، تهران، دانشگاه تهران، چاپ هفتم، 1383 هـ.ش، ص 81.

در این مطلب اشخاص که از مسئولیت قضائی برخوردار است، معرفی می گردد، بنابراین، این اشخاص عبارت از دیپلمات ها، مقام های پستی، مستخدمین شرکت های بین المللی و موظفین اداری و فنی کشورها است، که تفصیل آنها قرار ذیل اند:

فرع اول: دیپلمات ها

دیپلمات ها و یا نمایندگان سیاسی کشورها، از مسئولیت قضائی هم از نگاه فقه اسلامی و هم از نگاه نظام حقوقی افغانستان برخوردار اند، طور که فقهاء معاصر اسلامی در مورد مسئولیت قضائی دیپلمات ها تصریح نموده است: مسئولیت قضائی عبارت از تضمین نمودن استقلال و آزادی کامل برای کارمندان دیپلماسی است، تا دیپلمات ها آزاده خود را وقف وظایف خطیر شان نمایند، بدون مداخله مقامات قضائی برای کشور پذیرنده در مدت طولانی که این دیپلمات ها در آنجا اقامت دارند. (1)

همچنان نظام حقوقی افغانستان که در این مورد برگرفته از قواعد بین المللی است، قواعد بین المللی برای دیپلمات ها مسئولیت قضائی در نظر گرفته است، طور که ماده 31 کنوانسیون وین 1961، در مورد چنین بیان می دارد: مأمور دیپلماتیک در دولت پذیرنده از مسئولیت قضائی جزائی برخوردار است، او از مسئولیت قضائی مدنی و اداری نیز بهره مند خواهد بود. (2)

خلاصه دیپلمات ها از مسئولیت قضائی هم از دیدگاه فقه اسلامی و هم از دیدگاه نظام حقوقی افغانستان برخوردار است.

فرع دوم: مقام های پستی (نامه رسان)

دومین گروه کی که از مسئولیت قضائی هم در فقه اسلامی و هم در نظام حقوقی افغانستان برخوردار اند، مقام های پستی می باشد، مقام های پستی عبارت از اشخاص اند که به منظور برقراری ارتباطات دولتها: اعلان، مکتوب و سایر اسناد های که بین دولت ها تبادل می گردند، به یکدیگر شان می رسانند، بنابراین،

1- الحصانات و الامتيازات الدبلوماسية في الفقه الاسلامي و القانون المقارن، ص 23. مقدمة لدراسة القانون الدولي العام، ص 766. الحصانة القضائية، ص 1.

2- کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک (18 آوریل 1962)، ماده 31.

مصنویت قضائی مقام های پستی را نخست از دیدگاه فقه اسلامی بررسی نموده، سپس از دیدگاه نظام حقوقی افغانستان بررسی می نمایم و در اخیر میان هر دو مقایسه می نمایم:

الف: مصنویت قضائی مقام های پستی در فقه اسلامی

فقه اسلامی مصنویت قضائی مقام های پستی را لازم دیده است، زیرا دیپلوماسی اسلامی در آغاز خود از نوع موقت بود، یعنی فرستادگان با نامه نزد دولتهای بیگانه اعزام می شدند و پس از دریافت پاسخ باز می گشتند، مسلمانان به اهمیت فراوان مکاتبات دیپلماتیک در روابط بین المللی به طور عام و در روابط سیاسی به طور خاص پی برده اند، از همین جهت دیوان خاصی بنام «دیوان انشاء» بنیان نهادند که مسئولیت مکاتبات رسمی با خارج را بر عهده داشت.⁽¹⁾

ریشه های تأسیس نخستین دیوان مکاتبات در اسلام را می توان به دوره پیامبر صلی الله علیه وسلم بازگرداند، که در آن افرادی مأمور به نوشتن نامه های پیامبر صلی الله علیه وسلم و افرادی دیگر مأمور به بردن آن نامه ها به پادشاهان و سران کشورهای بیگانه بودند، از همین جهت مقریزی⁽²⁾ رحمه الله می نویسد: (دیوان الإنشاء و المکاتبات، یقال له: کاتب الدست الشریف، ویسلم المکاتبات الواردة مختومة، فیرعضاها علی الخلیفة من بعده، وهو الذي یأمر بتنزیلها، والإجابة عنها للکتاب...)⁽³⁾.

ترجمه: دیوان انشاء و مکاتبات که برایش «کاتب مقام شریف» گفته می شد، عهده دار بود که نامه های مهر زده را دریافت و به عرض خلیفه می رساند و هم او بود که در حاشیه نامه، دستور نوشتن پاسخ را به نویسندگان می داد.

¹ - ابن فضل الله العمری بخشی معظمی از کتاب خود را به بیان چگونگی مکاتبه پادشاهان و سران کشورهای اسلامی و غیر اسلامی و ذکر نمونه هایی از آنها اختصاص داده است و در آنجا بیان نموده است، اشخاص که این نامه هارا می بردند و می آوردند، از مصنویت برخوردار بودند. أحمد بن یحیی بن فضل الله القرشی العدوی العمري، شهاب الدین (المتوفی: 749هـ)، التعریف بالمصطلح الشریف، الناشر: دار الکتب العلمیة، بیروت - لبنان، الطبعة: الأولى، 1408 هـ - 1988 م، ص 4 - 84.

² - مقریزی: (766 - 845 هـ = 1365 - 1441 م)، أحمد بن علي بن عبد القادر، أبو العباس، حسینی، عبیدی، تقي الدين مقریزی، یکی از مؤرخین مشهور دیار مصر در زمانش بود، اصلش از بعلبک بود، ولی تولد، نشأت و وفاتش در قاهره صورت گرفته است، از جمله تألیفات او: المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار، السلوك في معرفة دول الملوك وغيره است. عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين السيوطي (المتوفی: 911هـ)، حسن المحاضرة في تاريخ مصر والقاهرة، المحقق: محمد أبو الفضل إبراهيم، الناشر: دار إحياء الكتب العربية - عيسى البابي الحلبي وشركاه - مصر، الطبعة: الأولى 1387 هـ - 1967 م، ج 1 ص 557.

³ - أحمد بن علي بن عبد القادر، أبو العباس الحسيني العبدي، تقي الدين المقریزی (المتوفی: 845هـ)، المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار، الناشر: دار الکتب العلمیة، بیروت، الطبعة: الأولى، 1418 هـ، ج 2 ص 279.

خلاصه مشخص گردید که در فقه اسلامی دیوان انشاء (پُسته خانه) وجو داشت و مقام های پُسته خانه (نامه رسان) از مصئونیت قضائی برخوردار بودند.

ب: مصئونیت قضائی مقام های پُستی در نظام حقوقی افغانستان

نظام حقوقی افغانستان که در این بخش متأثر از قواعد روابط بین الملل است، قواعد روابط بین الملل در مورد – طور که کنوانسیون وین 1961 است – چنین تصریح می دارد: مکاتبات رسمی نمایندگی مصوون از تعرض است، اصطلاح «مکاتبات رسمی» شامل تمام مکاتبات مربوط به نمایندگی و انجام آن می شود. کیسه دیپلماتیک نباید باز شده یا نگهداشته شود. پیک دیپلماتیک که باید دارای مدارک رسمی حاکی از سمت وی و تعداد بسته های جزء کیسه دیپلماتیک باشد، در اجرای وظایف خود از حمایت دولت پذیرنده برخوردار خواهد بود، شخص پیک (نامه رسان) مصوون از تعرض بوده و به هیچ عنوان بازداشت یا زندانی نخواهد شد.⁽¹⁾

در این ماده مشخص شده است که مقام های پُستی از مصئونیت برخوردار بوده و دولت پذیرنده حق تعرض بر آنها را ندارند و نباید نامه رسان را بازداشت و یا زندانی نماید.

ج: مقایسه میان فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان در این مورد

با مقایسه و بررسی میان فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان، دیده می شود که هم در فقه اسلامی و هم در نظام حقوقی افغانستان راجع به مصئونیت مقام های پُستی تأکید شده است، با این تفاوت که در فقه اسلامی مقام های پُستی را بنام (دیوان الإنشاء و المکاتبات) یاد می کردند و در نظام حقوقی افغانستان بنام «پیک های دیپلماتیک» یاد می گردد.

فرع سوم: مستخدمین شرکت های بین المللی

منظور از مستخدمین شرکت های بین المللی اشخاص هستند که از کشور خودشان به کشور دیگری جهت انجام بعضی از کارهای خاص می روند، از قبیل خدمت گاران محل دیپلماتیک و کنسولی از جمله صفاکاران، آشپزان، دروازه بان و غیره، کارگران مخابره تلفونی، راننده های موتر و پیلوت های طیاره

¹ - کنوانسیون وین 1961م، ماده (27).

برای رفت و برگشت مأموران دیپلماتیک و غیره.⁽¹⁾

برای اینکه واضح گردد، مستخدمین شرکت های بین المللی از مسئولیت قضائی برخوردار است و یاخیر؟ این موضوع را نخست از دیدگاه فقه اسلامی بررسی نموده، سپس از دیدگاه نظام حقوقی افغانستان مورد بررسی قرار می دهیم و در اخیر میان فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان مقایسه می نمایم، که تفصیل آن قرار ذیل است:

الف: دیدگاه فقه اسلامی در این مورد

در نظر گرفتن مسئولیت قضائی برای مستخدمین شرکت های بین المللی، در کشورهای اسلامی یک امر معمول و عرفی است، بنابراین، هیچ نص قطعی از قرآن کریم و سنت برخلاف آن وجود ندارد، پس مشهور است که عرف می تواند یکی از منابع احکام در شریعت اسلامی باشد، زیرا قاعده در اصول فقه است: (الثَّابِتُ بِالْعُرْفِ كَالثَّابِتِ بِالنَّصِّ).⁽²⁾

ترجمه: آنچه که بوسیله عرف ثابت می گردد، مثل ثابت گردیدن بوسیله نص است.

وجه استدلال از این قاعده: چه دلیلی بهتر از اینکه تمام دولت های اسلامی این عرف را پذیرفتند و به طور مستمر و دوام دار بدان عمل کردند.

همچنان الله متعال می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَ تَسَلَّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا﴾.⁽³⁾

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید در خانه هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید.

وجه استدلال از آیه: عموم این آیات بر کارمندان سفارتخانه های بیگانه از جمله نگهبانان، صفاکاران، رانندگان، اماکن مأموریت و اعضای آن مطابقت دارد، از همین جهت ابن العربی رحمه الله می گوید:

¹- علی صادق ابوهیف، القانون الدبلوماسی، منشأة المعارف الاسكندرية، مصر، 1973م، ص 104.

²- فتح القدیر، ج 8 ص 32. قواعد الفقه، ص 74.

³- {النور، آیه 27}.

(نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ عَامَّةً فِي كُلِّ بَيْتٍ).⁽¹⁾

ترجمه: این آیه به طور عام درباره هر خانه ای نازل شد.

یعنی همان طور که نمایندگان سیاسی (دیپلمات ها) از مسئولیت برخوردار اند، کارمندان سفارتخانه ها نیز از مسئولیت برخوردار است.

ب: دیدگاه نظام حقوقی افغانستان در این مورد

از اینکه نظام حقوقی افغانستان در مورد مسئولیت و حقوق دیپلمات ها از قواعد روابط بین المللی گرفته شده است، قواعد روابط بین الملل برای مستخدمین شرکت های بین المللی نیز مسئولیت قائل شده اند، طور که کنوانسیون وین 1961، در ماده 23، بند 3 چنین بیان می دارد: 3- اماکن نمایندگی و اثاثه و اشیاء دیگر موجود در آن و همچنین وسایل نقلیه نمایندگی مورد بازرسی و مصادره و توقیف و یا اقدامات اجرائی قرار نخواهد گرفت.

ماده 33، بند 1 و 2، کنوانسیون وین همچنان تصریح می کند: 1- مأمور دیپلماتیک با رعایت بند 3، این ماده در مورد خدماتی که برای دولت فرستنده انجام می دهد، از مقررات بیمه های اجتماعی که ممکن است در دولت پذیرنده لازم الاجرا باشد، معاف است. 2- معافیت مندرج در بند 1 این ماده نیز شامل خدمتگاران شخصی که در خدمت انحصاری مأمور دیپلماتیک می باشند، می گردد.⁽²⁾

مشخص گردید که مستخدمین شرکت های بین المللی از دیدگاه نظام حقوقی افغانستان نیز از مسئولیت قضائی برخوردار اند، طور که در این ماده های کنوانسیون وین واضح گردید.

با مقایسه و بررسی میان فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان، دیده می شود که هر دو در این مورد یک دیدگاه مشترک دارند، زیرا در صورت که مستخدمین شرکت های بین المللی از مسئولیت برخوردار نباشند، در این صورت مأموران دیپلماتیک نمی توانند در کشور پذیرنده بشکل آزاد و مصئون زندگی نمایند.

¹- احکام القرآن، ج 3 ص 369.

²- کنوانسیون وین 1961، ماده های (23 و 33).

فرع چهارم: موظفین اداری و فنی

چهارمین گروهی که از مصئونیت قضائی برخوردار اند، موظفین اداری و فنی سفارتخانه ها و محلات کنسولی است، از دیدگاه فقه اسلامی نظر به عرف دولتهای اسلامی موظفین اداری و فنی از مصئونیت قضائی برخوردار است، زیرا مطابق این قاعده: (الثَّابِتُ بِالْعُرْفِ كَالثَّابِتِ بِالنَّصِّ)⁽¹⁾.
ترجمه: آنچه که بوسیله عرف ثابت می گردد، مثل ثابت گردیدن بوسیله نص است.

وجه استدلال از این قاعده: چه دلیلی بهتر از اینکه تمام دولت های اسلامی این عرف را پذیرفتند و به طور مستمر و دوام دار بدان عمل کردند، که موظفین اداری و فنی سفارتخانه ها و محلات کنسولی از مصئونیت قضائی برخوردار اند.

همچنان نظام حقوقی افغانستان که در این بخش برگرفته از قواعد روابط بین الملل است، قواعد روابط بین الملل نیز مصئونیت قضائی موظفین اداری و فنی سفارتخانه ها و محلات کنسولی را شناخته و بر حفظ آن تأکید نموده است، طور که بند 2، ماده 37، کنوانسیون وین در مورد تصریح می کند: 2- کارمندان اداری و فنی نمایندگی و همچنین بستگان آنان که اهل خانه ایشان هستند، به شرط آنکه تبعه دولت پذیرنده یا مقیم دائم این کشور نباشند، از مزایا و مصئونیت ها بهره مند خواهند بود.

در این ماده مشخص گردید که موظفین اداری و فنی سفارتخانه ها و محلات کنسولی از مصئونیت قضائی برخوردار اند.

با مقایسه و بررسی میان فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان، دیده می شود که هر دو در این بخش هم دیدگاه مشترک دارند، زیرا در صورت که موظفین اداری و فنی سفارتخانه ها و محلات کنسولی مصئونیت نداشته باشند، در آن صورت سفارتخانه و محلات کنسولی کشورهای فرستنده، دچار مشکلات اداری و فنی گردیده و نمی توانند وظایف شان را به درستی انجام دهند، بنابراین، در فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان مصئونیت آنها در نظر گرفته شد تا باعث تعطیل گردیدن سفارتخانه نگردد.

مطلب پنجم: تفاوت مصئونیت قضائی دیپلمات ها

نمایندگان دیپلماتی از مصئونیت های متعدد در داخل کشور پذیرنده برخوردار هستند، بعضی از این

¹- فتح القدیر، ج 8 ص 32. قواعد الفقه، ص 74.

مصنویت به حرمت دیپلمات بر می گردد، یعنی حرمت دیپلمات از هر نوع تعرض مصئون است، بعضی از این مصنویت ها به امتیازات شخصی مأمور دیپلماتیک بر می گردد و بعضی دیگرشان متعلق به مصنویت قضائی است، برای آگاهی از این مصنویت ها، خوب است تا مصنویت قضائی از دیگر مصنویت ها تفاوت گردد، که تفصیل آن قرار ذیل است:

فرع اول: تفاوت مصنویت قضائی از حرمت شخصی

حرمت شخصی از نخستین امتیازاتی است، که مأمور دیپلماتیک از آن بهره مند می شود و این حرمت شخصی اساس ترین چیزی است که دیگر امتیازات بر آن ترتیب و تنظیم یافته است، منظور از حرمت شخصی آن است که نماینده و مأمور دیپلماتیک مصئون است و هتک حرمت⁽¹⁾ آن جایز نیست، بلکه معامله با دیپلمات باید بشکل مناسب و شایسته صورت گیرد.⁽²⁾

با این حال حرمت شخصی با مصنویت قضائی مختلف است، که تفصیل شان قرار ذیل است:

1- حرمت شخصی از جمله مصنویت دائمی و دوام دار است، که دیپلمات ها از آن بهره می گیرند و توقف این مصنویت در صورت که دیپلمات مرتکب جرم و جنایت گردد، درست نیست، اما مصنویت قضائی در صورت که دیپلمات مرتکب عملی می گردد که مخالف دولت پذیرنده است، باقی نمی ماند، حتی می تواند دولت پذیرنده وی را اخراج از دولتش نماید. از همین جهت حرمت شخصی مأمور دیپلماتیک یکی از اساسات بنیادینی است که اسلام آن را پذیرفته است، این مصنویت از شخص فرستاده در برابر هر نوع تعرض، شدید و یا خفیف، حمایت می کند، ولی در صورت که دیپلمات مرتکب جرم گردد و جرم حق الناس باشد، مجازات می گردد، یعنی از مصنویت قضائی بیرون می شود، از همین جهت: هرکافری را به دلیل عموم آیه **{فَأْتُوا الْمُشْرِكِينَ}**.⁽³⁾ ترجمه: مشرکان را به قتل برسانید. نظر به حکم این آیه: مشرکان می توان کشت به جز فرستادگان که باید به ابلاغ پیام بسنده کنند، هر چند نامه که به همراه دارند یا سخنانی که بر زبان می آورند تهدید آمیز باشد، ولی اگر ثابت شود جاسوسی بودند و یا به مسلمانان دشنام داده و

¹- هتک حرمت: عملی که در اثر آن شخصیت مادی و یا معنوی فرد توهین شده باشد. قاموس اصطلاحات حقوقی، ص 268.

²- الحصانة الدبلوماسية للمبعوث الدبلوماسی، ص 32.

³- {التوبة، آیه 5}.

خیانت کرده اند، کشتن آنان روا است.⁽¹⁾

همچنان ماده 29 کنوانسیون وین 1961، درباره حرمت شخصی دیپلمات چنین تصریح می کند: شخص مأمور دیپلماتیک مصون از تعرض است، نمی توان او را به هیچ عنوان مورد توقیف یا بازداشت قرار داد، دولت پذیرنده با وی رفتار محترمانه ای که در شأن او است خواهد داشت و اقدامات لازم را برای جلوگیری از وارد آمدن لطمه به شخصی و آزادی و حیثیت او اتخاذ خواهد کرد.⁽²⁾

اما در صورت که مرتکب جرم گردد که مخالف قانون دولت پذیرنده است، در این صورت مطابق قواعد روابط بین الملل و معاهده بین دول با وی رفتار خواهد شد، طور که ماده 21 کود جزا در مورد بیان می دارد: هرگاه کارکن ملل متحد یا کارکن سازمان های بین المللی دیگر یا نماینده سیاسی دولت خارجی مرتکب جرمی گردد که احکام این قانون بالای وی قابل تطبیق باشد، با آنها مطابق معاهدات بین الدول و میثاق های بین المللی که موقوف، امتیازات و مصونیت های کارکنان و نمایندگان متذکره را تنظیم می نماید و جمهوری اسلامی افغانستان به آن ملحق گردیده است، رفتار صورت می گیرد.⁽³⁾

خلاصه: مشخص گردید که هم در فقه اسلامی و هم در نظام حقوقی افغانستان حرمت شخصی برای دیپلمات دایمی است، اما مصونیت قضائی موقت است، در صورت که دیپلمات مرتکب جرم گردد، باید مورد تعقیب قضائی قرار گیرد.

2- حرمت شخصی بر می گردد به محل و مردم، یعنی تمام مردم محل مکلف است تا به حرمت شخصی دیپلمات تجاوز نکنند، ولی مصونیت قضائی خاص است، مربوط به محکمه و دادگاه می شود، یعنی محکمه نمی تواند دیپلمات را تعقیب قضائی نماید.⁽⁴⁾

فرع دوم: تفاوت مصونیت قضائی از امتیازات شخصی

برای دیپلمات بعضی از امتیازات شخصی داده می شود، که این امتیازات با مصونیت قضائی متمایز است، که تفصیل آن قرار ذیل است:

¹- زکریا الانصاری، حاشیه الشراوی علی تحفة الطلاب بشرح تحریر تنقیح الطلاب، مطبعة الحلبي، القاهرة، 1360هـ = 1941م، ج 2 ص 507.

²- کنوانسیون وین 1961، ماده (29).

³- وزارت عدلیه، کود جزا، جریده رسمی (1260)، مطبعه پرویز، کابل، 1396هـ ش، ماده (21).

⁴- الحصانة القضائية للمبعوث الدبلوماسیة، ص 33.

1- امتیازات شخصی بر اساس آنچه که دولت پذیرنده از سهولت های معین برای دیپلمات در نظر می گیرد، در صورت که این امتیازات را از دیپلمات سلب نماید، باز هم مانع کار و وظیفه رسمی دیپلمات نمی گردد، مثلاً برای دیپلمات اجازه فعالیت کار و تجارت شخصی بدهد، در صورت که این امتیاز را از او بگیرد، گرفتن این امتیاز مانع وظایف دیپلماتیک او نمی گردد، اما در صورت که مسئولیت قضائی را از دیپلمات بگیرد، در این صورت گرفتن مسئولیت قضائی مانع دوام وظیفه دیپلمات می گردد.⁽¹⁾

2- امتیازات شخصی محدود نیست، یعنی دولت پذیرنده می تواند هر نوع امتیازات شخصی برای دیپلمات در نظر بگیرد، اما مسئولیت قضائی محدود است، طور که احمد ابوالوفا⁽²⁾ حفظه الله یکی از فقهاء معاصر مصری می نویسد: مسئولیت فرستادگان منحصرًا در انجام مأموریت به عنوان سفیر یا فرستاده است و به تعبیر کنونی آن، مسئولیت در فعالیتهایی که سفیر در چهارچوب وظایف رسمی خود و نه به قصد منفعت شخصی، انجام می دهد.⁽³⁾ همچنان ماده 42 کنوانسیون وین 1961، بیان می دارد: مأمور دیپلماتیک در کشور پذیرنده فعالیت حرفه یا تجاری به قصد انتفاع شخصی نخواهد داشت.

در این ماده مشخص شد که وظیفه اصلی مأمور دیپلماتیک آن است که در خدمت دولت فرستنده در روابط با دولت پذیرنده باشد، بنابراین، اگر دولت پذیرنده برایش امتیازات شخصی می دهد، در آن مسئولیت ندارد، طور که ماده 31 کنوانسیون توضیح می دارد: مسئولیت مدنی و اداری در دعاوی مربوط به فعالیت های حرفه یا تجاری که مأمور دیپلماتیک در خاک دولت پذیرنده و خارج از وظایف رسمی خود به آن اشتغال دارد، وجود ندارد.

خلاصه هم از نگاه فقه اسلامی و هم از نگاه نظام حقوقی افغانستان مشخص گردید، که امتیازات شخصی که برای دیپلمات، از طرف دولت پذیرنده در نظر گرفته می شود، مسئولیت قضائی وجود ندارد.

1- الحصانة القضائية للمبعوث الدبلوماسیة، ص 34.

2- دکتر احمد ابوالوفا، یکی از فقهاء مشهور و معاصر در کشور مصر محسوب می گردد، وی استاد در پوهنهی حقوق پوهنتون از هر مصر ایفاء وظیفه داشت، دارای تالیفات کثیره است، از جمله: القانون الدبلوماسی الاسلامی که در سال 2006م، توسط سید مصطفی میرمحمدی، به فارسی ترجمه شده است، الحقوق الدبلوماسیة النوین وغیره. حقوق دیپلماتیک (رهیافت اسلامی)، ص 1 - 3.

3- حقوق دیپلماتیک (رهیافت اسلامی)، ص 273.

فرع سوم: تفاوت مصئونیت قضائی از امتیازات مالی

نمایندگان سیاسی دولت ها در دولت پذیرنده از بعضی امتیازات مالی برخوردار است، ولی این امتیازات مالی با مصئونیت قضائی تفاوت دارد، که تفصیل آن قرار ذیل است:

1- دولت پذیرنده ضرر نمی بیند، در صورت که از امتیازات مالی دیپلومات را محروم نماید، مثلاً از اموال دیپلومات تقاضای مالیه صورت گیرد، ولی در صورت که دولت پذیرنده دیپلومات را از مصئونیت قضائی بدون اینکه دیپلومات مرتکب جرم خلاف قانون دولت پذیرنده گردد، محروم گرداند، در این صورت دولت پذیرنده مرتکب ضرر می گردد و حتی منجر به قطع روابط با دولت فرستنده می گردد.⁽¹⁾

2- مصدر امتیازات مالی برای دیپلومات، همانا قواعد دوستانه میان دولت ها و معاملات بالمثل است، اما مصدر مصئونیت قضائی برای دیپلومات، عرف دولت ها است.⁽²⁾

3- دیپلومات می تواند از امتیازات مالی بدون آگاهی دولت فرستنده تنازل نماید، اما از مصئونیت قضائی بدون خبر دادن دولت فرستنده درست نیست.⁽³⁾

خلاصه در این مطلب مشخص گردید که مصئونیت قضائی با حرمت شخصی، امتیازات شخصی و امتیازات مالی، متفاوت است، که تفصیل آن بیان گردید.

¹- الحصانة الدبلوماسية بين النظرية و التطبيق، ص 126.

²- الحصانة القضائية للمبعوث الدبلوماسية، ص 36.

³- همان مرجع، ص 36.

فصل دوم

انواع مسئولیت قضائی دیپلمات ها و مبنای آن

در این فصل مباحث ذیل بحث می گردد:

مبحث اول: مسئولیت قضائی مدنی و اداری

مبحث دوم: مسئولیت قضائی جنائی و جزائی

مبحث سوم: مبنای مسئولیت های دیپلماتیک و جرایم علیه شان

مبحث اول

مصنوعیت قضائی مدنی و اداری دیپلومات ها

در این مبحث مطالب ذیل بحث می گردد:

مطلب اول: صفت مصنوعیت قضائی مدنی

مطلب دوم: مدتی مصنوعیت قضائی مدنی

مطلب سوم: موقف فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان درباره مصنوعیت قضائی مدنی دیپلومات ها

مطلب چهارم: موقف فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان از عفو مالیات از دیپلومات ها

مطلب پنجم: مصنوعیت دیپلومات ها از ادای شهادت

مطلب اول: صفت مصنوعیت قضائی مدنی

در این مطلب صفت مصنوعیت قضائی مدنی که عبارت از مصنوعیت قضائی مقید به اختصاص قضائی وطنی و مصنوعیت قضائی از جهت عدم محل رسیدگی آن مورد بحث قرار می گیرد، که تفصیل آن قرار ذیل است:

فرع اول: مصنوعیت قضائی مدنی مقید به اختصاص قضائی وطنی

یکی از صفات مصنوعیت قضائی مدنی، مصنوعیت قضائی مدنی مقید به اختصاص قضائی وطنی است، یعنی دیپلومات از مصنوعیت قضائی مدنی برخوردار است، ولی در صورت که دیپلومات مرتکب تخلفات مدنی در دولت پذیرنده گردد، یا حق مدنی او ضایع گردد، آیا قاضی همان دولت پذیرنده به این تخلفات رسیدگی کرده می تواند و یاخیر؟ بنابراین، این مطلب را نخست از دیدگاه فقه اسلامی بررسی نموده، سپس از دیدگاه نظام حقوقی افغانستان مورد بررسی قرار می دهیم و در اخیر میان فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان مقایسه می نمایم:

الف: دیدگاه فقه اسلامی در این مورد

میان فقهاء اسلامی اختلاف وجود ندارد، در مورد اینکه اگر شخص مسلمان به همراه شخص مستأمن (مستأمن شامل دیپلومات هم می گردد) دعوا نمایند و دعوی شان مدنی باشد از قبیل مسائل نکاح،

میراث و غیره، سپس با رضایت شان، یا رضایت یکی شان، نزد محکمه اسلامی مراجعه کنند، در این صورت بالای قاضی مسلمان واجب است تا مطابق شریعت اسلامی میان شان حکم نماید، برابر است شخص مسلمان مدعی باشد و یا مدعی علیه.⁽¹⁾

طور که خطیب الشریبینی⁽²⁾ رحمه الله دلیل این موضوع را می نویسد: (لِأَنَّهُ يَجِبُ رَفْعُ الظُّلْمِ عَنِ الْمُسْلِمِ، وَالْمُسْلِمُ لَا يُمَكِّنُ رَفْعَهُ إِلَى حَاكِمِ أَهْلِ الدِّمَّةِ وَلَا تَرْكُهُمَا مُتَنَازِعِينَ فَرَدَدْنَا مَنْ مَعَ الْمُسْلِمِ إِلَى حَاكِمِ الْمُسْلِمِينَ؛ لِأَنَّ الْإِسْلَامَ يَعْلُو وَلَا يُعْلَى عَلَيْهِ).⁽³⁾

ترجمه: زیرا برداشتن ظلم از شخص مسلمان واجب است و برای شخص مسلمان ممکن نیست تا این موضوع را نزد حاکم و قاضی اهل ذمه ببرد و نه اینکه نزاع شان را بدون حل و فصل ترک نمایند، پس دعوی شخص که همراه مسلمان دارد، نزد حاکم مسلمان مسترد می کنیم، زیرا اسلام از هر چیز برتر است و هیچ چیزی بر اسلام برتری ندارد.

ولی اختلاف فقهاء بر سر این است: در صورت که نزاع کنندگان در دعوی مدنی، غیر مسلمان باشند، که این اختلاف بر دو قول خلاصه می گردد:

قول اول: احناف و فقهاء شافعی در یک قول می گویند: در صورت که دو شخص مستأمن میان شان نزاع مدنی می نمایند، سپس نزد محکمه مسلمانان مراجعه می کنند، بر بالای حاکم لازم است محکمه را برای حل نزاع شان دایر نماید و رفع کردن دعوا میان طرفین نزاع شرط نمی باشد.⁽⁴⁾

1- المبسوط، ج 10 ص 93. مالك بن أنس بن مالك بن عامر الأصبحي المدني (المتوفى: 179هـ)، المدونة، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت، الطبعة: الأولى، 1415هـ - 1994م، ج 4 ص 400. محمد بن أحمد، شمس الدين، الخطيب الشربيني الشافعي (المتوفى: 977هـ)، مغني المحتاج إلى معرفة معاني ألفاظ المنهاج، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت، الطبعة: الأولى، 1415هـ - 1994م، ج 4 ص 329. منصور بن يونس بن صلاح الدين ابن حسن بن إدريس البهوتي الحنبلي (المتوفى: 1051هـ)، كشف القناع عن متن الإقناع، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت، ج 3 ص 140.

2- خطيب الشربيني (977 هـ / 1570 م) محمد بن أحمد شربيني، شمس الدين، معروف به خطيب شربيني: يكي از مفسرين، متكلم نحوى و فقيه مشهور شافعي می باشد، در قاهره متولد و وفات نموده است، دارای تالیفات زیاد می باشد از جمله: السراج المنير في الاعانة على معرفة بعض معاني كلام ربنا الحكيم الخبير في التفسير، الفتح الرباني في حل ألفاظ تصريف عز الدين الزنجاني، مغني المحتاج إلى معرفة معاني ألفاظ المنهاج للنووي وغيره. عبد الحي بن أحمد العكري، دمشق، شذرات الذهب في أخبار من ذهب، بيروت، دار النشر: دار الكتب العلمية، ج 8 ص 384.

3- مغني المحتاج إلى معرفة معاني ألفاظ المنهاج، ج 4 ص 329.

4- أبو بكر بن مسعود بن أحمد، علاء الدين، الكاساني الحنفي (المتوفى: 587هـ)، بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت، الطبعة: الثانية، 1406هـ - 1986م، ج 2 ص 311 - 312. مغني المحتاج إلى معرفة معاني ألفاظ المنهاج، ج 3 ص 195.

دلایل قول اول: الله متعال می فرماید: **{وَأَنْ أَحْكَمَ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ}**. (1)

ترجمه: و باید در میان آنها (اهل کتاب) طبق آنچه خداوند نازل کرده حکم کنی و از هوسهای آنان پیروی مکن.

وجه استدلال از آیه: در این آیه الله متعال پیامبر صلی الله علیه وسلم را دستور داده است، تا مطابق آنچه که الله متعال نازل نموده است، میان اهل کتاب حکم و فیصله نماید و این آیه مطلق است، برابر است مرافعه صورت گیرد و یاخیر، یعنی رفع نزاع میان شان شرط نمی باشد. (2)

همچنان کاسانی⁽³⁾ رحمه الله می گوید: **{وَلِأَنَّ الْأَصْلَ فِي الشَّرَائِعِ هُوَ الْعُمُومُ فِي حَقِّ النَّاسِ كَافَّةً إِلَّا أَنَّهُ تَعَدَّرَ تَنْفِيذُهَا فِي دَارِ الْحَرْبِ لِعَدَمِ الْوِلَايَةِ، وَأَمَكَّنَ فِي دَارِ الْإِسْلَامِ}**. (4)

ترجمه: زیرا اصل در شریعت اسلامی عموم است در حق تمام مردم، مگر اجرا کردن آن در دارالحرب از جهت عدم ولایت متعذر و مشکل است، ولی در دارالاسلام ممکن است.

قول دوم: فقهاء مالکی، حنبلی و شافعی می گویند: در صورت که دو شخص مستأمن جهت حل منازعه شان نزد حاکم مسلمان مراجعه می کنند تا در بین شان حکم نماید، در این صورت حاکم مسلمان اختیار دارد که در بین شان حکم می کند و یاخیر. (5)

دلیل قول دوم: این قول الله متعال است: **{فَإِنْ جَاءُوكَ فَأَحْكَمْ بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرَضْ عَنْهُمْ}**. (6)

ترجمه: اگر نزد تو آمدند در میان آنان داوری کن یا (اگر صلاح بود) آنها را بحال خود واگذار.

1- {المائدة، آیه 49}.

2- بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، ج 2 ص 311.

3- کاسانی، أبو بکر بن مسعود بن أحمد، علاء الدین، ملک العلماء، (متوفی: 587هـ)، یکی از فقهاء و فضلاء احناف بشمار می رود، تألیفات زیاد دارد از جمله: بدائع الصنائع، السلطان المبین في أصول الدین و غیره. أبو الفداء زین الدین أبو العدل قاسم بن قُطُوبغا السودونی (نسبة إلى معتق أبيه سودون الشبخوني) الجمالی الحنفی (المتوفی: 879هـ)، تاج التراجم، المحقق: محمد خیر رمضان یوسف، الناشر: دار القلم - دمشق، الطبعة: الأولى، 1413 هـ - 1992م، ج 1 ص 329.

4- بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، ج 2 ص 311.

5- المدونة الكبرى، ج 4 ص 400. مغني المحتاج إلى معرفة معاني ألفاظ المنهاج، ج 3 ص 195. كشاف القناع عن متن الإقناع، ج 3 ص 140.

6- {المائدة، آیه 42}.

وجه استدلال از آیه: در این آیه مشخص شده است، که الله متعال به پیامبر صلی الله علیه وسلم اختیار داده است که در بین شان حکم می کند و یاخیر.

قول راجح: بعد از تحقیق و بررسی به نظر می رسد که قول اول که قول احناف و یک قول فقهاء شافعی است، راجح می باشد، به دو دلیل:

- 1- دلیل اول: هرگاه دو شخص مستأمن دعوی شان را نزد حاکم مسلمان آوردند تا در بین شان حکم نماید، در واقع آنها بر حکم اسلام راضی شدند، بنابراین، بالای حاکم مسلمان لازم است تا حکم اسلام را در حق آنها جاری نماید.
- 2- همچنان مانع از تطبیق حکم اسلام وجود ندارد، زیرا سرزمین اسلام است و حتی اگر حاکم مسلمان میان شان طبق عدالت الهی حکم نماید، این کار حتی باعث اسلام آوردن آنها می گردد.

ب: دیدگاه نظام حقوقی افغانستان در این مورد

نظام حقوقی افغانستان که در این بخش متأثر از قواعد روابط بین الملل است، قواعد روابط بین الملل در این مورد طور که کنوانسیون روابط دیپلماتیک (1961) وین، بیان می دارد، دیپلمات مصئونیت قضائی مدنی نیز دارد، این مصئونیت کلی است، ولی مطلق نیست، زیرا سه مورد استثناء بر آن وارد شده است، متن ماده 31 بند اول، در این زمینه چنین است: مأمور دیپلماتیک در دولت پذیرنده... از مصئونیت قضائی مدنی واداری نیز بهره مند خواهد بود، مگر در موارد زیر:

الف – دعوی راجع به مال غیر منقول خصوصی واقع در قلمرو دولت پذیرنده، مگر آنکه مأمور دیپلماتیک مال را به نمایندگی دولت فرستنده و برای مقاصد نمایندگی در تصرف داشته باشد.

ب – دعوی راجع به ماترکه که در آن مأمور دیپلماتیک بطور خصوصی و نه به نام دولت فرستنده، وصی و امین ترکه و وارث یا موصی له واقع شده باشد.

ج – دعوی راجع به هرگونه فعالیت حرفه ای آزاد یا تجاری که مأمور دیپلماتیک در دولت پذیرنده و خارج از وظایف رسمی خود به آن اشتغال دارد.

وجه اشتراک این سه مورد استثنائی، آن است که، این امور جزء وظایف مأمور دیپلماتیک نیست و دیپلمات از مصئونیت برخوردار نمی باشد و در صورت اختلاف باید در محاکم محل حاضر شده و

جوابگو باشد.(1)

ج: مقایسه میان فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان در این مورد

با مقایسه و بررسی میان فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان، دیده می شود که هر دو باهم در مورد با هم دیدگاه مشترک دارند و در موارد از هم تفاوت و افتراق دارند، که تفصیل آن قرار ذیل است:

اول: مورد مشترک: فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان، می پذیرند که محکمه وطنی(محکمه دولت پذیرنده) حق رسیدگی به دعاوی مدنی دیپلومات ها را دارد.

دوم: موارد افتراق:

1- در فقه اسلامی تاکید شده است، در صورت که محکمه دعاوی مدنی دیپلومات ها را رسیدگی می کند، این رسیدگی باید مطابق شریعت اسلامی صورت گیرد، ولی در نظام حقوقی افغانستان این موضوع تصریح نشده است.

2- در فقه اسلامی مشخص نشده است، که قاضی و محکمه دولت پذیرنده، کدام دعاوی مدنی دیپلومات ها را رسیدگی کرده می تواند، ولی در کنوانسیون وین، مشخص شده است که سه مورد را رسیدگی کرده می تواند.

3- در فقه اسلامی لازم دیده شده است، در صورت که دیپلومات بخاطر دعاوی مدنی شان به محکمه مراجعه می کند، محکمه باید به این دعاوی شان رسیدگی نماید، ولی در کنوانسیون وین، بر بالای دیپلومات لازم دیده شده است، در صورت که دعاوی مدنی در سه مورد فوق الذکر می داشته باشد، باید به محکمه دولت پذیرنده مراجعه نماید.

فرع دوم: مصونیت قضائی از جهت عدم اهلیت آن

در صورت که یک شخص بالای دیپلومات در دولت پذیرنده دعاوی مدنی باز می کند، آیا محکمه دولت پذیرنده اهلیت رسیدگی به این دعوا را دارد و یاخیر؟ این موضوع را نخست از نگاه فقه اسلامی بررسی نموده، سپس از نگاه نظام حقوقی افغانستان مورد بررسی قرار می دهیم و در اخیر میان فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان مقایسه می نمایم:

1- حقوق دیپلماتیک، ص 362.

الف: دیدگاه فقه اسلامی در این مورد

از دیدگاه فقه اسلامی در صورت که مدعی یک شخص مسلمان است و بالای مدعی علیه (دیپلمات) دعوای مدنی باز می‌کند، بر بالای محکمه دولت پذیرنده لازم است تا به آن دعوا رسیدگی نماید، ولی در صورت که مدعی شخص مسلمان نیست، با آن هم محکمه می‌تواند با آن رسیدگی کند.⁽¹⁾

طور که الله متعال می‌فرماید: **{وَأَنِ احْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ}**.⁽²⁾

ترجمه: و باید در میان آنها (اهل کتاب) طبق آنچه الله نازل کرده حکم کنی و از هوسهای آنان پیروی مکن.

وجه استدلال از آیه: در این آیه الله متعال پیامبر صلی الله علیه وسلم را دستور داده است، تا مطابق آنچه که الله متعال نازل نموده است، میان اهل کتاب حکم و فیصله نماید و این آیه مطلق است، شامل مستأمن و غیر مستأمن می‌گردد.⁽³⁾

ب: دیدگاه نظام حقوقی افغانستان در این مورد

از نگاه قواعد روابط بین الملل که افغانستان هم جز آن است، محکمه دولت پذیرنده نمی‌تواند به دعوای مدنی اشخاص که بر بالای دیپلمات ها دعوا باز می‌کند، رسیدگی نماید، زیرا اهلیت آن را ندارد، بنابراین، اگر مسئولیت مدنی نبود، افراد عادی با مطرح کردن دعوای، هر زمان که می‌خواستند، می‌توانستند موجب گرفتاری فکری یا شغلی عضو نمایندگی شده و از آزادی او بکاهند و او را بدین وسیله از انجام وظایفش باز دارند و حتی ممکن بود، به منظورهای خاص و بطور مستقیم وسیله هراس و تهدید او را فراهم آورند.⁽⁴⁾

سه مورد استثناء هم که در ماده 31 بند اول، کنوانسیون وین، ذکر شده، برای حفظ منافع و افراد ساکن در کشور پذیرنده است که در صورت تعدی و تجاوز دیپلمات به حقوق آنان، در زمینه اموال غیر منقول، ارث و امور تجاری، بتوانند به محاکم محلی توسل جسته و احقاق حق نمایند، بدون آن که مأمور دیپلماتیک

¹- بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج 2 ص 311 – 312.

²- {المائدة، آیه 49}.

³- بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج 2 ص 311.

⁴- حقوق دیپلماتیک، ص 363.

بتواند در زیر سپر مسئولیت پنهان شود، در غیر از سه مورد مذکور، مأمور دیپلماتیک از مسئولیت مدنی، حتی در مورد قراردادهای خصوصی نیز از مسئولیت برخوردار است.⁽¹⁾

ولی مدعی می‌تواند از طریق وزارت خارجه دولت متبوع خود به وزارت خارجه کشور فرستنده شکایت کند و یا آنکه مستقیماً به دادگاه‌های صلاحیت دار کشور فرستنده متوسل گردد و با ارائه مدارک و اسناد، احقاق حق کند.⁽²⁾

اما اگر مأمور دیپلماتیک که از مسئولیت مدنی برخوردار است، خود علیه کسی اقامه دعوا نماید، نمی‌تواند در برابر دعاوی متقابل که با دعاوی اصلی ارتباط دارد، به مسئولیت خود متوسل شود (ماده 32 بند سوم کنوانسیون وین) انصراف از مسئولیت اعضاء، ممکن است از طرف شخص رئیس مأموریت و یا مستقیماً از طرف دولت فرستنده، اظهار شود.⁽³⁾

ج: مقایسه میان فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان در این مورد

با مقایسه و بررسی میان فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان، دیده می‌شود که هر دو در این موضوع با هم دیدگاه متفاوت دارند، که قرار ذیل است:

1- فقه اسلامی تصریح نموده است، محکمه دولت پذیرنده می‌تواند به تمام دعاوی مدنی که علیه دیپلمات صورت می‌گیرد، رسیدگی نماید، ولی کنوانسیون وین، این موضوع را نسبی دانسته و جز در سه مورد، در بقیه موارد محکمه دولت پذیرنده را از رسیدگی به دعاوی علیه دیپلمات ممنوع کرده است.

2- در نظام حقوقی دیپلماتیک، تذکر رفته است، هر شخص که علیه دیپلمات دعاوی مدنی دارد، می‌تواند از طریق وزارت خارجه دولت متبوع خود به وزارت خارجه کشور فرستنده شکایت کند و یا آنکه مستقیماً به دادگاه‌های صلاحیت دار کشور فرستنده متوسل گردد و با ارائه مدارک و اسناد، احقاق حق کند، ولی این موضوع در فقه اسلامی تذکر نرفته است.

¹- حقوق دیپلماتیک، ص 364.

²- همان مرجع، ص 365.

³- همان مرجع، ص 364.

مطلب دوم: دیدگاه‌ها در مورد مصونیت قضائی مدنی دیپلمات‌ها

دیپلمات‌ها بشکل مطلق تا شروع قرن هفدهم میلادی، از مصونیت قضائی که شامل مصونیت قضائی جزائی، مدنی و اداری می‌گردید، برخوردار بودند و عرف هم این موضوع را به همین شکل تایید نموده بود و بعضی از کشورها هم این موضوع را در قوانین داخلی شان درج نموده بودند.⁽¹⁾

سپس در شروع قرن هفدهم میلادی، مصونیت قضائی مدنی مورد اختلاف میان کشورها قرار گرفت، بعضی از کشورها مصونیت قضائی مدنی دیپلمات‌ها را یک چیزی غیر ضروری دانستند و این مصونیت را برای دیپلمات‌ها چه در کار رسمی و چه در کار غیر رسمی ملغی نمودند، اما بعضی از کشورهای دیگر این مصونیت را مقید به وظایف رسمی دانستند و برای وظایف غیر رسمی ملغی نمودند، ولی بعضی از کشورهای دیگر این مصونیت را مطلقاً ضروری دانستند، چه در اعمال رسمی و چه در اعمال غیر رسمی، برای وضاحت این دیدگاه‌ها، ضرورت است تا هر دیدگاه بشکل خلاصه معرفی گردد:

فرع اول: عدم اعتراف به مصونیت قضائی مدنی

تا قرن هفدهم دیپلمات‌ها از مطلق مصونیت قضائی که شامل جزائی، مدنی و اداری می‌گردید، برخوردار بودند، سپس در شروع قرن هفدهم این موضوع میان کشورها مورد اختلاف قرار گرفت، بنابراین، بعضی از کشورهای اروپایی مصونیت قضائی مدنی را برای دیپلمات‌ها خلاف عدل و قانون خواندند، مثلاً کشور اسپانیه در سال 1732م، دیپلمات‌ها را از مصونیت قضائی مدنی محروم نموده و آنرا مخالف عدل و قانون طبیعی خواند.⁽²⁾

¹- علی حسین الشامی، الدبلماسی، نشأتها و تطورها و قواعدها و نظام الحصانات والامتيازات الدبلماسیة، دار الثقافة للنشر و التوزیع، بیروت،

2011م، ص 552.

²- مواسی و اعلى بکیر، الحصانة القضائية المدنی للمبعوث الدبلماسیة، مذكرة لنیل شهادة الماجستير، فرع قانون دولی و علاقات دولية، جامعة

الجزائر، 2014 - 2015م، ص 32.

به همین شکل حکومت بریتانیه در سال 1708م، مسئولیت قضائی مدنی را برای دیپلمات ها رسماً نشناخت، از همین جهت دیپلمات روسی (demalitove) را که از بعضی تجاران لندن قرضدار بود، در محکمه حاضر کرده و خواهان پرداخت قروض تجاران از او گردید.⁽¹⁾

اما ایالت متحده امریکا در عمل شان تطبیق نمودند که دیپلمات های خارجی از مسئولیت قضائی مدنی برخوردار نیستند، به همین شکل دیپلمات های که به کشورهای دیگر روان می کند، نیز از این مسئولیت برخوردار نیستند، بنابراین، در امریکا اگر دیپلمات دچار دعاوی مدنی می گردد، محاکم حاضر در آنجا فوراً در قضیه رسیدگی می کنند.⁽²⁾

اما کشور اسلامی مصر در سال 1901م، میان وظایف متعلق به کارهای دیپلماتی و کارهای خارج از آن، تمییز و فرق قایل گردید، از همین جهت در کارهای متعلق به وظایف رسمی دیپلمات، مسئولیت قضائی مدنی قایل گردید و در کارهای خارج از وظایف رسمی مسئولیت قضائی مدنی را لغو نمود.⁽³⁾

خلاصه معلوم گردید که اغلب کشورهای خارجی و حتی کشورهای عربی مسئولیت قضائی مدنی دیپلمات ها را تا پس از صدور حکم رسمی، به رسمیت نمی شناختند، صدور حکم رسمی در کنوانسیون وین که در سال 1961 م صورت گرفت، راجع به مسئولیت قضائی مدنی صراحتاً حکم داد که باید دیپلمات از این امتیاز برخوردار گردد و این حکم بعد از آن تاریخ تا امروز مورد اعتبار و اعتماد تمام کشورهای که اعضای سازمان ملل هستند، لازم الاجراء قرار گرفت، ولی با آن هم در بعضی از قضایای مدنی، بعضی از کشورهای که تذکر رفت، تا امروز این حکم را نقض می کنند.⁽⁴⁾

فرع دوم: مسئولیت قضائی مدنی مقید

در پایان قرن نوزدهم، پس از آن که تعداد زیادی از دیپلمات ها برای انعقاد معاملات تجاری و مالی و معاهدات غیر مرتبط با مأموریت های شان، در کشور پذیرنده اقدام نمودند، دولت ها شروع به عقب نشینی از اصل مسئولیت قضائی مدنی مطلق کردند، تا تمام اختلافات که ناشی از معاملات تجاری، مالی و

¹- همان مرجع، ص 32.

²- الحصانة القضائية المدنية للمبعوث الدبلوماسیة، ص 33.

³- فؤاد عبدالمنعم ریاض، الحصانة القضائية للدولة، ملحق المجلد المصرية للقانون الدولي، رقم 19، 1963م، ص 55.

⁴- الحصانة القضائية المدنية للمبعوث الدبلوماسیة، ص 61.

معاهدات غیر مرتبط با مأموریت دیپلمات ها اند، مشمول صلاحیت محاکم دولت پذیرنده گردند، زیرا که اینها از جمله موارد هستند که در مصونیت قضائی مدنی مستثنی هستند تا از آنچه که برای دیپلمات ها تعیین شده اند، تجاوز نکنند، بخاطری که نماینده های دیپلماتیک وظایف و مسئولیت های شان را بشکل کامل و درست انجام دهند. (1)

اکثر اکادمی های علمی بین المللی که از اواخر قرن نوزدهم شروع به کار کرده اند، درین امر سهیم بوده اند که در پیش نویس قوانین آنها اصل محدودیت معافیت از صلاحیت مدنی به استثنای بعضی از قوانین از این معافیت مقرر شده است. (2)

بنابراین در سال 1929م، اکادمی های علمی بین المللی در جلسه شان در نیویوراک تصمیم گرفتند که دیپلمات ها از کارهای تجاری، مالی و مسائل شخصی مدنی شان، معافیت از محکمه مدنی را ندارند. (3) از همین جهت ماده 32 فقره (3) کنوانسیون 1961 وین چنین تصریح می کند: در صورت اقامه دعوی از طرف مامور دیپلماتیک یا شخصی که بر طبق ماده 37 از مصونیت قضائی بهره مند است، استناد به مصونیت قضائی در قبال دعاوی متقابل که مستقیماً با دعاوی اصلی ارتباط دارد - پذیرفته نخواهد بود. خلاصه نظر به این دیدگاه که کنوانسیون 1961 وین نیز تایید نموده است، مصونیت قضائی مدنی دیپلمات ها مطلق نبوده، بلکه مقید به مأموریت شان می باشند، در صورتی که بکارهای مدنی غیر از وظایف شان دست می زنند، مصئون نمی باشند.

فرع سوم: مصونیت قضائی مدنی مطلق

دیدگاه بر لزوم اعطای مصونیت قضائی مدنی مطلق به نماینده دیپلماتیک، در نتیجه انتقادات وارده به دو نظریه قبلی (عدم اعتراف به مصونیت قضائی مدنی و مصونیت قضائی مدنی مقید) چه از منظر کار رسمی و چه از منظر کار خصوصی، وجود داشته است. برابر است نماینده دیپلماتیک، وظیفه خود را به شیوه صحیح یا بدون صحیح انجام دهد. زیرا با توجه به اینکه مصونیت قضائی از نتایج آزادی کار و

1- همان مرجع، ص 62.

2- الحصانة القضائية المدنية للمبعوث الدبلوماسیة، ص 36.

3- الحصانة القضائية للمبعوث الدبلوماسیة، ص 66.

عمل است که باید در اختیار نماینده دیپلماتیک قرار گیرد و هم این کار یک نوع حمایت از اصل حاکمیت دولت پذیرنده است.⁽¹⁾

قوه قضاییه انگلیس تصمیم گرفت که نماینده دیپلماتیک را به محکمه جزائی و مدنی محلی تحویل ندهد. اما قوه قضائیه فرانسه مسئولیت قضائی مدنی مطلق را به نماینده دیپلماتیک تایید نمود و این اعتبار را وحدتی بدون تجزیه دانست و میان اعمال رسمی و شخصی دیپلمات فرق قایل نگردید.⁽²⁾

اگرچه این نظریه از امن ترین نظریه ها به شمار می رود، اما بدلیل ضمانت های گسترده که برای نماینده دیپلماتیک در نظر گرفته شده است، به او کمک می کند تا وظایف رسمی و شخصی خود را بشکل واضح و کامل انجام دهد، بدون اینکه در معرض احتمال متهم شدن به ارتکاب بعضی از موارد باشد، اقداماتی که به اعتبار کشورش در استفاده از این مسئولیت لطمه می زند که ممکن است بعضی را به ترس براند.⁽³⁾

مطلب سوم: موقف فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان درباره مسئولیت قضائی مدنی دیپلمات ها

در این مطلب نخست موقف فقه اسلامی را راجع به مسئولیت قضائی مدنی دیپلمات ها بیان نموده، سپس موقف نظام حقوقی افغانستان را در این باره واضح ساخته و در اخیر میان هر دو مقایسه می نمایم:

الف: موقف فقه اسلامی درباره مسئولیت قضائی مدنی دیپلمات ها

در فقه اسلامی، چنانچه مأمور دیپلماتیک به فعالیت های تجاری یا حرفه ای بپردازد، شامل مسئولیت قضائی مدنی نمی گردد، یعنی اقدام به اعمال تجاری یا فعالیت حرفه ای آزاد با هیچ یک از مبانی مورد قبول فقه اسلامی سازگاری ندارد، این همان مطلبی است که امام ابویوسف رحمه الله می نویسد: شخص سفیر، اموال، اسلحه و اثاثیه ای که با خود به همراه دارد، از تعرض مصئون است، مگر اموال خاص که

1- علی صادق ابوهیف، القانون الدبلوماسی، منشأة المعارف الاسكندرية، مصر، 1973م، ص 188.

2- الحصانة القضائية للمبعوث الدبلوماسیة، ص 67.

3- الحصانة القضائية للمبعوث الدبلوماسیة، ص 68.

به قصد تجارت وارد کند، که در آن صورت مأمور گمرک از وی دریافت می‌گردد، از فرستاده امپراتور روم و دارنده امان گمرک گرفته نمی‌شود، مگر آن دو مال التجاره با خود به همراه آورند.⁽¹⁾

پس دانسته شد که در فقه اسلامی، نمایندگان و سفیران از مسئولیت قضائی مدنی کامل و مطلق برخوردار نیست، بلکه این مسئولیت محدود و منحصر به مأموریت رسمی شان است و در صورتی که به کارهای تجارتي و حرفه ای شخصی دست می‌زنند، در آن صورت از مسئولیت برخوردار نیستند.

ب: موقف نظام حقوقی افغانستان درباره مسئولیت قضائی مدنی دیپلمات ها

از اینکه نظام حقوقی افغانستان درین مورد از حقوق بین الملل گرفته شده است، در حقوق بین الملل: وظیفه اصلی مأمور دیپلماتیک آن است که در خدمت دولت فرستنده در روابط با دولت پذیرنده باشد، بنابراین نمی‌تواند به فعالیتهای تجاری، صنعتی یا مانند آن در محل مأموریت بپردازد، طوری که ماده 42 کنوانسیون 1961 وین در این باره مقرر می‌دارد: «مأمور دیپلماتیک در کشور پذیرنده فعالیت حرفه ای یا تجاری به قصد انتفاع شخصی نخواهد داشت».⁽²⁾

مطابق ماده 31 همین کنوانسیون، مسئولیت مدنی واداری در «دعای مربوط به فعالیتهای حرفه ای یا تجاری که مأمور دیپلماتیک در خاک دولت پذیرنده و خارج از وظایف رسمی خود به آن اشتغال دارد» وجود ندارد.

ج: مقایسه میان فقه و نظام حقوقی افغانستان در این مورد

با مقایسه میان فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان در این مورد، معلوم گردید که هر دو در یک مورد با هم دیدگاه مشترک دارند و در یک مورد از هم افتراق دارند:

اول: دیدگاه مشترک: فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان مسئولیت قضائی مدنی دیپلمات ها را مقید به وظایف رسمی شان دانسته اند، در صورتی که دیپلمات ها به کارهای تجاری و حرفه ای مشغول می‌شوند، از مسئولیت مدنی و اداری بیرون می‌شوند.

¹- الخراج، ص 188.

²- کنوانسیون وین 1961، ماده (42).

دوم: دیدگاه افتراق: در فقه اسلامی برای دیپلومات اجازه داده شده است که به کارهای تجاری و حرفه ای بپردازند، ولی از مصئونیت خارج می شوند، اما در کنوانسیون 1961 وین، شخص دیپلومات را از انجام دادن کارهای تجاری و حرفه ای منع کرده است.

مطلب چهارم: موقف فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان از عفو مالیات از دیپلومات ها

در این مطلب هم نخست موقف فقه اسلامی را راجع به عفو مالیات از دیپلومات ها بیان نموده، سپس موقف نظام حقوقی افغانستان را در این باره واضح ساخته و در آخر میان هر دو مقایسه می نمایم:

الف: موقف فقه اسلامی از عفو مالیات از دیپلومات ها

احمد ابوالوفا رحمه الله دیدگاه فقه اسلامی را راجع به عفو مالیات از دیپلومات چنین تصریح کرده است:
اول: مأمور دیپلوماتیک از پرداخت مالیات و عوارضی که دولت اسلامی بر فعالیت های تجاری وضع می کند، معاف نیست.

دوم: مأمور دیپلوماتیک چنانچه به فعالیت های تجاری بپردازد، نه تنها از مقررات اسلامی مربوط به فعالیت های تجاری (مانند مقررات واردات و صادرات) معاف نخواهد بود، بلکه با ممنوعیت خاص واردات و صادرات برخی از اشیاء و تولیدات نظیر سلاح و پوست رو به رو است.

سوم: فرستاده از پرداخت مالیات و عوارضی نسبت به اموال غیر تجاری که به همراه دارد، معاف است.⁽¹⁾

ب: موقف نظام حقوقی افغانستان از عفو مالیات از دیپلومات ها

از اینکه نظام حقوقی افغانستان درین مورد از حقوق بین الملل گرفته شده است، در حقوق بین الملل راجع به این موضوع، در ماده 34 کنوانسیون وین چنین تصریح به عمل آمده است: «مأمور دیپلوماتیک از پرداخت کلیه مالیات ها و عوارض شخصی یا مالی، کشوری یا منطقه ای یا شهری معاف است، مگر در موارد زیر:

اول: مالیات های غیر مستقیم که معمولاً جزء قیمت اموال یا خدمت محسوب می شود.

¹- حقوق دیپلوماتیک (رہیافت اسلامی)، ص 254.

دوم: مالیات ها و عوارض اموال غیر منقول خصوصی واقع در سرزمین دولت پذیرنده، جز در مواردی که مأمور دیپلوماتیک آن را از طرف دولت فرستنده برای مقاصد نمایندگی در تصرف داشته باشد.

سوم: مالیات بر ارث که از طرف دولت پذیرنده دریافت می گردد.

چهارم: مالیات و عوارض مأخوذه از درآمدهای خصوصی به دست آمده، در دولت پذیرنده و همچنین مالیات بر سرمایه های بکار افتاده در بانکهای تجاری واقع در کشور پذیرنده.

پنجم: مالیات و عوارضی که از دستمزد در برابر انجام خدمات خاص حصول می شود.

ششم: هزینه های ثبت و دادرسی و رهن در مورد اموال غیر منقول.

ج: مقایسه میان فقه و نظام حقوقی افغانستان در این مورد

با مقایسه و بررسی میان فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان، دیده می شود که هر دو با هم در این مورد دیدگاه مشترک دارند، که خلاصه آن عبارت از این است: نمایندگان و مأموران دیپلوماتیک از اموال منقول و غیر منقول دیپلوماتیک معاف هستند، اما از اموال منقول و غیر منقول که ارتباط با دیپلوماتیک شان ندارند، بلکه مربوط کارهای شخصی خود شان هستند، معاف نمی باشند.

مطلب پنجم: مصونیت دیپلومات ها از ادای شهادت

در این مطلب هم نخست موقف فقه اسلامی را راجع به مصونیت دیپلومات ها از ادای شهادت بیان نموده، سپس موقف نظام حقوقی افغانستان را در این باره واضح ساخته و در آخر میان هر دو مقایسه می نمایم:

الف: موقف فقه اسلامی راجع به مصونیت دیپلومات ها از ادای شهادت

باید گفت شهادت و گواهی در فقه اسلامی یک امر مسلم و واجب است، طوری که الله متعال می فرماید:

{وَأَشْهِدُوا شَهِدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَ أَمْرَاتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ} (1)

ترجمه: و دو نفر از مردان (عادل) خود را (بر این حق) شاهد بگیرید! و اگر دو مرد نبودند، يك مرد و دو زن، از کسانی که مورد رضایت و اطمینان شما هستند، انتخاب کنید!.

1- {البقرة، آیه 282}.

بدیهی است که مأمور دیپلماتیک به هر صورتی که مایل است، شهادت می دهد، چه با حضور در محکمه یا از طریق نوشتن نامه یا پر کردن صدا و غیره، این روش ها را فقهاء اسلامی در مورد شهادت دادن جایز می دانند، به همین شکل شهادت دیپلمات مسلمان علیه مسلمان، شهادت دیپلمات مسلمان علیه غیر مسلمان را به اتفاق هم، فقهاء اسلامی جایز می دانند، ولی اختلاف بر این است که آیا سفیر و دیپلمات غیر مسلمان علیه مسلمان و غیر مسلمان شهادت داده می تواند و یاخیر؟ در این مورد فقهاء اسلامی اختلاف نموده اند، که تفصیل این اختلاف قرار ذیل است:

قول اول: قول احناف است، آنها می گویند: شهادت ذمی بر ذمی دیگر، گرچند دین شان مختلف باشد و

شهادت حربی بر امثال شان جایز است و اما شهادت کافر بر مسلمان جایز نیست.⁽¹⁾

دلایل قول اول، قرار ذیل اند:

1- الله متعال می فرماید: **{وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ}**.⁽²⁾ ترجمه: و آنها که کافر شدند اولیاء

(و یاران و مدافعان) یکدیگرند.

وجه استدلال از آیه: مراد از «اولیاء» در این آیه، ولایت است، دلیل بر این سخن آن است، که نکاح کفار در مابین شان صحیح است، در حالی که نکاح بدون ولایت درست نیست، از همین جهت شخص مسلمان وقتی که از مرد کتابی دخترش را خواستگاری نماید، سپس این مرد کتابی دخترش را به ازدواج مرد مسلمان بدهد، نکاحش درست است، پس شهادت دادن هم از جمله ولایت است.⁽³⁾

2- به همین شکل ضرورت احساس می گردد که برخی کفار بر برخی دیگرشان شهادت دهند، طوری

که سرخسی رحمه الله می نویسد: (وَمِنْ ضَرُورَةٍ جَوَازِ حُكْمِ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ وَالسَّلْفُ - رَحْمَهُمُ اللَّهُ - كَانُوا مُجْمِعِينَ عَلَى هَذَا).⁽⁴⁾

ترجمه: از جمله ضرورت جواز داوری بعض کفار بر بعض شان است، سلف رحمهم الله بر این مورد اجماع دارند.

3- همچنان کفار از اهل ولایت بر خود و مال شان هستند، بنابراین از اهل ولایت بر دیگران هم هستند

¹- البحر الرائق شرح كنز الدقائق، ج 7 ص 102، 104. المبسوط، ج 16 ص 133، 135.

²- {الانفال، آیه 73}.

³- المبسوط، ج 16 ص 135.

⁴- همان مرجع، ج 16 ص 135.

– وقتی که شرط تعدی ولایتش بر غیر احساس می گردد – و شهادت نوع از ولایت است. (1)
ولی بر بالای مسلمان شهادت داده نمی توانند، زیرا الله متعال می فرماید: **{وَأَسْتَشْهَدُوا شَهِيدِينَ مِنْ رِجَالِكُمْ}**. (2) ترجمه: و دو نفر از مردان (عادل) خود را (بر این حق) شاهد بگیرید!.
وجه استدلال از آیه: درین آیه الله متعال به مسلمانان دستور داده است، تا از خودشان شاهد قرار دهند.

قول دوم: قول فقهاء مالکی، شافعی و حنبلی هستند، آنها می گویند: شهادت کفار بر مسلمان و غیر مسلمان جایز نیست، مگر در یک صورت شهادت کافر بر مسلمان جایز است و آن اینکه وصیت باشد و این وصیت در حالت سفر باشد. (3)
دلایل شان قرار ذیل اند:

1- الله متعال می فرماید: **{وَأَسْتَشْهَدُوا شَهِيدِينَ مِنْ رِجَالِكُمْ}**. (4) ترجمه: و دو نفر از مردان (عادل) خود را (بر این حق) شاهد بگیرید!.

همچنان الله متعال می فرماید: **{وَأَشْهَدُوا نَوِي عَدْلٍ مِنْكُمْ}**. (5) ترجمه: و دو مرد عادل از خودتان را گواه بگیرید.

وجه استدلال از هر دو آیه: درین دو آیه به صراحت گفته شده است، که شاهد باید از خود مسلمانان و عادل باشد و کافر نه مسلمان است و نه عادل، بنابراین شهادت شان قابل قبول نیست.

2- همچنان خطیب الشریبینی رحمه الله می نویسد: **{وَلِأَنَّهُ أَفْسَقُ الْفَسَاقِ وَيَكْذِبُ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى، فَلَا يُؤْمَنُ الْكُذِبُ مِنْهُ عَلَى خَلْقِهِ}**. (6)

ترجمه: و اینکه کفار فاسق ترین فساق هستند و بر الله متعال دروغ و افتراء را نسبت می دهند، بنابراین احساس امن از کفار در قسمت دروغ بستن بر مخلوق الله متعال کرده نمی شود.

1- المبسوط، ج 16 ص 135.

2- {البقرة، آیه 282}.

3- مواهب الجلیل لشرح مختصر الخلیل، ج 6 ص 150. أسنى المطالب في شرح روض الطالب، ج 4 ص 339. مغني المحتاج إلى معرفة معاني ألفاظ المنهاج، ج 6 ص 339. المغني، ج 12 ص 53.

4- {البقرة، آیه 282}.

5- {الطلاق، آیه 2}.

6- مغني المحتاج إلى معرفة معاني ألفاظ المنهاج، ج 6 ص 339.

3- ولی شهادت کافر بر مسلمان در قسمت وصیت در سفر جایز است، زیرا الله متعال می فرماید: **{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنْكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِّنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ صَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةُ الْمَوْتِ}**.⁽¹⁾

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید هنگامی که مرگ یکی از شما فرا رسد در موقع وصیت باید دو نفر عادل را از میان شما به شهادت بطلبید، یا اگر مسافرت کردید و مرگ شما را فرا رسد (و در راه مسلمانی نیافتید) دو نفر از غیر شما.

وجه استدلال از آیه: در این آیه بوضوح معلوم شده است، در صورت که شخص مسلمان مسافر بود و مرگش فرا رسید و در راه مسلمانی را نیافت، دو نفر از غیر مسلمان را در وصیتش شاهد قرار دهد.

قول راجح: بعد از تحقیق و بررسی میان هر دو قول، به نظر می رسد که قول اول، یعنی قول احناف راجح است، به چند دلیل:

1- در این قول یک نوع سهل و آسانی است، زیرا اگر کفار صلاحیت هیچ نوع شهادت را نداشته باشند، پس در قسمت معاملات و دیگر مسایل شان از کجا شخص مسلمان را پیدا کنند و شاهد قرار دهند.

2- عرف امروزی نشان می دهد که کفار در میان خود شان شاهد قرار گرفته می توانند.

3- این مسئله مورد اتفاقی فقهاء اسلامی است که کفار صلاحیت ولایت را بر خود شان دارند، یک نوع ولایت همین شهادت است.

4- و در آیات که نسبت شهادت را به مسلمانان داده و یا عدالت را شرط شهادت قرار داده است، این شهادت در معاملات و مسایل خود مسلمانان است و این مورد اتفاق است که کفار علیه مسلمان شاهد قرار گرفته نمی توانند.

خلاصه مشخص گردید که کفار بشمول دیپلومات های شان بر همدیگر شان شاهد قرار گرفته می توانند، ولی بر علیه مسلمانان شاهد قرار گرفته نمی توانند.

¹ - {المائدة، آیه 106}.

حالا آیا دیپلومات ها در ادای شهادت مصئونیت دارند و یا اینکه بر ادای شهادت، آنها اجبار کرده می شوند، درین مورد ابن حزم ظاهری⁽¹⁾ رحمه الله می نویسد: (وَأَدَاءُ الشَّهَادَةِ فَرَضٌ عَلَى كُلِّ مَنْ عَلِمَهَا، إِلَّا أَنْ يَكُونَ عَلَيْهِ حَرَجٌ فِي ذَلِكَ لِبُعْدِ مَشَقَّةٍ، أَوْ لِتَضْيِيعِ مَالٍ، أَوْ لِضَعْفِ فِي جِسْمِهِ، فَلْيُعْلِنَهَا فَقَطُّ. قَالَ تَعَالَى: وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا فَهَذَا عَلَى عُمُومِهِ إِذَا دُعُوا لِلشَّهَادَةِ، أَوْ دُعُوا لِأَدَائِهَا. وَلَا يَجُوزُ تَخْصِيصُ شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ بِغَيْرِ نَصٍّ، فَيَكُونُ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ قَائِلًا عَلَى اللَّهِ تَعَالَى مَا لَا عِلْمَ لَهُ بِهِ.)⁽²⁾

ترجمه: ادای شهادت برای کسی که از مشهود به آگاهی دارد فرض است، مگر آنکه برای وی حرجی باشد و چنانچه ادای شهادت باعث گرفتاری، یا از دست دادن مال و یا ضعف بدنی گردد، در آن صورت فقط به اعلان بسنده شود، الله متعال می فرماید: {وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا}.⁽³⁾ ترجمه: هر گاه، شهود را (برای تحمل شهادت) دعوت کنند، خود داری ننمایند. عموم آیه دعوت به شهادت یا ادای شهادت است و تخصیص عام بدون نص جایز نیست. آن که چنین کند به الله متعال چیزی نسبت داده که در مورد آن علم ندارد.

خلاصه: احمد ابوالوفا رحمه الله می نویسد: بر سفیر مسلمان ادای شهادت واجب است، ولی شکل خاصی از آن تحمیل نمی شود.⁽⁴⁾

ب: موقف نظام حقوقی افغانستان راجع به مصئونیت دیپلومات ها از ادای شهادت

از اینکه نظام حقوقی افغانستان بر گرفته از حقوق بین الملل است، حقوق بین الملل در زمینه، طوری که

¹- ابن حزم ظاهری (384 - 456 هـ = 994 - 1064 م)، علي بن أحمد بن سعيد بن حزم ظاهري، أبو محمد یکی از علماء و فقیه مشهور در اندلس بود و یکی از امامان اسلام به شمار می رود، در اندلس مردم زیاد به مذهب که «حزمیه» است منسوب می شوند، در قرطبه متولد گردید و در اندلس وفات نمود، دارای تالیفات زیاد است از جمله: الفصل في الملل والأهواء والنحل، المحلى في فقه، جمهرة الأنساب، الناسخ والمنسوخ وغيره. أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر أبو الفضل العسقلاني (المتوفى: 852هـ)، لسان الميزان، المحقق: دائرة المعارف النظامية - الهند، الناشر: مؤسسة الأعلمي للطبوعات بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية، 1390هـ/1971م، ج 4 ص 198 - 199.

²- علي بن أحمد بن سعيد بن حزم الأندلسي القرطبي الظاهري، أبو محمد (المتوفى: 456هـ)، المحلى، الناشر: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت، ج 9 ص 429.

³- {البقرة، آیه 282}.

⁴- حقوق دیپلوماتیک (رهیافت اسلامی)، ص 308.

ماده 31 فقره (3) آن چنین تصریح نموده است: «مأمور دیپلماتیک مجبور به ادای شهادت نیست».⁽¹⁾ از این فقره دانسته شد که مأمور دیپلماتیک حق صلاحیت ادای شهادت را دارد، ولی مجبور به ادای آن نیست.

ج: مقایسه میان فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان در این مورد

با مقایسه و بررسی میان فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان، دیده می شود که هر دو در این مورد یک دیدگاه مشترک دارند و دیگر دیدگاه‌های افتراق، که تفصیل شان قرار ذیل است:

اول: دیدگاه مشترک: فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان، برای مأمور دیپلماتیک صلاحیت شهادت را داده اند.

دوم: دو دیدگاه افتراق: قرار ذیل اند:

- 1- فقه اسلامی شهادت را لازم و واجب دانسته است، ولی شکل خاصی از آن را تحمیل ندانسته، ولو که مأمور دیپلماتیک هم باشد، باید شهادتش را بدهد، ولی کنوانسیون وین، تصریح نموده است، که مأمور دیپلماتیک به شهادت دادن اجبار نشود.
- 2- فقه اسلامی تصریح نموده است، که کفار بر همدیگر شان شهادت داده می توانند، ولی بر مسلمانان شهادت داده نمی توانند، این موضوع در نظام حقوقی افغانستان تصریح نشده است، بلکه بشکل عام تذکر رفته است.

¹- کنوانسیون وین 1961م، ماده (31).

مبحث دوم

مصنوعیت قضائی جزائی

مصنوعیت جزائی از مهم ترین نتایج مصنوعیت قضائی محسوب می شود، بنابراین، در این مبحث مطالب ذیل بحث می گردد:

مطلب اول: صفات مصنوعیت قضائی جزائی

مطلب دوم: دیدگاه راجع به مصنوعیت قضائی جزائی

مطلب اول: صفات مصنوعیت قضائی جزائی

صفات مصنوعیت قضائی جزائی از مصنوعیت قضائی مدنی در محاکم محلی متفاوت می باشد، که تفصیل شان قرار ذیل است:

الف: مصنوعیت قضائی جزائی مقید در محدوده قانون جزا است: یعنی مصنوعیتی را که سفیر و مأمور دیپلماتیک در عرصه جزائی استفاده می کند، در محدوده قانون است، در صورتی که مأمور دیپلماتیک فراتر از محدوده قانون درین عرصه تعدی و تخطی می کند و یا اینکه از مأموریت دیپلماتیک خلاص

می شود، در آن صورت از مسئولیت قضائی جزائی خارج و بیرون شده و مسئولیت خود را از دست می دهد.⁽¹⁾

ب: مسئولیت قضائی جزائی یک مانع از موانع جزا است: یعنی مأمور دیپلماتیک مسئولیت قضائی جزائی دارد و این بخاطر دیپلمات و سفیر بودنش می باشد، از همین جهت پیامبر صلی الله علیه وسلم به نمایندگان و سفیران مسلمین کذاب فرمود: «وَاللَّهِ لَوْلَا أَنَّ الرُّسُلَ لَا تُقْتَلُ لَضَرَبْتُ أَعْنَاقَكُمْ». ⁽²⁾

ترجمه: آگاه باشید! به الله قسم، اگر نه این است که فرستادگان کشته نمی شوند، شما را گردن می زدم.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث دیده شد که فرستادگان مسلمین کشته نمی شوند، به دلیل وجود این قاعده که به فرستادگان نباید تعرض کرد و نباید فرستادگان را جزا داد، بخاطر مسئولیت قضائی جزائی شان.

ج: مسئولیت جزائی یک محدودیت در صلاحیت قضائی است: یعنی مسئولیت جزائی را که نماینده و مأمور دیپلماتیک از آن برخوردار است، محدودیت صلاحیت قضائی تلقی می شود، به طوری که جرایم ارتكابی توسط دیپلمات خارج از صلاحیت محاکم کشور پذیرنده است و بحث از حدود و حدود این مسئولیت در قانون جزا نیست، اما در محدوده قانون دادرسی قرار می گیرد. بنابراین، این یک استثنا از قاعده قوانین جزائی منطقه نیست، بلکه یک امر استثنا از صلاحیت قوه قضائی است.⁽³⁾

مطلب دوم: دیدگاه در مورد مسئولیت قضائی جزائی

نخست این موضوع را از دیدگاه فقه اسلامی مورد بررسی قرار داده، سپس از دیدگاه نظام حقوقی افغانستان و در اخیر میان هر دو دیدگاه مقایسه می نمایم:

الف: دیدگاه در مورد مسئولیت قضائی جزائی از نگاه فقه اسلامی

¹- الحصانة الدبلوماسية للمبعوث الدبلوماسي، ص 170.

²- سنن أبي داود، رقم الحديث 2761. ألبانی رحمه الله این حدیث را صحیح می داند. صحیح وضعیف سنن أبي داود، رقم الحديث 2761.

³- الحصانة الدبلوماسية للمبعوث الدبلوماسي، ص 184.

درین مورد دو دیدگاه در فقه اسلامی وجود دارد، اول: مصئونیت قضائی جزائی مقید و نسبی. دوم: عدم مصئونیت قضائی جزائی مطلق و غیر نسبی، که تفصیل هر کدام شان قرار ذیل است:

دیدگاه اول: مصئونیت قضائی جزائی مقید و نسبی: امام ابوحنیفه و محمد رحمهما الله می گویند:

مصئونیت قضائی جزائی برای سفیران و نمایندگان سیاسی نسبی و مقید است، یعنی کسی که در کشور اسلامی مشغول انجام مأموریت است و به طور موقت و به اذن دولت اسلامی وارد آنجا می شود، مصئونیت قضائی جزائی بشکل نسبی دارد، پس مستأمن (سفیر و نماینده دیپلماتیک) ملتزم به تمام احکام اسلام نیست و تنها در مورد جرایم حق الناس مانند قذف یا مستلزم قصاص، تعقیب جزائی می شود، بنابراین در خصوص ارتکاب جرم حق الله و حتی جرم سرقت، که جنبه حق الهی آن غلبه دارد، تعقیب جزائی نمی شوند.⁽¹⁾

دلیل امام ابوحنیفه و محمد رحمهما الله را امام مرغینانی⁽²⁾ رحمه الله چنین نقل نموده است: (أنه ما دخل للقرار بل لحاجة كالتجارة ونحوها فلم يصر من أهل دارنا ولهذا يمكن من الرجوع إلى دار... وإنما التزم من الحكم ما يرجع إلى تحصیل مقصوده وهو حقوق العباد... والقصاص وحد القذف من حقوقهم).⁽³⁾

ترجمه: مستأمن برای ماندن در سرزمین اسلام داخل نشده است، بلکه از جهت ضرورت و نیازمندی مانند تجارت و امثال آن (مثل مأموریت دیپلماتیک) داخل شده است، بنابراین از اهل دیار و سرزمین ما محسوب نمی گردد، از همین جهت ممکن است که به دارالحرب بر گردد. پس مستأمن مکلف و ملتزم به حکم است که برای حصول مقصودش بر می گردد و آن حکم، حقوق العباد است و قصاص و حد قذف از جمله حقوق العباد است.

¹- العناية شرح الهداية، ج 5 ص 326. المبسوط، ج 9 ص 109.

²- مرغینانی: (530 - 593 هـ = 1135 - 1197 م)، علي بن أبي بكر بن عبد الجليل، فرغاني، مرغینانی، أبو الحسن، برهان الدين، یکی از بزرگان فقهای احناف به شمار می رود، از قریه مرغینان فرغانه می باشد، یک شخص حافظ، مفسر، محدث و فقیه به شمار می رفت، دارای تالیفات کثیره است از جمله: بداية المبتدي فی الفقه، الهداية فی شرح البداية، منتقى الفروع، الفرائض، التجنیس والمزید فی الفتاوی، مناسك الحج و مختارات النوازل. الفوائد البهية فی تراجم الحنفية، ص 141. الجواهر المضیة فی طبقات الحنفية، ج 1 ص 383.

³- الهداية شرح بداية المبتدي، ج 2 ص 103.

دیدگاه دوم: عدم مصئونیت قضائی جزائی بشکل مطلق و غیر نسبی: جمهور فقهاء اسلامی به شمول مالکی ها، شافعی ها، حنبلی ها و امام ابویوسف از مذهب احناف، می گویند: مستأمنین (به شمول سفیران و نمایندگان سیاسی) نسبت به جرایم ارتكابی، مصئونیت قضائی جزائی ندارند.⁽¹⁾

دلایل شان: امام ابویوسف رحمه الله دلیل خود را در این مورد چنین نقل کرده است: (أن المستأمن التزم أحكامنا مدة مقامه في دارنا في المعاملات كما أن الذمي التزمها مدة عمره ولهذا يحد حد القذف ويقتل قصاصاً...)⁽²⁾.

ترجمه: شخص مستأمن احکام ما را در مدت که اقامت در دیار ما بخاطر معاملات دارد، لازم گرفته است، همان طوری که شخص ذمی در مدت عمرش احکام ما را لازم گرفته، از همین جهت حد قذف زده می شود و قصاصاً کشته می شود.

همچنین امام بغوی⁽³⁾ رحمه الله می نویسد: (أما المستأمن: ... إذا سرق مال مسلم أو ذمي أو معاهد-: يقطع، لأنه لصيانة المال؛ فيتعلق بحق الأدمي؛ كما يستوفي القصاص؛ لأنه لصيانة النفوس، وحد القذف؛ لأنه لصيانة العرض)⁽⁴⁾.

ترجمه: اما مستأمن: وقتی که مال مسلمان، ذمی و یا معاهد را سرقت کند، دستش قطع می شود، بخاطری که مال مصئون گردد و این کار به حق آدمی تعلق و ارتباط می گیرد، همان طوری که از مستأمن قصاص گرفته می شود، زیرا قصاص گرفتن برای مصئونیت نفوس است و حد قذف بر مستأمن تطبیق می شود، از جهت مصئونیت عرض و آبرو.

1- الرد المحتار على الدرالمختار، ج 3 ص 249. شرح مختصر خليل للخرشي، ج 8 ص 6. الأم، ج 6 ص 37 - 38. كشاف القناع، ج 5 ص 524.

2- الهداية شرح بداية المبتدي، ج 2 ص 103.

3- بَغْوِي: (436 - 510 هـ = 1044 - 1117 م)، حسين بن مسعود بن محمد، فراء، يا ابن الفراء، أبو محمد، ملقب به محيي سنّة، بغوي: امام در تفسير، حديث، فقه و در مذهب شافعی بود، نسبش به بغوی است و آن قریه است میان هرات و مرو، تالیفات زیاد دارد از جمله: التهذيب في فقه الشافعية، شرح السنة في الحديث، لباب التأويل في معالم التنزيل في التفسير، مصابيح السنة و الجمع بين الصحيحين وغيره، وفاتش به مرو رود شده است. طبقات الشافعيين، ج 1 ص 548. طبقات المفسرين للداودي، ج 1 ص 161.

4- الحسين بن مسعود بن محمد بن الفراء، محيي السنة، أبو محمد البغوي الشافعي (المتوفى: 516 هـ)، التهذيب في فقه الإمام الشافعي، المحقق: عادل أحمد عبد الموجود، علي محمد معوض، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت، الطبعة: الأولى، 1418 هـ - 1997 م، ج 7 ص 529.

قول راجح: بعد از تحقیق و بررسی به نظر می رسد که قول دوم که قول جمهور فقهاء شامل مالکی ها، شافعی ها، حنبلی ها و امام ابو یوسف رحمهم الله است، راجح می باشد، به چند دلیل:

- 1- در کتاب الهی و سنت نبوی، شخص مستأمن و امثالهم از تطبیق حدود الهی مستثنا نشده اند.
- 2- در صورتی که بالای مستأمن حد الهی تطبیق نشود، این کار موجب تعطیلی حدود الهی در سرزمین های اسلامی می گردد و همچنان تعطیل حدود الهی حرام است، مگر آن که تعهدات را ذاتاً بی هیچ ملاحظه لازم الوفا به شمار آوریم و این نیز نادرست است.⁽¹⁾

ب: دیدگاه در مورد مصونیت قضائی جزائی از نگاه حقوق افغانستان

از اینکه حقوق افغانستان در این عرصه از کنوانسیون بین المللی وین (1961) گرفته شده، این کنوانسیون در فقره (1) ماده (31) در مورد چنین تصریح می دارد: 1- مأمور دیپلماتیک در دولت پذیرنده از مصونیت قضائی جزائی برخوردار است.⁽²⁾

در این فقره دیده شد که مأمور دیپلماتیک بدون استثنا از مصونیت قضائی جزائی برخوردار بوده است، پس این فقره هیچ نوع قید در این مورد تذکر نداده است.

ج: مقایسه میان فقه و قانون در این مورد

با مقایسه و بررسی میان فقه اسلامی و حقوق افغانستان، دیده می شود که فقه اسلامی با حقوق در این مورد مخالف هم اند، زیرا در فقه اسلامی برای دیپلمات هیچ نوع مصونیت قضائی در بخش حدود الهی در نظر گرفته نشده، بنابراین، وقتی که دیپلمات مرتکب حد از حدود الهی و یا قتل می گردد، باید مطابق حدود الهی و قتل مجازات شود، ولی در حقوق افغانستان این موضوع در نظر گرفته شده و مطابق عرف بین الملل و کنوانسیون وین، دیپلمات نباید مورد مجازات قرار گیرد.

¹- احمد ابوزهره، الجريمة، دارالفکر العربی، بیروت، ص 340.

²- کنوانسیون وین در باره روابط دیپلماتیک (1961)، فقره (1) ماده (31).

مبحث سوم

مبانی مسئولیت های دیپلماتیک و جرایم علیه شان

در این مبحث مبانی مسئولیت های دیپلماتیک و جرایم علیه شان بحث می گردد، بنابراین، این مبحث دارای مطالب ذیل است:

مطلب اول: مبانی مسئولیت های دیپلماتیک در اسلام

مطلب دوم: مبانی مسئولیت های دیپلماتیک در حقوق بین المللی عمومی

مطلب سوم: جرایم علیه روابط دیپلماتیک در حقوق جزای افغانستان

مطلب چهارم: جرایم علیه اشخاص دارای مصونیت بین المللی در حقوق جزای افغانستان

مطلب اول: مبانی مصونیت های دیپلماتیک در اسلام

بحث از مبانی مصونیت های دیپلماتیک سابقه کوتاهی دارد، از این رو فقهای پیشین به صراحت بدان نپرداختند، اما می توان از لابه لای نوشته های آنان این بحث را استنباط کرد، بنابراین، نخست موضع فقهی قدیم را یاد آور می شویم و به دنبال آن نظریه فقه نوین را بیان می کنم:

فرع اول: دیدگاه فقهی قدیم

فقهای قدیم مبانی مصونیت های دیپلماتیک را وصف نمایندگی و مصلحت خدمت می دانند، یعنی دیپلمات ها بر اساس اینکه نمایندگی از دولت فرستنده می کنند و هم مصلحت و وظیفوی تقاضا می نماید، دارای مصونیت هستند، طوری که ابن جماعه رحمه الله می نویسد: (قَيْدُ بِالْمُسْتَأْمَنِ لِأَنَّهُ لَوْ دَخَلَ دَارَنَا بِإِذْنِ أَمَانٍ فَهُوَ وَمَا مَعَهُ فِيءٌ فَإِنْ قَالَ دَخَلْتُ بِأَمَانٍ لَمْ يُصَدَّقْ وَأُخِذَ وَلَوْ قَالَ أَنَا رَسُولٌ فَإِنْ وُجِدَ مَعَهُ كِتَابٌ يُعْرَفُ أَنَّهُ كِتَابُ مَلِكِهِمْ بِعَلَامَةٍ تُعْرَفُ ذَلِكَ كَانَ أَمِنًا فَإِنَّ الرَّسُولَ لَا يَحْتَاجُ إِلَى أَمَانٍ خَاصٍّ بَلْ بِكُونِهِ رَسُولًا يَأْمَنُ).⁽¹⁾

ترجمه: اگر کافر حربی گوید: با امان وارد شدم، پذیرفته نیست و باز داشت می شود، ولی اگر گوید: من فرستاده ام، چنانچه با خود نامه ای به همراه دارد که نشان می دهد نامه پادشاه آنان است در امان خواهد بود، زیرا فرستاده به امان خاص نیاز ندارد، بلکه فرستاده بودن موجب امان است.

از قول ابن نجیم رحمه الله دانسته شد که فرستاده بودن موجب و مبنای امان است، به همین شکل مصلحت خدمت یکی از مبانی مصونیت دیپلمات است، طوری که سرخسی رحمه الله می نویسد: (لِأَنَّ الرَّسُولَ لَمْ تَزَلْ أَمِنَةً فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَالْإِسْلَامِ، وَهَذَا لِأَنَّ أَمْرَ الْقِتَالِ أَوْ الصُّلْحِ لَا يَتِمُّ إِلَّا بِالرُّسُلِ فَلَا بُدَّ مِنْ أَمَانِ الرَّسُولِ لِيَتَوَصَّلَ إِلَى مَا هُوَ الْمَقْصُودُ).⁽²⁾

ترجمه: فرستاده گان همواره در اسلام و جاهلیت ایمن بودند، زیرا جنگ و صلح جز به وسیله فرستادگان انجام نمی گرفت، بنابراین، باید فرستادگان را در رسیدن به مقصود در امان داشت.

¹- البحر الرائق شرح كنز الدقائق، ج 5 ص 109.

²- المبسوط، ج 10 ص 92.

خلاصه نزد فقهای قدیم مبانی مسئولیت دیپلمات ها نمایندگی و مصلحت خدمت است، که در قول ابن نجیم و سرخسی رحمهما الله به وضاحت دانسته شد.

فرع دوم: دیدگاه فقهی نوین

فقهای معاصر نیز مبانی مسئولیت های دیپلماتیک را وصف نمایندگی و مصلحت خدمت می دانند، طوری که احمد ابوالوفا رحمه الله یکی از این فقهاء معاصر راجع به این موضوع می نویسد: به باور ما، فقهای مسلمان در این زمینه نیز پیشگام بودند، آنان آنچه را که اکنون حقوق و رویه قضایی بین المللی (دیدگاه نوین) با استناد به دو نظریه «نمایندگی» و «مصلحت خدمت» مبانی مسئولیت ها و مزایا می دانند، پیش تر دریافته اند.⁽¹⁾

خلاصه از دیدگاه فقهای قدیم و معاصر، وصف نمایندگی و مصلحت خدمت دو عنصر و مبانی اساسی برای مسئولیت دیپلماتیک است، که مختصراً تذکر رفتند.

مطلب دوم: مبانی مسئولیت های دیپلماتیک در حقوق بین المللی عمومی

مبانی مسئولیت های دیپلماتیک در حقوق بین المللی عمومی با دو دیدگاه پیوند خورده است، نظریه های سنتی و دیدگاه نوین، که تفصیل هر کدام شان قرار ذیل است:

فرع اول: نظریه های سنتی

حقوق دانان و اندیشمندان قدیم سه مبانی را برای مسئولیت های دیپلماتیک قرار داده اند، نظریه نمایندگی، نظریه بیرون مرزی و نظریه مصلحت خدمت، که تفصیل شان قرار ذیل اند:

الف: نظریه نمایندگی: برخی از حقوق دانان قدیم یکی از مبانی مسئولیت های دیپلماتیک وصف نمایندگی است، براساس این نظریه از آنجا که مأموران دیپلماتیک کشور فرستنده، نمایندگان آن کشور نزد کشور پذیرنده اند، از همان مسئولیت ها کشورها نیز برخوردارند، از این رو می توان گفت: هر گونه تعرض به نماینده به منزله تعرض به مقام فرستنده است.⁽²⁾

¹- حقوق دیپلماتیک (رهیافت اسلامی)، ص 223.

²- ضیایی بیگدلی، حقوق بین الملل عمومی، تهران، گنج دانش، چاپ بیست هفتم، 1385 هـ.ش، ص 442.

ب: نظریه برون مرزی: بر اساس این نظریه که مبتکر آن هوگو گروسیوس است، سفیر خارج قلمرو قدرت قانونی کشور فرستنده است و گویا هرگز از کشور خود خارج نشده است. از این رو منزل و محل کار وی قطعه ای از خاک کشور او تلقی می شود و خارج از قدرت قانون کشور محل مأموریت اوست.⁽¹⁾

ج: نظریه مصلحت خدمت: به موجب این نظریه و ضرورت پیشرفت کار مأمور سیاسی در جوّ آرام و به دور از تأثیرت دولت پذیرنده و نیازمند برخورداری مأموران سیاسی از مصئونیت ها و مزایا است. به عبارت دیگر برای آنکه مأمور سیاسی مأموریتش را در شرایط مساعد و استقلال کامل انجام دهد، لازم است در نظام حقوقی کشور میزبان در حد گسترده از آزادی عمل بر خوردار باشد و این آزادی عمل بر ضرورت اجرایی و کار کردی خدمت سیاسی استوار است.⁽²⁾

فرع دوم: دیدگاه نوین

دیدگاه نو در توجه اعطای مبانی و مصئونیتها به مأموران و مأموریت دیپلماتیک به جمع بین دو نظریه «نماینده‌گی» و «مصلحت خدمت» می پردازد، در دیباجه کنوانسیون 1961 وین درباره روابط و مصئونیت‌های دیپلماتیک آمده است، دول اطراف این معاهده: «بر این باورند که هدف از مزایا و مصئونیت‌های مذکور امتیازدهی به افراد نیست، بلکه مراد تأمین حسن اجرای وظایف مأموریت‌های دیپلماتیک به عنوان نمایندگان دولتها است».⁽³⁾

همچنین در دیباجه کنوانسیون 1963 وین آمده است، دول اطراف این کنوانسیون بر این باورند: «هدف از این مزایا و مصئونیتها امتیازدهی به افراد نیست، بلکه مقصود تأمین حسن اجرای وظایف مأموریت‌های کنسولی به نیابت از دولت متبوع است».

خلاصه حقوق بین الملل عمومی نیز امروزه دو مبانی بر مصئونیت های دیپلماتیک که عبارت از نمایندگی و مصلحت خدمت است، در نظر گرفته است، گرچند حقوق دانان قدیم سه مبانی تذکر داده اند، که مختصراً تذکر دادم.

¹⁻ جواد صدر، حقوق دیپلماتیک و کنسولی، تهران، دانشگاه تهران، چاپ هفتم، 1383 ه.ش، ص 81.

²⁻ محمد طلعت الغنیمی، قانون السلام فی الاسلام، مصر، الاسکندریة، منشأة المعارف، ص 586.

³⁻ دیباجه کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک (1961).

مطلب سوم: جرایم علیه روابط دیپلماتیک در حقوق جزای افغانستان

در مورد جرایم علیه روابط دیپلماتیک در حقوق جزای افغانستان باید گفت: ماده 244، کود جزا چنین تصریح می کند: (1) شخصی که به منظور ایجاد تنشج میان دولت جمهوری اسلامی افغانستان و دولت خارجی یا سازمان بین المللی یا اخلال یا قطع روابط دیپلماتیک، مرتکب عمل غیر قانونی گردد که به روابط دولت جمهوری اسلامی افغانستان با دولت خارجی یا سازمان بین المللی زبان وارد نماید، به حبس متوسط⁽¹⁾ محکوم می گردد.

(2) هرگاه عمل مندرج فقره (1) این ماده سبب قطع روابط دیپلماتیک با دولت خارجی یا سازمان بین المللی گردد، مرتکب به حد اکثر حبس متوسط (پنج سال است)، محکوم می گردد.

(3) هرگاه عمل مندرج فقره (1) این ماده منجر به ضرب، جرح یا قتل نماینده دولت خارجی یا سازمان بین المللی گردد، مرتکب به حد اکثر مجازات جرم ضرب، جرح یا قتل مندرج این قانون محکوم می گردد.⁽²⁾

خلاصه از این ماده مشخص گردید که جرایم علیه روابط دیپلماتیک نظر نوعیت و اندازه جرم به حبس متوسط، حد اکثر متوسط و در صورتی که جرایم منجر به ضرب و جرح و یا قتل شده است، مجازات جرم ضرب، جرح و قتل بالای فاعل تطبیق می گردد.

مطلب چهارم: جرایم علیه اشخاص دارای مصئونیت بین المللی در حقوق جزای افغانستان

مطابق ماده (4) فقره (7) اشخاص دارای مصئونیت بین المللی چنین معرفی شده است: 7 – اشخاص دارای مصئونیت بین المللی: عبارت اند از رئیس جمهور، معاونین رئیس جمهور، صدر اعظم، وزیر، سفیر، سایر نمایندگان سیاسی دول خارجی، نمایندگان سازمان های بین المللی و بین الحکومتی و سایر اشخاص که مطابق کنوانسیون 1969 ویانا و کنوانسیون 1973 در مورد جلوگیری و مجازات جرایم علیه اشخاص مورد حمایت بین المللی هستند، بشمول اعضای خانواده آنها.⁽³⁾

¹- حبس متوسط: مطابق فقره (2) ماده (147) کود جزا، حبس متوسط را چنین تصریح نموده است: 2- حبس متوسط بیش از یک سال تا پنج سال.

²- کود جزا، ماده (244).

³- کود جزا، فقره (7) ماده (4).

در این ماده مشخص گردید که از جمله اشخاص دارای مصئونیت بین المللی، سفرا و نمایندگان سیاسی کشورها است، در صورت که جرایم علیه اشخاص دارای مصئونیت بین المللی صورت گیرد، کدام مجازات را در حقوق جزای افغانستان بدنبال دارد، در این مورد ماده (271) کود جزا چنین تصریح نموده است: شخصی که یکی از اعمال ذیل را علیه شخص دارای مصئونیت بین المللی مرتکب شود، حسب ذیل مجازات می گردد:

- 1- در صورت ارتکاب قتل، به اعدام.
- 2- در صورت اختطاف یا گروگان گیری، به حبس دوام درجه 2.⁽¹⁾
- 3- در صورت وارد ساختن صدمه جسمی یا روانی، به حبس طویل بیش از ده سال.
- 4- در صورت حمله بالای دفتر رسمی، منزل شخصی و یا وسیله نقلیه، به حبس طویل تا ده سال.
- 5- در صورت تهدید به ارتکاب اعمال مندرج اجزای 1 تا 4 این ماده به منظور مجبور ساختن شخص دارای مصئونیت بین المللی به اجراء یا امتناع از اجرای یک عمل، به حبس متوسط.⁽²⁾

در این ماده بوضوح مشخص شده است، جرایم علیه اشخاصی دارای مصئونیت بین المللی نظر به نوعیت و اندازه جرم، جزاهای متفاوت در قبال دارد، که هر کدام جرم با میزان جزای آن در این ماده مشخص شده است، که از اعدام شروع و تا حبس متوسط که از یک سال تا پنج سال است.

¹- حبس دوام درجه 2: مطابق ماده (147) کود جزا، حبس دوام درجه 2، چنین تصریح شده است: 4- حبس دوام درجه 2 بیش از شانزده سال تا بیست سال.

²- همان مرجع، ماده (271).

فصل سوم

تعرض به مصنونیت دیپلومات ها، خاتمه مصنونیت و تنازل از آن

در این فصل مباحث ذیل بحث می گردد:

مبحث اول: تعرض به مصنونیت دیپلومات ها

مبحث دوم: خاتمه مصنونیت قضائی دیپلومات ها

مبحث اول

تعرض به مصئونیت دیپلومات ها

در این مبحث مطالب ذیل بحث می گردد:

مطلب اول: تعرض به مصئونیت دیپلومات ها از نگاه فقه اسلامی

مطلب دوم: تعرض به مصئونیت دیپلومات ها از نگاه حقوق افغانستان

مطلب اول: تعرض به مصئونیت دیپلومات ها از نگاه فقه اسلامی

تردید نیست در حقوق اسلام، از رهگذر احترام به مصئونیت فرستادگان و سفیران هر گونه تعرض به آنان پذیرفته نیست، اعم از آنکه سفیر مسلمان باشد یا غیر مسلمان و تعرض به آنان در سرزمین های اسلامی روی دهد یا کشورهای غیر اسلامی، علت آن در گریز از پیامدهای مخاطره آمیزی نهفته است که گاه به دنبال دارد.⁽¹⁾

با هدف ارائه بهتر مطلب، مسئله تعرض به مصئونیت فرستادگان را مطابق تقسیم سه گانه زیر پی می گیریم:

فرع اول: تعرض به مصئونیت دیپلومات های مسلمان و مقابله با آن در اسلام

فرع دوم: تعرض به مصئونیت دیپلومات های غیر مسلمان در سرزمین های اسلامی

فرع سوم: تعرض به مصئونیت دیپلومات ها در روابط مسلمانان با یکدیگر

که تفصیل هر کدام از تقسیم فوق قرار ذیل است:

فرع اول: تعرض به مصئونیت دیپلومات های مسلمان و مقابله با آن در اسلام

هرچند احترام به فرستادگان لازم بود، اما این مانع آن نبود که اینجا و آنجا و به دلایل گوناگون از این قاعده بگریزند. میزان بی احترامی به مصئونیت فرستادگان هنگام ظهور اسلام را می توان از تصمیم پیامبر صلی الله علیه وسلم برای ارسال نامه به قیصر، امپراطور روم دریافت، وقتی پیامبر صلی الله علیه

¹- رفاعة رافع الطهطاوی، الدولة الاسلامیة، نظامها و عملاتها، مكتبة الاداب، القاهرة، 1947/1410م، ج 2 ص 118.

وسلم فرمود: «من يُنطَلَق بكتابي هَذَا إِلَى قَيْصِرٍ وَلَهُ أَلْجَنَّةُ» فَقَالُوا: وَإِنْ لَمْ يَقْتُلْ يَا رَسُولَ اللَّهِ! قَالَ: «وَإِنْ لَمْ يَقْتُلْ» فَأَنْطَلِقُ بِهِ رَجُلٌ يَعْنِي دَحِيَّةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ.⁽¹⁾ ترجمه: کیست این نامه ام را به قیصر رساند و بهشت پاداش وی باشد؟ صحابه گفتند: یا رسول الله هر چند کشته نشود؟ فرمود: هر چند کشته نشود. مردی به نام دحیه بن خلیفه کلبی رضی الله عنه گسیل شد.

وجه استدلال از این حدیث: گویا کشتن فرستادگان که مأمور رساندن نامه به پادشاهان اطراف در آن زمان بودند، امری عادی به نظر می رسید که در اذهان یاران پیامبر صلی الله علیه وسلم چنین تصویری نقش بسته بود. با وقوع تعرض به مصنونیت فرستادگان در اسلام، به طرق گوناگون می توان به آن پاسخ داد. مهم ترین آنها عبارت اند از: حمله نظامی، دفاع مشروع سفیر از خود و استفاده دیگر ابزارها، که تفصیل شان قرار ذیل است:

الف: حمله نظامی پاسخی به مصنونیت فرستاده: در برخی از شرایط به ویژه آنجا که تعرض به مصنونیت فرستاده مخاطره آمیز باشد، دولت اسلامی برای رهایی فرستاده یا تنبیه دولت متجاوز به اقدام نظامی مبادرت می تواند.⁽²⁾

ب: دفاع فرستاده یا سفیر از خود در برابر تعرض به او و خانواده: شواهد تاریخی بسیاری وجود دارد که وقتی مقامات دولت پذیرنده به فرستادگان مسلمان تعرض کردند، آنان در مقابل به دفاع از خود و همراهان پرداختند، مثلاً در سریه که ابوبکر الصدیق رضی الله عنه در نبرد با رومیان به تبوک فرستاد، ربیع بن عامر یکی از سرداران رومی را کشت و در پی آن لشکر روم پراکنده و خواستار صلح شدند. از مسلمانان خواستند تا فردی را به نمایندگی سمت آنان اعزام کنند. ربیع داوطلب شد، ولی به وی گفتند: چون بزرگی از آنان را کشتی، برای شما این نمایندگی مخاطره آمیز است. ربیع گفت: هر چه الله بخواهد، همان می شود، مؤمنان باید به الله توکل کنند. به مسلمانان سفارش کرد مراقب وی باشند، چنانچه قصد حمله دارند به آنان هجوم آورند، سپس بر اسب نزد رومیان رفت. قدام (حاجب) گفت: به ارتش تعظیم کن و از

1- محمد (أو عبد الله) بن علي بن أحمد بن عبد الرحمن بن حسن الأنصاري، أبو عبد الله، جمال الدين ابن حديده (المتوفى: 783هـ)، المصباح المضي في كتاب النبي الأمي ورسله إلى ملوك الأرض من عربي وعجمي، المحقق: محمد عظيم الدين، الناشر: عالم الكتب - بيروت، ج 2 ص 68.

2- بطور نمونه: وقتی که قریش برای رهایی دو تن از اسیران خود به نامهای عثمان بن عبدالله و حکم بن کیسان که در سریه عبدالله بن جحش اسیر شدند، نماینده نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم فرستاد، ولی پیامبر فرمود: ما آن دو را آزاد نمی کنیم، مگر آنکه شما نیز دو تن از یاران ما، سعد بن ابی وقاص و عتب بن غزوان را رها کنید، زیرا ما نگران وضعیت آن دو هستیم، چنانچه آن دو نفر را بکشید ما نیز دو نفر شما را خواهیم کشت. عمر بن شبة (واسمه زيد) بن عبیده بن ریطة النميري البصري، أبو زيد (المتوفى: 262هـ)، تاريخ المدينة لابن شبة، حقه: فهم محمد شلتوت، الناشر: السيد حبيب محمود أحمد - جدة، 1399 هـ، ج 2 ص 472.

اسب پیاده شو. ربیعہ گفت: خیر، نہ ذلت می پذیرم و نہ اسبم را به دیگری می سپارم، جز از باب السرادق وارد نمی شوم و الا به جای خود بر می گردم. این شما بودید که از ما نماینده خواستید و ما خود سراغ شما نیامدیم. سرانجام پذیرفتند که از باب السرادق با مرکب و سلاح وارد شود. پس از گفتگو میان وی و یکی از کشیشان، کشیش از سخن وی در شگفت شد و به سرداران گفت: حق با این گروه است، اما یکی از دربانان گفت: این فرد همان قاتل برادر توست. تا سردار این جمله را شنید به خشم آمد و تصمیم گرفت به ربیعہ حملہ کند کہ وی با چابکی شمشیر به دست گرفت، یکی را کشت و به سرعت گریخت، ولی سربازان روم به تعقیب وی پرداختند. یزید بن ابی سفیان چون این صحنہ را دید، گفت: رومیان نیرنگ کردند و دستور حملہ داد. مسلمانان هجوم بردند و سربازان دو گروه با یکدیگر درگیر شدند.⁽¹⁾

در این قضیہ دیدہ شد کہ ربیعہ بن عامر رضی اللہ عنہ کہ بحیث سفیر در دربار روم رفتہ بود، ولی زمانی کہ تصمیم شوم و نیرنگ آنها را دید، بہ دفاع از خود پرداخت و این دلیل است کہ ہر وقت بر بالای دیپلومات تعرض صورت گیرد، می تواند بہ دفاع از خود، بپردازد.

ج: دیگر ابزارهای به کار بسته مسلمانان برای مقابله با تعرض فرستادگان: علاوه بر گزینه دفاعی و دفاع مشروع، مسلمانان بہ ابزار های دیگری برای جلوگیری از تعرض بہ فرستادہ و جلوگیری از تکرار آن متوسل شدند، کہ از جمله آنها تہدید دولت خاطی و معاملہ بہ مثل است. نمونہ از تہدید دولت خاطی، رفتار پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم در خلال مذاکرات صلح حدیبیہ است، پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم عثمان بن عفان را بہ عنوان نمایندہ خود بہ مکہ فرستاد، ولی خبرهایی دریافت کرد کہ نمایندہ وی کشتہ شد. مسلمانان با شنیدن این خبر خود را برای انتقام از قریش آمادہ کردند، اما قریش اطلاع داد این خبر صحت ندارد و عثمان در امان است و سہیل بن عمرو را برای مذاکرہ خواهند فرستاد. مسلمانان اطمینان خاطر یافتند و مذاکرات ادامہ یافت تا بہ نتیجہ معروف آن منتهی شد.⁽²⁾

نمونہ از معاملہ بہ مثل: قریش برای رهایی دو تن از اسیران خود بہ نام های عثمان بن عبداللہ و حکم بن کیسان کہ در سریہ عبداللہ بن جحش اسیر شدند، نمایندہ نزد پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرستاد، ولی پیامبر

¹- محمد بن عمر بن واقد السہمی الأسلمی بالولاء، المدنی، أبو عبد اللہ، الواقدي (المتوفی: 207ھ)، فتوح الشام، الناشر: دار الکتب العلمیة، الطبعة: الأولى 1417ھ - 1997م، ج 1 ص 10.

²- إسماعیل بن عمر بن کثیر أبو الفداء القرشي البصري ثم الدمشقي (المتوفی: 774ھ)، تفسیر القرآن العظیم، المحقق: محمد حسین شمس الدین، الناشر: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون - بیروت، الطبعة: الأولى - 1419ھ، ج 1 ص 228.

صلى الله عليه وسلم فرمود: «لَا تَفْدِكُمُوهُمَا حَتَّى يَفْتَدِمَ صَاحِبَانَا - يَعْنِي سَعْدَ بْنَ أَبِي وَقَّاصٍ، وَعُتْبَةَ بْنَ غَزْوَانَ - فَإِنَّا نَحْشَاكُمْ عَلَيْهِمَا، فَإِنْ تَقْتُلُوهُمَا نَقْتُلُ صَاحِبَيْكُمْ».(1)

ترجمه: ما آن دو را آزاد نمی کنیم، مگر آنکه شما نیز دو تن از یاران ما، سعد بن ابی وقاص و عتبه بن غزوان، را رها کنید، زیرا ما نگران وضعیت آن دو هستیم، چنانچه آن دو را بکشید ما نیز دو نفر شما را خواهیم کشت.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث معلوم گردید، که پیامبر صلی الله علیه وسلم به صراحت از آنها خواهان معامله بالمثل می گردد، پس این یکی دیگر از ابزار مقابله با تعرض به فرستادگان است.

فرع دوم: تعرض به مصنوعات های غیر مسلمان در سرزمین های اسلامی

مطابق دیدگاهی در فقه اسلامی، چنانچه مسلمانی کافر ذمی یا مستأمن (همچنین فرستاده یا سفیری) را بکشد، قصاص می شود، این دیدگاه با این دلیل استناد می شود: {وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصًا...}.(2) ترجمه: و بر آنها (بنی اسرائیل) در آن (تورات) مقرر داشتیم که جان در مقابل جان و چشم در مقابل چشم و بینی در برابر بینی و گوش در مقابل گوش و دندان در برابر دندان، می باشد، و هر زخمی قصاص دارد.

از همین جهت حداد(3) رحمه الله یکی از فقهای حنفی، بعد از ذکر آیه فوق، در کتابش چنین می نویسد: {وَالْقِصَاصُ وَاجِبٌ بِقَتْلِ كُلِّ مَحْقُونِ الدَّمِ عَلَى التَّأْبِيدِ} اِحْتَرَزَ بِقَوْلِهِ عَلَى التَّأْبِيدِ عَنِ الْمُسْتَأْمَنِ لِأَنَّ دَمَهُ إِنَّمَا هُوَ مَحْقُونٌ فِي دَارِنَا.(4)

ترجمه: قصاص به قتل هر شخص که خونش مصئون است بر همیشه، واجب است، احتراز کرد با این

1- عمر بن شبة (واسمه زيد) بن عبدة بن ربيعة النميري البصري، أبو زيد (المتوفى: 262هـ)، تاريخ المدينة لابن شبة، حقه: فهم محمد شلتوت، الناشر: السيد حبيب محمود أحمد - جدة، 1399 هـ، ج 2 ص 472.

2- {المائدة، آیه 45}.

3- حداد (800 هـ = 1397 م): أبو بكر بن علي بن محمد حداد زبيدي: فقيه حنفي يمانی و از قریه عبادیه تهامه است، وفاتش در زبید شده است، در مذهب احناف دارای تالیفات کثیره است، از جمله: السراج الوهاج في شرح مختصر القدوري، الجوهرة النيرة في شرح مختصر القدوري، سراج الظلام في شرح منظومة الهاملي وغيره. محمد بن علي بن محمد بن عبد الله الشوكاني اليمني (المتوفى: 1250هـ)، البدر الطالع بمحاسن من بعد القرن السابع، الناشر: دار المعرفة - بيروت، ج 1 ص 166.

4- أبو بكر بن علي بن محمد الحدادي العبادي الزبيدي اليمني الحنفي (المتوفى: 800هـ)، الجوهرة النيرة، الناشر: المطبعة الخيرية، الطبعة: الأولى، 1322هـ، ج 2 ص 124.

قولش (بر همیشه) از مستأمن، زیرا خونش که مصئون است تنها در دیار ما است، (یعنی اگر در دیار ما شخص مستأمن کشته شود، باید قاتلش قصاص شود و اگر در بیرون از دیار ما کشته شود، قاتل قصاص نمی‌گردد).

فرع سوم: تعرض به مصئونیت دیپلمات ها در روابط مسلمانان با یکدیگر

تعرض به مصئونیت سفیران یا فرستادگان پذیرفته شده از سوی دولتهای غیر مسلمان جز در موارد نادر، روی نداده است، قاعده کلی در رفتار مقامات دولت اسلامی بر احترام به فرستادگان و سفیران است و تعرضاتی که به ندرت صورت گرفته است با توسل به ابزارهای بوده، لیکن در روابط مسلمانان با یکدیگر موضوع به عکس بوده و تعرض به مصئونیت فرستادگان و سفیران بسیار روی داده است، برای نمونه: ابن اثیر رحمه الله ذیل عنوان: (حادثه که عاقل از نظیر آن باید بپرهیزد) می‌آورد: یوسف فرمانروای قابس، فرستاده ای به « صقلیه⁽¹⁾ » فرستاد، این فرستاده با فرستاده فرمانروای «المهدیه» به نام الحسن در صقلیه به مذاکره پرداخت، در حین مذاکره فرستاده قابس از فرمانروای المهدیه بدگویی کرد. مراجعت دو فرستاده هم زمان شد و هر یک بر کشتی خود سوار و راهی دریا شدند، فرستاده الحسن با ارسال نامه به وسیله پرنده نامه بر، نتیجه مذاکرات را به مقام فرستنده خود گزارش کرد، الحسن پس از دریافت نامه تعدادی از یاران خود را روانه دریا کرد تا فرستاده یوسف را دستگیر و نزد او حاضر کنند. آنان نیز چنین کردند. الحسن ضمن دشنام به فرستاده یوسف، گفت: فرنگیان سرزمینهای اسلامی را تصاحب کردند و زبان تو نسبت به من دراز است؟! فرستاده را بر شتری سوار کرد و در شهر گرداند و جارچی فریاد می‌زد: این است سزای آن که تلاش می‌کند فرنگیان سرزمین های اسلامی را صاحب شوند. با آنکه نیروهای المهدیه از او حفاظت می‌کردند، ولی تماشاگران با پرتاب سنگ این فرستاده را به قتل رساندند.⁽²⁾

احمد ابوالوفا رحمه الله بعد از نقل این داستان چنین می‌نویسد: نمونه فوق عملکرد دولت اسلامی را نسبت به تعرض به مصئونیت فرستادگان در دو چیز نشان می‌دهد:

1- تعرض به مصئونیت فرستادگان غیر مسلمان اعزامی به سرزمینهای اسلامی اگر نگوییم هیچ، ولی به ندرت روی داده است. نقض این موارد اندک نیز با تأسف و ناراحتی همراه بوده است.

1- صقلیه: که امروزه به نام سیسیل یاد می‌گردد، جزیره است در جنوب افریقا و در نزدیکی دریای مدیترانه واقع است، از سال 290 – 483 هجری قمری، این منطقه در حاکمیت مسلمانان بود. <https://fa.m.wikipedia.org>

2- علي بن أبي الكرم محمد بن محمد بن عبد الكرم بن عبد الواحد أبو الحسن الشيباني الجزري، عز الدين ابن الأثير (المتوفى: 630هـ)، الكامل في التاريخ، تحقيق: عمر عبد السلام تدمري، الناشر: دار الكتاب العربي، بيروت – لبنان، الطبعة: الأولى، 1417هـ / 1997م، ج 11 ص 121.

2- تعرض به مصئونیت فرستادگان از یک حاکم مسلمان نزد حاکم مسلمان دیگر بسیار روی داده است، ولی با تأسف این نقض با شادمانی و سرور همراه بود.⁽¹⁾

مطلب دوم: تعرض به مصئونیت دیپلمات ها از نگاه حقوق

در زمانهای اخیر ربودن دیپلماتها و اعمال تروریستی علیه آنان افزایش یافته است، موضوعی که تهدید کننده روابط صلح آمیز میان دولتهاست، در خصوص تعرض به مصئونیت دیپلماتها حقوق افغانستان نیز بدان بحث نموده است و آن اینکه حقوق افغانستان در این زمینه بر گرفته از کنوانسیون بین الملل است، پس کنوانسیون بین الملل در مقدمه «کنوانسیون منع و مجازات جرایم ارتكابی علیه اشخاصی که از حمایت بین المللی برخوردارند از جمله مأموران دیپلماتیک 1973م»⁽²⁾ آمده است که تعرض به این افراد: «تهدید مهمی برای برقراری روابط عادی بین المللی که لازمه همکاری بین دولتهاست، خواهد بود. کما اینکه جرایم موجب نگرانی جامعه بین المللی است».

ماده دوم کنوانسیون مذکور مقرر می دارد، اعمالی از قبیل:

الف: قتل و ربودن، حمله علیه شخص یا آزادی هر شخص برخوردار از حمایت بین المللی.

ب: حمله خشونت آمیز به اماکن رسمی و مسکن شخصی و یا وسیله نقلیه متعلق به شخص مورد حمایت بین المللی.

ج: تهدید به انجام دادن این گونه حملات.

د: شروع به ارتكاب این گونه حملات.

ه: مشارکت در انجام دادن این گونه حملات.

لازم است توسط هر یک از دول طرف کنوانسیون در قوانین داخلی خود جرم دانسته و مجازات مناسب برای این گونه جرایم شود.⁽³⁾

¹- حقوق دیپلماتیک (رهیافت اسلامی)، ص 333.

²- این کنوانسیون طی قطعنامه 3166 مجمع عمومی سال 1973 به تصویب رسید و 20 فوریه 1977 لازم الاجرا شد. حقوق دیپلماتیک، ص 346.

³- کنوانسیون منع و مجازات جرایم ارتكابی علیه اشخاصی که از حمایت بین المللی برخوردارند از جمله مأموران دیپلماتیک 1973م، ماده (2).

در ماده سوم از کشورهای عضو خواسته شد تا اقدامات مقتضی را برای اعمال صلاحیت خود نسبت به جرایم فوق در موارد ذیل معمول دارند:

1- هنگامی که جرم در سرزمین آن کشور یا در کشتی یا هواپیمای ثبت شده در قلمرو آن کشور رخ دهد.

2- هنگامی که مظنون به ارتکاب جرم تبعه آن کشور باشد.

3- هنگامی که ارتکاب جرم علیه شخص مورد حمایت بین المللی موضوع ماده 1، که وضع خود را به اعتبار وظایف محول از کشوری که از طرف آن نمایندگی می کند تحصیل نموده، واقع گردد.

4- کنوانسیون هر گونه صلاحیت کیفری را که مطابق قوانین داخلی اعمال گردد از نظر دور نمی دارد.

همچنین کنوانسیون بر همکاری میان دولتها در جلوگیری از ارتکاب این گونه جرایم و ضرورت مجازات مرتکبان یا استرداد به دولت دیگر، تصریح دارد.

مبحث دوم

خاتمه مصئونیت قضائی دیپلومات ها

به دلایلی مصئونیت‌های مأمور دیپلماتیک خاتمه می‌یابد، بنابراین، در این مبحث مطالب ذیل بحث می‌گردد:

مطلب اول: علل خاتمه مصئونیت قضائی دیپلومات ها از نگاه فقه اسلامی و حقوق افغانستان

مطلب دوم: قواعد لازم الرعایه هنگام خاتمه مصئونیت ها

مطلب اول: علل خاتمه مصئونیت قضائی دیپلومات ها از نگاه فقه اسلامی و حقوق افغانستان

شایسته است در بررسی دلایل خاتمه مصئونیت‌های دیپلماتیک در فقه اسلامی و حقوق افغانستان به سه موضوع اشاره کنیم: از دست دادن صفت مأمور دیپلماتیک، قطع روابط دیپلماتیک و جاسوسی. که تفصیل هر کدام شان تحت یک فرع بحث می‌گردد:

فرع اول: از دست دادن صفت مأمور دیپلماتیک

نخست این علت را از دیدگاه فقه اسلامی بررسی نموده، سپس از دیدگاه حقوق افغانستان مورد بررسی قرار می‌دهم و در اخیر میان هر دو مقایسه می‌نمایم:

الف: در فقه اسلامی: در فقه اسلامی تصریح شده است که فرستاده با از دست دادن نمایندگی مصئونیت ندارد، طوری که عبدالله بن مسعود رضی الله عنه در کشتن ابن النواحه (یکی از فرستادگان مسیلمه نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم که پیامبر صلی الله علیه وسلم به وی فرمود: «اگر نه آن است که سفیران کشته نمی‌شوند تو را می‌کشتم») به خاتمه یافتن و از دست دادن سمت فرستادگی به عنوان یکی از مبانی عدم برخورداری از مصئونیت مقرر برای فرستادگان استناد کرد. اصل قضیه چنین بود که عبدالله بن مسعود رضی الله عنه به مسجدی که عده در آن به مسیلمه ایمان آوردند مأمور فرستاد تا آنان را توبه دهند جز ابن النواحه. ابن مسعود رضی الله عنه به او گفت: شنیدم پیامبر صلی الله علیه وسلم درباره تو فرمود: «لَوْلَا

أَنَّكَ رَسُولٌ، لَضْرَبْتُ عُنُقَكَ»، وَأَنْتَ الْيَوْمَ لَسْتَ بِرَسُولٍ. فَأَمَرَ قُرْظَةَ بْنَ كَعْبٍ فَضْرَبَ عُنُقَهُ فِي السُّوقِ. (1)

ترجمه: اگر تو فرستاده نبودی گردنت می زد، و امروز تو فرستاده نیستی، در نتیجه به قرصه بن کعب دستور داد تا در بازار او را کشتند.

وجه استدلال از حدیث: خطابی رحمه الله در شرح این حدیث می نویسد: (مذهب ابن مسعود فی قتله من غیر استتابة أنه رأى قول النبي صلى الله عليه وسلم لولا أنك رسول لضربت عنقك حكما منه بقتله لولا علة الرسالة، فلما ظفر به وقد ارتفعت العلة أمضاه فيه...). (2)

ترجمه: باور ابن مسعود در کشتن ابن النواحه بدون توبه دادن وی، این بود که سخن پیامبر صلی الله علیه وسلم: اگر تو فرستاده نبودی گردنت می زد. حکم به کشتن ابن النواحه پس از زوال فرستادگی است. بنابراین، وقتی به وی دسترسی یافت و علت وجود گرفت آن را اجرا کرد.

خلاصه در فقه اسلامی، مأمور دیپلماتیک با از دست دادن صفت نمایندگی، مصئونیتش را از دست می دهد، که با استناد از روایت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه این موضوع روشن گردید.

ب: در حقوق افغانستان: از اینکه حقوق افغانستان در این مورد بر گرفته از حقوق بین الملل است، در حقوق بین الملل: هرگاه فرستاده مأموریتش پایان یابد، طبیعی است که مصئونیتش هم پایان یافته و باید محل مأموریت را ترک کند، طوری که بند دوم ماده 39 کنوانسیون 1961 وین در این باره مقرر می دارد: وقتی که مأموریت یکی از اشخاص بهره مند از مزایا و مصئونیتها خاتمه یابد، این مزایا و مصئونیتها معمولاً هنگام ترک خاک آن کشور یا در انقضای موعد مناسبی که برای انجام دادن این منظور به وی اعطا می شود قطع می گردد... (3)

ج: مقایسه میان فقه اسلامی و حقوق در این مورد: با مقایسه و بررسی میان فقه اسلامی و حقوق، دیده می شود که هر دو با هم در این مورد دیدگاه موافق دارند، یعنی آنچه کنوانسیون 1961 مقرر می دارد،

1- سنن أبي داود، رقم الحديث 2762. ابن حجر رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح و رواش ثقة است. أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر أبو الفضل العسقلاني (المتوفى: 852هـ)، المطالب العالیة بزوائد المسانید الثمانيّة، الناشر: دار العاصمة للنشر والتوزيع - دار الغيث للنشر والتوزيع، الطبعة: الأولى، 1419 هـ - 1998 م، ج 9 ص 30.

2- حمد بن محمد بن إبراهيم بن الخطاب البستي أبو سليمان المعروف بالخطابي (المتوفى: 388هـ)، معالم السنن، الناشر: المطبعة العلمية - حلب، الطبعة: الأولى 1351 هـ - 1932 م، ج 2 ص 319.

3- کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک (1961)، ماده (39).

مبنی بر اینکه مصئونیت دیپلماتیک تا سپری شدن مدت معقول برای ترک کشور باقی است، این مطلبی است که بیش از ده قرن پیش شریعت اسلام آن را پذیرفته است.

فرع دوم: قطع روابط دیپلماتیک

همچنان نخست این علت را از دیدگاه فقه اسلامی بررسی نموده، سپس از دیدگاه حقوق افغانستان مورد بررسی قرار می دهیم و در اخیر میان هر دو مقایسه می نمایم:

الف: در فقه اسلامی: طبیعی است اصل در اسلام بر عدم قطع روابط دیپلماتیک با دولتهای است که با اسلام عداوت و دشمنی ندارند و یا نسبت به اتباع آن ظلم و ستم نمی کنند، الله متعال در مورد می فرماید: {لَا يَنْهَاكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ} (1).

ترجمه: الله شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در امر دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند نهی نمی کند، چرا که الله عدالت پیشگان را دوست دارد.

وجه استدلال از آیه: ابن القیم الجوزیه رحمه الله در تفسیر این آیه می نویسد: (فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمَّا نَهَى فِي أَوَّلِ السُّورَةِ عَنِ اتِّخَاذِ الْمُسْلِمِينَ الْكُفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَقَطَعَ الْمَوَدَّةَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَهُمْ، تَوَهَّم بَعْضُهُمْ أَنْ بَرَّهُمْ وَالْإِحْسَانَ إِلَيْهِمْ مِنَ الْمَوَالَاةِ وَالْمَوَدَّةِ، فَبَيَّنَّ اللَّهُ سُبْحَانَهُ أَنَّ ذَلِكَ لَيْسَ مِنَ الْمَوَالَاةِ الْمُنْهَيِّ عَنْهَا، وَأَنَّهُ لَمْ يَنْهَ عَنْ ذَلِكَ بَلْ هُوَ مِنَ الْإِحْسَانِ الَّذِي يُحِبُّهُ وَيَرْضَاهُ، وَكَتَبَهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، وَإِنَّمَا الْمُنْهَيُّ عَنْهُ تَوَلَّى الْكُفَّارِ وَالْإِلْقَاءُ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ) (2).

ترجمه: چون الله متعال در آغاز سوره از دوستی مسلمانان با کافران نهی و به قطع مودت فرمان داد، برخی گمان بردند که نیکی و خوبی نسبت به آنان از مصادیق موالات و مودت است، لذا فرمود نیکی و خوبی به آنان از موالات منهی نیست، بلکه از مصادیق احسان است که الله آن را دوست دارد و می پسندد. آنچه نهی شده سپردن ولایت به کفار و طرح دوستی با آنان است.

با استفاده از این آیه، احمد ابوالوفا رحمه الله می نویسد: قطع روابط دیپلماتیک بین دو یا چند کشور به منزله همه گونه نیست، بسا ممکن است روابط فرهنگی، اقتصادی و مالی ادامه یابد و حتی مأموران

1- {المتحنة، آیه 8}.

2- احکام أهل الذمة، ج 1 ص 602.

دیپلوماتیک برای مذاکره در موضوعی خاص مبادله شوند و سپس به کشورهای خود باز گردند.⁽¹⁾

خلاصه از دیدگاه فقه اسلامی، قطع روابط یک دولت با دولت دیگر، نباید منجر به قطع روابط دیپلوماتیک گردد، یعنی فقه اسلامی قطع روابط دیپلوماتیک را به عنوان علت خاتمه مسئولیت دیپلوماتیک نشناخته است، زیرا بسا ممکن است که روابط فرهنگی، اقتصادی، تجارتي و غیره، خصوصاً در عصر امروزی، میان دولت های در حال جنگ و منازعه باقی بمانند.

ب: در حقوق بین الملل: قطع روابط دیپلوماتیک اوج تیرگی روابط صلح آمیز میان دولتهای ذیربط است و یکی از علت های پایان یافتن مسئولیت دیپلوماتیک است، بنابراین، ماده 45 کنوانسیون وین 1961 در مورد چنین تصریح می کند: در صورت قطع روابط دیپلوماتیک بین دو دولت و یا زمانی که نمایندگی بطور قطعی یا موقت تعطیل شده است.⁽²⁾

از این ماده بوضوح دیده شد که قطع روابط دیپلوماتیک بشکل قطعی یا موقت باعث خاتمه مسئولیت دیپلومات می گردد، ولی تا وقت بیرون شدن از کشور پذیرنده، کشور پذیرنده مکلف است تا دیپلومات ها، اموال و اماکن شان را محترم شمرده و حمایت نماید.⁽³⁾

ج: مقایسه میان فقه اسلامی و حقوق در این مورد: با مقایسه و بررسی میان فقه و قانون، مشخص گردید که فقه اسلامی، قطع روابط دیپلوماتیک را نپذیرفته و در صورتی که یک دولت با دولت دیگر قطع روابط هم نمایند، با آن هم روابط دیپلوماتیک باقی است و مسئولیت دیپلومات ها پایان نمی یابد، ولی حقوق بین الملل که افغانستان نیز عضو آن است، قطع روابط دیپلوماتیک را به عنوان یک علت پایان روابط دیپلوماتیک شناخته است، بنابراین، فقه اسلامی با حقوق بین الملل در این زمینه دیدگاه متفاوت دارند.

فرع سوم: جاسوسی

همچنان نخست این علت را از دیدگاه فقه اسلامی بررسی نموده، سپس از دیدگاه حقوق افغانستان مورد بررسی قرار می دهیم و در اخیر میان هر دو مقایسه می نمایم:

الف: در فقه اسلامی: فقهای مسلمان به تفصیل وضعیت سفیر یا مأمور دیپلوماتیک که جاسوس شوند، بحث

¹- حقوق دیپلوماتیک (رهیافت اسلامی)، ص 341.

²- کنوانسیون وین درباره روابط دیپلوماتیک 1961، ماده (45).

³- حقوق دیپلوماتیک، ص 543.

نکرده اند، به نظر می‌رسد آنان تصور نمی‌کردند جاسوسی برای سفیر هم ممکن باشد، زیرا سفیر اساساً با هدف صلح یا آزادی اسیران یا انعقاد معاهده بین المللی یا حل مسایل فیما بین تلاش می‌کند، موضوعی که با یقین با عملیات جاسوسی همخوانی ندارد، زیرا در صورت بر ملا شدن علاوه بر ناسازگاری با مأموریت محوله به تیرگی روابط میان دولتها یا طرفهای ذیربط می‌انجامد، ولی در فقه پیرامون مستأمن جاسوس ابن عابدین⁽¹⁾ رحمه الله چنین وضاحت داده است: (أَنْ يَدْخُلَ مُسْتَأْمَنٌ وَيُفِيَمَ سَنَةً، وَتُضْرَبَ عَلَيْهِ الْجَزْيَةُ وَقَصْدُهُ التَّجَسُّسُ عَلَى الْمُسْلِمِينَ لِخَيْرِ الْعَدُوِّ... لَا يَكُونُ نَقْضًا لِلْعَهْدِ).⁽²⁾

ترجمه: اینکه شخص مستأمن داخل شود و یک سال اقامت بگیرد، و بر بالایش جزیه وضع گردد و هدفش از این اقامت، جاسوسی بر مسلمانان کند تا دشمن را خبر بدهد، این کارش باعث نقض عهد نمی‌گردد.

از این نظر مشخص شد که نزد فقهای اسلامی، امان مستأمن با جاسوسی نقض نمی‌گردد، ولی احمد ابوالوفا رحمه الله راه حلی به این موضوع بیان نموده است: به نظر ما (احمد ابوالوفا) اتخاذ این راه حل به دلایلی بی‌اشکال است:

الف: تجسس از جرایم تعزیری است و چون در تعزیر ولی امر می‌تواند عفو کند، بنابراین به جای مجازات دستور می‌دهد کشور را ترک کند.

ب: این کار همان معامله به مثل است که دولت اسلامی در روابط خود با دیگر دول اتخاذ می‌کند، یعنی در مقابل از جاسوس مسلمان استفاده شود.⁽³⁾

ب: در حقوقی افغانستان: در مورد جاسوسی، حقوقی افغانستان، طوری که ماده 240 کود جزا است، چنین تصریح می‌دارد: (1) هرگاه تبعه دولت خارجی یا شخص بدون تابعیت، مرتکب یکی از اعمال ذیل گردد، عمل وی جاسوسی شمرده می‌شود:

1- ابن عابدین: (1198 - 1252 هـ = 1784 - 1836 م)، محمد أمین بن عمر بن عبد العزيز عابدین الدمشقی، یکی از فقهای دیار شام و از امامان احناف در زمانش بود، تولد و وفاتش در دمشق صورت گرفته و دارای تألیفات زیاد بود، از جمله: رد المحتار علی الدر المختار والعقود الدریة فی تنقیح الفتاوی الحامدیة. بکر بن عبد الله، أبو زید بن محمد بن عبد الله بن بکر بن عثمان بن یحیی بن غیبہ بن محمد (المتوفی: 1429 هـ)، طبقات النسابین، الناشر: دار الرشد، الرياض، الطبعة: الأولى، 1407 هـ - 1987 م، ج 1 ص 185.

2- رد المحتار علی الدر المختار، ج 4 ص 212.

3- حقوق دیپلماتیک (رهیافت اسلامی)، ص 350.

1- تسلیم دهی اسرار نظامی، دفاعی یا امنیتی کشور، به دولت خارجی، سازمان یا گروه ضد دولتی یا گماشتگان آنها.

2- سرقت یا جمع آوری معلومات حاوی اسرار نظامی، دفاعی یا امنیتی کشور، بمنظور تسلیم دهی آن به دولت خارجی، سازمان یا گروه ضد دولتی یا گماشتگان آنها.

3- جمع آوری یا تسلیم دهی معلومات به دستور اطلاعات و استخبارات دولت خارجی که از آن علیه دولت جمهوری اسلامی افغانستان سوء استفاده به عمل آمده بتواند.

(2) مرتکب جرم مندرج فقره (1) این ماده به حبس دوام درجه 2، محکوم می گردد. (1)

نظر به این ماده مشخص گردید که یکی از اتباع خارجی، مأمور دیپلوماتیک است، در صورت که مرتکب جرم جاسوسی گردد، نظر به میزان و نوعیت جرم باید مجازات تعزیری که حبس متوسط درجه 2، می باشد، گردد، همچنان از این ماده کود جزا، دانسته می شود که جاسوسی یکی از علت پایان یافتن مصونیت قضائی دیپلوماتیک می باشد، زیرا همین که به حبس دوام درجه 2، محکوم می گردد، نشاندهنده این است که مصونیت قضائی مأمور دیپلوماتیک پایان یافته و قاضی علیه او در صورتی که این جرم ثابت گردد، حکم حبس صادر می نماید.

ج: مقایسه میان فقه اسلامی و حقوق افغانستان در این مورد: فقه اسلامی و حقوق افغانستان در این مورد، هم دیدگاه مشترک و هم دیدگاه افتراق دارند، که قرار ذیل است:

1- دیدگاه مشترک: فقه اسلامی و حقوق افغانستان، عمل جاسوسی مأمور دیپلوماتیک را جرم دانسته و یکی از علت های پایان یافتن مصونیت قضائی مأمور دیپلوماتیک می دانند.

2- دیدگاه افتراق: در فقه اسلامی این کار نقض عهد به شمار نرفته، ولی دولت پذیرنده می تواند مأمور دیپلوماتیک را از خاک کشورش اخراج نموده و یا اینکه عمل به مثل نماید، این موضوع در حقوق افغانستان تذکر نرفته است، ولی از کود جزا، می توان استنباط کرد، در صورتی که مأمور دیپلوماتیک جرم جاسوسی نماید، به حبس دوام درجه 2 محکوم گردیده و مصونیتش ختم می گردد، ولی تذکر به اخراج مأمور دیپلوماتیک از کشور نرفته است.

1- کود جزا، ماده (240).

مطلب دوم: قواعد لازم الرعایه هنگام خاتمه مصونیت ها

وقتی که مصونیت دیپلمات پایان یافت، یک سلسله قواعد لازم می گردد تا دولت پذیرنده آن را رعایت نماید، این قواعد قرار ذیل اند:

فرع اول: عدم تعرض به مصونیت به محض خاتمه آن

نخستین قاعده که بعد از ختم مصونیت مأمور دیپلماتیک، بالای دولت پذیرنده لازم می گردد تا از آن پیروی نماید، عدم تعرض به مصونیت به محض خاتمه آن است، بنابراین، این موضوع را نخست از دیدگاه فقه اسلامی بیان نموده، سپس از دیدگاه حقوق افغانستان و در اخیر میان هر دو مقایسه می نمایم:

الف: دیدگاه فقه اسلامی: شوکانی⁽¹⁾ رحمه الله درباره این قاعده چنین می نویسد: مسلمان مکلف چنانچه قبل از نهی امام به کسی امان دهد، نقض آن جایز نیست و چنانچه نیرنگ کند به موطنش غالباً باز گردانده می شود، یعنی این سخن که نقض آن جایز نیست، در میان مسلمانان محل اختلاف نیست، بلکه از ضروریات دین است و در آیات قرآن و احادیث صحیح پیامبر صلی الله علیه وسلم وفای به عهد و نهی از عدم وفای آن فراوان آمده و نیرنگ کننده در احادیث بسیار مذمت و توبیخ شده است و اما این سخن: چنانچه نیرنگ کند به موطنش باز گردانده می شود، به این دلیل است که امان نادرست بوده و دریافت کننده امان، گمان به درستی آن برده بود. اگر چنین تصور نداشت نزد ما نمی آمد، بنابراین، بر مسلمان واجب است او را به محل امن باز گرداند و جان و مالش محفوظ است، هرچند امان پس از نهی امام صادر شده و گیرنده امان بر این ممنوعیت جاهل باشد.⁽²⁾

براین پایه، اگر فقهاء تعرض به فرستاده یا کسی که به خطا تحصیل امان کرده است را جایز نمی دانند و آنان را تا هنگام ترک قلمرو اسلامی و رسیدن به مأمن خود مصئون می دانند، پس به طریق اولی آن را نسبت به سفیری که مدتی، کم یا زیاد، در میان مسلمانان اقامت داشته و صفت خود را از دست داده است،

1- شوکانی (1173 - 1250 هـ = 1760 - 1834 م)، محمد بن علی بن محمد بن عبد الله شوکانی، یکی از فقهاء مجتهد و بزرگ در یمن بود، تولدش در شوکان که یکی از قریه های خولان یمن است صورت گرفته است و نشأت و وفات او در صنعاء شده است، او تقلید را حرام می دانست، دارای تالیفات زیاد است از جمله: نیل الأوطار من أسرار منتقى الأخبار، البدر الطالع بمحاسن من بعد القرن، الأبحاث العرضية، وفي الكلام علی حدیث حب الدنيا رأس كل خطیة وغيره. محمد بن علی بن محمد بن عبد الله الشوکانی الیمنی (المتوفی: 1250 هـ)، البدر الطالع بمحاسن من بعد القرن السابع، الناشر: دار المعرفة - بیروت، ج 2 ص 214 - 225.

2- محمد بن علی بن محمد بن عبد الله الشوکانی الیمنی (المتوفی: 1250 هـ)، السیل الجرار المتدفق علی حدائق الأزهار، الناشر: دار ابن حزم، الطبعة: الطبعة الأولى، ج 4 ص 563.

قابل تطبیق می دانند، به شرطی که برخورداری از مصئونیت در مدت معقولی باشد که برای ترک قلمرو اسلامی لازم است.

ب: دیدگاه نظام حقوقی افغانستان: ماده 44 کنوانسیون وین (1961) در مورد چنین تصریح می کند: دولت پذیرنده می باید حتی در صورت وجود منازعات مسلحانه، تسهیلات لازم را فراهم آورد تا اشخاص بهره مند از مزایا و مصئونیت ها به جز اتباع خود و نیز افراد خانواده آنان، بدون توجه به تابعیت شان بتوانند در اولین فرصت خاک این دولت را ترک گویند.⁽¹⁾

از این ماده مشخص گردید که دولت پذیرنده مکلف است، بعد از ختم و پایان مصئونیت دیپلمات ها، برای شان احترام گذاشته و تسهیلات برآمدن از کشورش را مساعد نماید و این بیان گر عدم تعرض به دیپلمات است.

ج: مقایسه میان هردو دیدگاه: با مقایسه و بررسی میان هردو دیدگاه راجع به این مورد، دیده می شود که هردو دیدگاه روی این رعایت این قاعده تاکید دارند و کدام اختلاف میان شان دیده نمی شود.

فرع دوم: اطمینان در رسیدن دیپلمات به مکان امن

نخست این مسئله را از دیدگاه فقه اسلامی مورد بررسی قرار داده، سپس دیدگاه نظام حقوقی افغانستان را در این زمینه بیان داشته و در اخیر میان هردو مقایسه می نمایم:

الف: دیدگاه فقه اسلامی: به نظر فقهای مسلمان حرمت شخص سفیر مستلزم آن است که اطمینان حاصل شود وی قلمرو دولت اسلامی را تا مکان مورد نظر خود و یا محلی امن ترک گفته است، زیرا الله متعال می فرماید: {وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ}.⁽²⁾

ترجمه: و اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی بخواهد به او پناه ده تا کلام خدا را بشنود (و در آن بیندیشد) سپس او را به محل امنش برسان.

امام شافعی رحمه الله در تفسیر این آیه می نویسد: (ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ) يَعْنِي مِنْكَ، أَوْ مِمَّنْ يَقْتُلُهُ عَلَى دِينِكَ أَوْ

¹ - کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک 1961، ماده (44).

² - {التوبة، آیه 6}.

مَمَّنْ يُطِيعُكَ. لَا: أَمَانَهُ غَيْرِكَ: مِنْ عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِ: الَّذِي لَا يَأْمَنُهُ، وَلَا يُطِيعُكَ). (1)

ترجمه: اینکه الله متعال فرمود: او را به مأمّنش برسان، یعنی او را از دست خودت و فرمانبرانت و کسانی که مطابق دین تو وی را می کشد دور کن، نه اینکه او را در امان دشمن خودت و دشمن او که نه به وی امان می دهد و نه از تو فرمان می برد قرار دهی.

خلاصه مشخص گردید که بعد از پایان دوره مأموریت دیپلومات، دیپلومات را باید به محل مأمّنش رسانده شده و از هر نوع کم کاری در این مورد دولت پذیرنده خود داری نماید.

ب: در نظام حقوقی افغانستان: نظام حقوقی افغانستان که در این مورد از حقوق بین الملل گرفته شده است، حقوق بین الملل نیز روی این موضوع تمرکز نموده است، طوری که ماده 44 کنوانسیون وین در مورد بیان می دارد: دولت پذیرنده می باید حتی در صورت وجود منازعات مسلحانه، تسهیلات لازم را فراهم آورد تا اشخاص بهره مند از مزایا و مصئونیت ها به جز اتباع خود و نیز افراد خانواده آنان، بدون توجه به تابعیت شان بتوانند در اولین فرصت خاک این دولت را ترک گویند. دولت مزبور (پذیرنده)، بخصوص باید، در صورت احتیاج، وسائل نقلیه لازم را برای خود و اموالشان در اختیار آنان بگذارد. (2)

از این ماده بوضوح معلوم گردید که دولت پذیرنده مکلف است تا هر نوع تسهیلات را برای دیپلومات ها مساعد و تدارک ببیند تا دیپلومات ها هر چه زود تر و بدون کدام آسیب خاک دولت پذیرنده را ترک نموده و به خاک خود متصل شوند.

ج: مقایسه میان هردو دیدگاه: با بررسی و مقایسه میان هردو دیدگاه، دیده می شود که هردو دیدگاه در این مورد توافق نظر دارند، یعنی باید دیپلومات ها بعد از ختم مأموریت شان به محل مأمّن رسانیده شوند و این مکلفیت دولت پذیرنده است، تا این تسهیلات را برای دیپلومات ها مساعد نموده و تا رسانیدن به محل مأمّن با آنها همکاری نماید.

فرع سوم: لزوم احترام به خانواده دیپلومات حتا با خاتمه مصئونیت شان

1- أحمد بن الحسين بن علي بن موسى الخُسْرُو جردی الخراساني، أبو بكر البيهقي (المتوفى : 458هـ)، أحكام القرآن للشافعي - جمع البيهقي، الناشر : مكتبة الخانجي - القاهرة، الطبعة : الثانية ، 1414 هـ - 1994 م، ج 2 ص 65.

2- کنوانسیون وین درباره روابط دیپلوماتیک، 1961، ماده (44).

نخست این مسئله را از دیدگاه فقه اسلامی مورد بررسی قرار داده، سپس دیدگاه نظام حقوقی افغانستان را در این زمینه بیان داشته و در اخیر میان هردو مقایسه می‌نمایم:

الف: دیدگاه فقه اسلامی: فقه اسلامی نسبت به خانواده دیپلمات دیدگاه برتر را عملی دانسته، طوری که امام نووی رحمه الله می‌نویسد: (وَلَوْ دَخَلَ حَرْبِي دَارَنَا بِأَمَانٍ أَوْ ذِمَّةٍ أَوْ لِرِسَالَةٍ فَتَقَضَّ الْعَهْدَ وَلَحِقَ بِدَارِ الْحَرْبِ، وَمِنْ أَسْبَابِ النَّقْضِ أَنْ يَعُودَ لِيَتَوَطَّنَ هُنَاكَ، فَلَا يُسْبَى أَوْلَادُهُ عِنْدَنَا، وَإِنْ مَاتَ فَأَبْلُغُوا، فَإِذَا بَلَّغُوا وَقَبِلُوا الْجَزِيَّةَ، تُرْكُوا، وَإِلَّا بُلَّغُوا الْمَأْمَنَ).⁽¹⁾

ترجمه: اگر کافر حربی با امان یا ذمه یا به قصد رسالت وارد قلمرو ما شود و نقض پیمان کند یا به دار الحرب بپیوندد - و از موارد نقض آن است که به دار الحرب بر گردد تا آنجا توطن کند - فرزندان وی که نزد ما باقی می‌مانند در امان اند. اگر کافر حربی بمیرد به فرزندان وی اطلاع می‌دهند. پس از اطلاع چنانچه جزیه را بپذیرند رها می‌شوند و الا آنها را به مأمنشان می‌رسانند.

از سخنان نووی رحمه الله دانسته شد که فقه اسلامی اندیشه سرایت مصئونیت و امان را به خانواده و اقارب دارندگان مصئونیت شناسایی کرده است.

ب: در نظام حقوقی افغانستان: نظام حقوقی افغانستان در این مورد برگرفته از حقوق بین الملل است، حقوق بین الملل نیز بر لزوم احترام به خانواده دیپلمات حتا با خاتمه مصئونیت شان تاکید می‌دارد، طوری که ماده 44 کنوانسیون وین در مورد بیان می‌دارد: دولت پذیرنده می‌باید حتی در صورت وجود منازعات مسلحانه، تسهیلات لازم را فراهم آورد تا اشخاص بهره‌مند از مزایا و مصئونیت‌ها به جز اتباع خود و نیز افراد خانواده آنان، بدون توجه به تابعیت شان بتوانند در اولین فرصت خاک این دولت را ترک گویند. دولت مزبور (پذیرنده)، بخصوص باید، در صورت احتیاج، وسائل نقلیه لازم را برای خود و اموالشان در اختیار آنان بگذارد.⁽²⁾

در این ماده دیده شد که دولت پذیرنده علاوه از خود دیپلمات، به خانواده دیپلمات هم تمام تسهیلات لازم را فراهم نماید، تا دیپلمات همراه خانواده اش بدون کدام مشکل خاک دولت پذیرنده را ترک نموده و به مأمن که کشور خودش است، برسد.

¹- روضة الطالبین وعمدة المفتین، ج 10 ص 289.

²- کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک 1961، ماده (44).

ج: مقایسه میان هردو دیدگاه در این مورد: با مقایسه و بررسی میان هردو دیدگاه، دیده می شود که هردو دیدگاه در این مورد، دیدگاه واحد هستند، یعنی همان حقوق و امتیازاتی را که مأمور دیپلومات برخوردار می گردد، همان حقوق و امتیازات برای خانواده و اقاربش نیز در نظر گرفته شود.

فرع چهارم: لزوم اعطای مهلت معقول به دیپلومات ها برای ترک قلمرو

نخست این مسئله را از دیدگاه فقه اسلامی مورد بررسی قرار داده، سپس دیدگاه نظام حقوقی افغانستان را در این زمینه بیان داشته و در اخیر میان هردو مقایسه می نمایم:

الف: دیدگاه فقه اسلامی: از دیدگاه فقه اسلامی برای دیپلومات ها می توان مهلت معقول داد تا قلمرو را براحتی بتوانند ترک کنند، از همین جهت ابن عابدین رحمه الله می نویسد: (لَا يُمَكَّنُ حَرْبِيٌّ مُسْتَأْمَنٌ فِينَا سَنَةً... لِجَوَازِ تَوْقِيتِ مَا دُونَهُ كَشَهْرٍ وَشَهْرَيْنِ دُرُرٌ لَكِنْ يَنْبَغِي أَنْ لَا يُلْحَقَهُ ضَرَرٌ بِتَقْصِيرِ الْمُدَّةِ جِدًّا).⁽¹⁾

ترجمه: هرگاه اقامت کافر حربی مستأمن در میان ما به مدت یک سال ممکن نباشد، می توان به کمتر از آن، یعنی یک ماه یا دو ماه توافق کرد، ولی هرگز نباید به دلیل کوتاه شدن مدت به وی زیانی وارد آید.

همچنان در کتاب «شرح السیر الکبیر» آمده است: به کافر حربی یا مستأمن باید به میزانی مهلت داد که به وی زیانی نرسد.⁽²⁾ (به نظر ما به طریق اولی بر فرستادگان و ماموران دیپلوماتیک نیز قابل تسری است).

همچنین در جای دیگر چنین بیان نموده است: (ولو أن مسلماً أمن حربياً فکره الإمام مقامه في دار الإسلام فإنه يتقدم إليه في الخروج. ولأن للإمام ولاية النذب بعد صحة الأمان فلا يكون ذلك إلا بعد أن يبلغه مأمنه فيتقدم إليه في الخروج ويجعل له من المهلة ما يتمكن فيها من الخروج بغير ضرر بمنزلة المستأمن).⁽³⁾

ترجمه: اگر مسلمانی به کافر حربی امان دهد، ولی امام از اقامت او در قلمرو اسلامی ناخشنود باشد، اخراج می شود، زیرا امام می تواند امان را بعد از اعطای آن رد کند، ولی باید او را تا مأمنش برساند.

¹- رد المحتار علی الدر المختار، ج 4 ص 168.

²- محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة السرخسي (المتوفى: 483هـ)، شرح السیر الکبیر، الناشر: الشركة الشرقية للإعلانات، 1971م، ج 2 ص 106.

³- همان مرجع، ج 2 ص 228.

مهلتی که برای خروج در اختیارش قرار می دهند باید به میزانی باشد که بتواند بدون هر گونه خسارتی (همچون مستأمنی که در یک مدت طولانی در قلمرو ما اقامت دارد) خارج شود.

خلاصه در فقه اسلامی لزوم اعطای مهلت معقول به فرستادگان برای ترک قلمرو تأکید صورت گرفته است، که مختصراً تذکر رفت.

ب: دیدگاه نظام حقوقی افغانستان: نظام حقوقی افغانستان و دیگر دولتها بر اساس کنوانسیون وین 1961، برای دیپلماتی که مأموریت او به هر دلیلی خاتمه یابد، مدت معقولی در نظر می گیرند تا قلمرو دولت پذیرنده را ترک کند، در این مدت از مصئونیتها و مزایای مقرر بر خوردار است.

ج: مقایسه میان هردو دیدگاه راجع به این مورد: فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان لزوم اعطای مهلت معقول به فرستادگان برای ترک قلمرو را یک حق از حقوق دیپلمات دانسته و به انجام آن از طرف دولت پذیرنده تأکید نموده اند، علاوه بر اینکه در فقه اسلامی برای کافر حربی مستأمن نیز این ویژگی در نظر گرفته شده است.

فرع پنجم: منع توسل به اقدامات متقابل در چهارچوب حقوق دیپلماتیک

همچنان این مسئله را نخست از دیدگاه فقه اسلامی مورد بررسی قرار داده، سپس دیدگاه نظام حقوقی افغانستان را در این زمینه بیان داشته و در اخیر میان هردو مقایسه می نمایم:

الف: دیدگاه فقه اسلامی: آنچه در فقه اسلامی آمده است، نشان می دهد که فقه اسلامی در این باره پیشگام بوده است، طوری که در کتاب «شرح السیر الکبیر» آمده است: اگر در امان فرستاده شرط شود، گرچند مسلمان چیزی از او نستاند، چنانچه با فرستادگان ما همین رفتار می کنند شایسته است مسلمانان نیز چنین شرط کنند و به آن وفا نمایند. اگر آنان با فرستادگان ما چنین شرط می کنند و با آن وفا نمی کنند شایسته است ما نیز چنین شرطی را به نفع فرستادگان آنان نپذیریم، اما اگر پذیرفتیم باید به آن وفادار باشیم.⁽¹⁾

به برداشت ما معنی عبارت فوق این است که وفای به عهد بر اصل معامله به مثل مقدم است، این برداشت با تعلیل امام سرخسی رحمه الله روشن می شود: چنانچه آنان در امان نیرنگ کنند و با وجود تعهدی که

1- شرح السیر الکبیر، ج 5 ص 179.

دادند با فرستادگان ما بدرفتاری کنند، در آن صورت پاسخ نیرنگ، نیرنگ نخواهد بود، گویا اینکه آنان گروگانهای ما را بکشند ما مجاز به کشتن گروگانهای آنان نیستیم.⁽¹⁾

بر این اساس می توان گفت فقهای مسلمان بیش از ده قرن قبل، اصل عدم توسل به اقدامات متقابل را در چهار چوب حقوق دیپلماتیک، پیش از کمیسیون حقوق بین الملل یافته اند و تأکید نمودند بر فرض پایبند نبودن طرف متقابل به تعهدات خود معامله به مثل روانیست.

ب: دیدگاه نظام حقوقی افغانستان: توسل به اقدامات متقابل گرچه از دیرباز در روابط بین دولتها وجود داشت، اما اکنون یکی از مشخصات بارز روابط بین الملل معاصر است؛ برای مثال ممکن است، دولت «الف» اموال دولت «ب» را ضبط کند. دولت «ب» نیز در اقدامی متقابل دولت «الف» را که در قلمرو اوسط ضبط می کند. بدون شک توسل به اقدام متقابل با برخی از اصول مسلم حقوق بین الملل نوین در تعارض است، مانند:

1- اصل ممنوعیت وحدت مدعی و داور در یک زمان، یا ممنوعیت اینکه شخص قاضی پرونده خود باشد.

2- معمولاً دولتهای قوی به اقدام متقابل متوسل می شوند و این به اصل برابری دولتها که یکی از پایه های حقوق بین الملل نوین است، لطمه وارد می سازد.

3- توسل به این گونه اقدامات در بسیاری از موارد به سوء استفاده از آن منتهی می شود.⁽²⁾

از این روست که گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بین الملل توسل به اقدامات متقابل را در چهارچوب روابط دیپلماتیک دو جانبه و چند جانبه مجاز ندانست و اعلام کرد: دولت زیان دیده نمی تواند به عنوان اقدام متقابل به رفتاری متوسل شود که به روند عادی دیپلماسی دو جانبه یا چند جانبه لطمه شدید وارد می کند.⁽³⁾

¹- همان مرجع، ج 5 ص 179.

²- حقوق دیپلماتیک (رهیافت اسلامی)، ص 357.

³- همان مرجع، ص 357.

ج: مقایسه میان هردو دیدگاه: با مقایسه و بررسی میان هردو دیدگاه، دیده می شود که هر دو دیدگاه در این مورد، دیدگاه مشترک دارند، با این تفاوت که فقه اسلامی حتی از آنچه کمیسیون حقوق بین الملل به آن رسیده است، جلوتر می روند و معامله به مثل را در وضعیت عدم اعطای امتیازات مالی توافق شده جاری نمی دانند، زیرا در اسلام پاسخ نیرنگ، نیرنگ نیست، چون وفای به یک نیرنگ بهتر است از آنکه نیرنگی را با نیرنگ پاسخ داد.

نتیجه گیری

از این تحقیق نتایج ذیل را بدست آوردم:

- 1- اصل مسئولیت قضائی دیپلماتیک یکی از مباحث مهم در فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان بوده است، که حتی فقه اسلامی در توسعه آن سهم دارد، به طوری که می توان گفت اصل مسئولیت سفیران براساس قاعده «امان» یکی از اصول شناسایی شده فقه اسلامی است، به همین شکل نظام حقوقی افغانستان این اصل را از حقوق بین الملل بدست آورده است
- 2- در خصوص مبنای پذیرش مسئولیتهای دیپلماتیک در فقه اسلامی باید گفت نگاه فقه اسلامی در این خصوص به سان نگاه حقوق دیپلماتیک امروزی است، یعنی پذیرش هم زمان دو نظریه نمایندگی و مصلحت خدمت، با این تفاوت که اعطای مسئولیتهای در اسلام قرنهای پیش از تدوین کنوانسیونهای حقوق دیپلماتیک امری بدیهی و مسلم نزد فقهای مسلمان بوده است.
- 3- از نظر فقهای اسلامی معافیههای مالی و گمرکی بر اساس «رفتار متقابل» در نظر گرفته می شود. در نتیجه با مبنای معافیههای گمرکی در حقوق بین الملل معاصر و ماده 34 کنوانسیون و 1961 وین، یعنی نزاکت مبتنی بر رفتار متقابل مخالفتی ندارد و نظام حقوقی افغانستان هم از حقوق بین الملل تأثیر پذیر است.
- 4- فقه اسلامی با نظام حقوقی افغانستان، راجع به مسئولیت قضائی دیپلماتیک تا حدی دیدگاههای مشترک دارند و در کمتر موارد با هم افتراقات دارند.
- 5- دیپلمات در مدت مأموریت، نماینده کشور متبوع خود هستند و نمایانگر قدرت و استقلال و حاکمیت ملی آن خواهند بود، از این رو وظایفی در مقابل کشور پذیرنده و دولت فرستنده خویش دارند.
- 6- در فقه اسلامی استقرار و برقراری روابط دیپلماتیک و مسئولیت قضائی دیپلماتها بر اصولی استوار است؛ از جمله اصل نفی سبیل و عزت اسلامی، اصل دعوت، اصل رعایت احترام متقابل،

اصل وفای به عهد و اصل عدم تعدی و تجاوز به حقوق بنده، ولی در نظام حقوقی افغانستان این اصول در نظر گرفته نشده است، جز اصل رعایت احترام متقابل.

7- هرچند به تناسب پیچیدگی و گسترش روابط بین الملل حقوق دیپلماتیک نیز تکامل یافته است، با توجه به جهان شمولی فقه اسلامی و نقش دیپلوماسی فعال در پیشرفت اهداف والای این فقه، محدودیتی خاص نسبت به گسترش روابط دیپلماتیک وجود ندارد.

پیشنهادهای

برای اینکه مردم مسلمان افغانستان راجع به مسئولیت قضائی دیپلماتها و نقش آنها در روابط دولت افغانستان با دولتهای دیگر، آگاهی بهتر و خوبتر حاصل نمایند، موارد ذیل را پیشنهاد می کنم:

1- در این رساله مسئولیت قضائی دیپلماتها مطابق فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان معرفی گردیده است، بنابر این به دولت امارت اسلامی افغانستان پیشنهاد می کنم، که یک قانون راجع به قانون دیپلماتها که در آن بحث از تمام مسایل دیپلماتیک بخصوص مسئولیت قضائی شان شده باشد، طرح، تصویب و با اجرا بگذارند، تا مردم افغانستان این قانون را مطالعه نموده و تلاش نمایند به دیپلماتها تعدی و تجاوز ننمایند تا روابط افغانستان با دیگر کشورها در هر عرصه از طریق دیپلماتها محکم بر قرار گردد.

2- به وزارت های محترم معارف و تحصیلات عالی که معهد علم، پرورش و نمونه الگوگیری برای دیگر وزارت ها و نهادهای داخلی و خارجی هستند، پیشنهاد می کنم تا هر وقت و هر زمان راجع به اهمیت و ارزش دیپلماتها و سفرای کشورهای منطقه، بخصوص مسئولیت قضائی دیپلماتها به تمام مراکز تعلیمی و تحصیلی هدایت دهند، تا معلمین و اساتید به متعلمین و محصلین این موضوع را آگاهی دهند، تا جوان تعلیم و تحصیل یافته افغانستان از حقوق و مسئولیت دیپلماتها آگاهی حاصل نموده و همیشه به دیپلماتها دیدی احترام گونه داشته باشند.

3- برای پوهنتون سلام که یک پوهنتون علمی و آکادمیک است، پیشنهاد می نمایم تا در این عرصه باز هم تحقیقات بیشتر و بهتر انجام دهند. بر این اساس موضوع را که من کار کردم، مسئولیت قضائی دیپلماتها در فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان بود، ولی عناوین دیگری هم است که بهتر است تا روی آنها به حیث منوگراف لیسانس و تیزس ماستری قرار گرفته و کار شوند، از

جمله: 1- نقش دیپلومات در روابط میان دولتها در فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان. 2- احکام معاهدات میان دولتها در فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان. 3- چگونگی ارتباط دولتها در فقه اسلامی و حقوق. 4- مسئولیت قضائی پارلمان در فقه اسلامی و حقوق و غیره.

4- برای علمای کرام و حقوق دانان پیشنهاد می کنم تا سیستم آگاهی دهی شان را در رسانه های صوتی و تصویری روی این موضوع و سائر موضوعات که نقش به سزای در ارتباط سازی افغانستان با کشورهای دیگر دارند، بیشتر نمایند.

فهرست آیات های قرآنی

شماره	آیات	سوره	شماره آیت	صفحه
1	فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ	التوبة	5	66
2	قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ...	العنكبوت	20	29
3	لَا يَنْهَاكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ...	المتحنة	8	108
4	وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدِينَ مِنْ رِجَالِكُمْ...	البقرة	282	84
5	وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ...	التوبة	6	113، 53، 50
6	وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ...	المائدة	45	102
7	وَأَشْهِدُوا ذُويَ عَدْلٍ مِنْكُمْ...	الطلاق	2	85
8	وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ...	الانفال	73	84
9	وَأَنْ أَحْكَمْ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ...	المائدة	49	75، 72
10	وَلَا يَأْبَ الشَّهَادَةَ إِذَا مَا دُعُوا...	البقرة	282	87
11	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةٌ بَيْنَكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ...	المائدة	106	85
12	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ...	النور	27	63، 26

فهرست أحاديث نبوي

شماره	حديث	صفحه
1	إِنَّا لَمْ نَجِئْ لِقِتَالِ أَحَدٍ وَلكِنَّا جِئْنَا مُعْتَمِرِينَ وَإِنَّ قُرَيْشًا قَدْ نَهَكْتَهُمُ الْحَرْبُ...	11
2	أَنَّهُمْ أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ عَلَى رِبَاعَتِهِمْ	11
3	إِنِّي لَا أُحِبُّ بِالْعَهْدِ وَلَا أُحِبُّ الْبُرْدَ وَلَكِنْ ارْجِعْ إِلَيْهِمْ، فَإِنْ كَانَ فِي قَلْبِكَ الَّذِي فِي قَلْبِكَ الْآنَ، فَارْجِعْ.	30
4	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، مِنْ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى كِسْرَى...	15
5	ذِمَّةُ الْمُسْلِمِينَ وَاحِدَةٌ يَسْعَى بِهَا أَدْنَاهُمْ فَمَنْ أَخْفَرَ مُسْلِمًا فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ...	51
6	لَا تَفْدِيكُمْوهُمَا حَتَّى يَفْدِمَ صَاحِبَانَا - يَعْنِي سَعْدَ بْنَ أَبِي وَقَاصٍ، وَعُثْبَةَ بْنَ عَزْرَانَ...	101
7	لَوْلَا أَنَّكَ رَسُولٌ، لَضَرَبْتُ عُقُقَكَ»، وَأَنْتَ الْيَوْمَ لَسْتَ بِرَسُولٍ.	106 - 107
8	مَنْ يَنْطَلِقُ بَكْتَابِي هَذَا إِلَى قَيْصِرٍ وَلَهُ الْجَنَّةُ...	100
9	وَاللَّهِ لَوْلَا أَنَّ الرُّسُلَ لَا تُقْتَلُ لَضَرَبْتُ أَعْنَاقَكُمْ.	35، 46، 52، 89، 55
10	وَاللَّهُ مُمَزَّقُهُ، وَمُمَزَّقُ مُلْكُهُ...	16

فهرست اعلام

21	ابن الاثير	1
27	ابن العربي	2
46	ابن جماعه	3
86	ابن حزم ظاهري	4
110	ابن عابدين	5
43	ابن قدامه	6
55	ابن قيم الجوزية	7
50	ابن كثير	8
20	ابن منظور افريقي	9
46	ابن نجيم حنفي	10
12	ابوزهره	11
68	احمد ابوالوفا	12
91	بغوي	13
102	حداد	14
55	خطابي	15
71	خطيب الشربيني	16
29	زيلعي	17
27	سرخسي	18
112	شوكاني	19

22	صلاح عامر	20
30	صنعانی	21
40	عثمان ضمیر یه،	22
40	فهد بن صالح بن محمد اللحيان	23
72	کاسانی	24
40	مرتضی زبیدی	25
90	مرغینانی	26
61	مقریزی	27
28	نووی	28

فهرست منابع و مأخذ

قرآن كريم

1. ابن أبي يعلى، محمد بن محمد، أبو الحسين ابن أبي يعلى، (المتوفى: 526هـ)، مختصر طبقات الحنابلة، المحقق: محمد حامد الفقي، الناشر: دار المعرفة - بيروت.
2. ابن الأثير، علي بن أبي الكرم محمد بن محمد بن عبد الكريم بن عبد الواحد أبو الحسن الشيباني الجزري، عز الدين ابن الأثير (المتوفى: 630هـ)، الكامل في التاريخ، تحقيق: عمر عبد السلام تدمري، الناشر: دار الكتاب العربي، بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، 1417هـ / 1997م.
3. ابن الأثير، المبارك بن محمد بن محمد بن عبد الكريم، مجد الدين، أبو السعادات، الشيباني، الجزري، (المتوفى: 606هـ)، النهاية في غريب الحديث والأثر، تحقيق: طاهر أحمد الزاوي - محمود محمد الطناحي، الناشر: المكتبة العلمية - بيروت، 1399هـ - 1979م.
4. ابن العربي، محمد بن عبد الله أبو بكر بن العربي المعافري الاشبيلي المالكي (المتوفى: 543هـ)، أحكام القرآن، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، الطبعة: الثالثة، 1424هـ - 2003م.
5. ابن الفراء، محمد بن الحسين بن محمد بن خلف، أبو يعلى، المعروف بـ ابن الفراء (المتوفى: 458هـ)، رسل الملوك ومن يصلح للرسالة والسفارة، المحقق: صلاح الدين المنجد، الناشر: دار الكتاب الجديد - بيروت، الطبعة: الثانية، 1392هـ، 1972م.
6. ابن الهمام، محمد بن عبد الواحد السيواسي، كمال الدين المعروف بابن الهمام (المتوفى: 861هـ)، فتح القدير، الناشر: دار الفكر، بيروت.
7. ابن جماعة، محمد بن إبراهيم بن سعد الله بن جماعة الكناني الحموي الشافعي، أبو عبد الله، بدر الدين (المتوفى: 733هـ)، تحرير الأحكام في تدبير أهل الإسلام، الناشر: دار الثقافة بتفويض من رئاسة المحاكم الشرعية بقطر - قطر/ الدوحة، الطبعة: الثالثة، 1408هـ - 1988م.
8. ابن حجر، أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر أبو الفضل العسقلاني (المتوفى: 852هـ)، التلخيص الحبير، المحقق: محمد الثاني بن عمر بن موسى، الناشر: دار أضواء السلف، الطبعة: الأولى، 1428هـ - 2007م.
9. ابن حجر، أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر أبو الفضل العسقلاني (المتوفى: 852هـ)، لسان الميزان، المحقق: دائرة المعارف النظامية - الهند، الناشر: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية، 1390هـ / 1971م.

10. ابن حجر، أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر أبو الفضل العسقلاني (المتوفى: 852هـ)، المطالبُ العالِيَةُ بِزَوَائِدِ الْمَسَانِيدِ الثَّمَانِيَةِ، الناشر: دار العاصمة للنشر والتوزيع - دار الغيث للنشر والتوزيع، الطبعة: الأولى، 1419 هـ - 1998 م.
11. ابن حديدة، محمد (أو عبد الله) بن علي بن أحمد بن عبد الرحمن بن حسن الأنصاري، أبو عبد الله، جمال الدين ابن حديدة (المتوفى: 783هـ)، المصباح المضي في كتاب النبي الأمي ورسله إلى ملوك الأرض من عربي وعجمي، المحقق: محمد عظيم الدين، الناشر: عالم الكتب - بيروت.
12. ابن خلكان، أبو العباس شمس الدين أحمد بن محمد بن إبراهيم بن أبي بكر ابن خلكان البرمكي الإربلي (المتوفى: 681هـ)، وفيات الأعيان وأنباء أبناء الزمان، المحقق: إحسان عباس، الناشر: دار صادر - بيروت، الطبعة: 1، 1994م.
13. ابن رجب، عبد الرحمن بن أحمد بن رجب بن الحسن، البغدادي، ثم الدمشقي، السلامي، زين الدين الحنبلي (المتوفى: 795هـ)، ذيل طبقات الحنابلة، المحقق: عبد الرحمن بن سليمان العثيمين، الناشر: مكتبة العبيكان - الرياض، الطبعة: الأولى، 1425 هـ - 2005 م.
14. ابن زنجويه، حميد بن مخلد بن قتيبة بن عبد الله الخرساني، أبو أحمد المعروف بابن زنجويه (المتوفى: 251هـ)، الأموال لابن زنجويه، تحقيق: شاكر ذيب فياض الأستاذ المساعد - بجامعة الملك سعود، الناشر: مركز الملك فيصل للبحوث والدراسات الإسلامية، السعودية، الطبعة: الأولى، 1406 هـ - 1986 م.
15. ابن سيد الناس، محمد بن محمد بن أحمد بن محمد بن أحمد، اليعمرى الربيعي، أبو الفتح، فتح الدين (المتوفى: 734هـ)، عيون الأثر في فنون المغازي والشمائل والسير، الناشر: دار القلم - بيروت، الطبعة: الأولى، 1993/1414م.
14. ابن شبة، عمر بن شبة (واسمه زيد) بن عبيدة بن ربيعة النميري البصري، أبو زيد (المتوفى: 262هـ)، تاريخ المدينة لابن شبة، حققه: فهيم محمد شلتوت، الناشر: السيد حبيب محمود أحمد - جدة، 1399 هـ.
14. ابن عابدين، محمد أمين بن عمر بن عبد العزيز الدمشقي الحنفي (المتوفى: 1252هـ)، رد المحتار على الدر المختار، الناشر: دار الفكر-بيروت، الطبعة: الثانية، 1412هـ - 1992م.
15. ابن فرحون، إبراهيم بن علي بن محمد، برهان الدين اليعمرى المالكي (المتوفى: 799هـ)، الديباج المذهب في معرفة أعيان علماء المذهب، تحقيق وتعليق: محمد الأحمدى أبو النور، الناشر: دار التراث للطبع والنشر، القاهرة.

16. ابن قاضي شهبة الأسدي، أبو بكر بن أحمد بن محمد بن عمر الشهبي الدمشقي، تقي الدين (المتوفى: 851هـ)، طبقات الشافعية، المحقق: الحافظ عبد العليم خان، دار النشر: عالم الكتب - بيروت، الطبعة: الأولى، 1407 هـ.
17. ابن قدامة، عبد الله بن أحمد بن محمد بن قدامة الجماعيلي المقدسي ثم الدمشقي الحنبلي، أبو محمد موفق الدين، الشهير بابن قدامة المقدسي (المتوفى: 620هـ)، المغني لابن قدامة، الناشر: مكتبة القاهرة، القاهرة، 1388هـ - 1968م.
18. ابن قُطُوبغا، أبو الفداء زين الدين أبو العدل قاسم بن قُطُوبغا السوداني (نسبة إلى معتق أبيه سودون الشبخوني) الجمالي الحنفي (المتوفى: 879هـ)، تاج التراجم، المحقق: محمد خير رمضان يوسف، الناشر: دار القلم - دمشق، الطبعة: الأولى، 1413 هـ - 1992م.
19. ابن قيم الجوزية، محمد بن أبي بكر بن أيوب بن سعد شمس الدين ابن قيم الجوزية (المتوفى: 751هـ)، زاد المعاد في هدي خير العباد، الناشر: مؤسسة الرسالة، بيروت، الطبعة: السابعة والعشرون، 1415هـ / 1994م.
20. ابن كثير، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري ثم الدمشقي (المتوفى: 774هـ)، تفسير القرآن العظيم، المحقق: سامي بن محمد سلامة، الناشر: دار طيبة للنشر والتوزيع، بيروت، الطبعة: الثانية 1420هـ - 1999م.
21. ابن كثير، إسماعيل بن عمر بن كثير أبو الفداء القرشي البصري ثم الدمشقي (المتوفى: 774هـ)، البداية والنهاية، المحقق: علي شيري، الناشر: دار إحياء التراث العربي، بيروت، الطبعة: الأولى 1408هـ - 1988م.
22. ابن مفلح، إبراهيم بن محمد بن عبد الله بن محمد ابن مفلح، أبو إسحاق، برهان الدين (المتوفى: 884هـ)، المقصد الأرشد في ذكر أصحاب الإمام أحمد، المحقق: عبد الرحمن بن سليمان العثيمين، الناشر: مكتبة الرشد - الرياض - السعودية، الطبعة: الأولى، 1410هـ - 1990م.
23. ابن منظور، محمد بن مكرم بن علي، أبو الفضل، جمال الدين ابن منظور الأنصاري الرويفعي الإفريقي (المتوفى: 711هـ)، لسان العرب، الناشر: دار صادر - بيروت، الطبعة: الثالثة - 1414 هـ.
24. ابن نجيم، زين الدين بن إبراهيم بن محمد، المعروف بابن نجيم المصري (المتوفى: 970هـ)، البحر الرائق شرح كنز الدقائق، الناشر: دار الكتاب الإسلامي، بيروت، الطبعة: الثانية.

25. أبو داود، سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو، الأزدي السجستاني (المتوفى: 275هـ)، سنن أبي داود، المحقق: شعيب الأرنؤوط - مَحْمَدٌ كَامِلٌ قره بللي، الناشر: دار الرسالة العالمية، بيروت، الطبعة: الأولى، 1430 هـ - 2009 م.
26. أبو يوسف، يعقوب بن إبراهيم بن حبيب بن سعد بن حنيفة الأنصاري، (المتوفى: 182هـ)، الخراج، تحقيق: طه عبد الرؤوف سعد، سعد حسن محمد، الناشر: المكتبة الأزهرية للتراث، القاهرة.
27. ابوزهره، احمد. الجريمة، دارالفكر العربي، بيروت.
28. ابوزهره، محمد بن أحمد بن مصطفى بن أحمد المعروف بأبي زهرة (المتوفى: 1394هـ)، خاتم النبيين صلى الله عليه وآله وسلم، الناشر: دار الفكر العربي - القاهرة، 1425 هـ.
29. احمد ابوالوفا، حقوق ديپلوماتيك (رهيافت اسلامي)، مترجم: سيد مصطفى ميرمحمدي، سازمان مطالعه و تدوين كتب علوم انساني دانشگاهها (سمت)، مركز تحقيق و توسعه علوم انساني، تهران، چاپ دوم، 1393 هـ.ش.
30. أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد أبو عبد الله الشيباني (المتوفى: 241هـ)، مسند الإمام أحمد بن حنبل، المحقق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد، وآخرون، الناشر: مؤسسة الرسالة، بيروت، الطبعة: الأولى، 1421 هـ - 2001 م.
31. الألباني، محمد ناصر الدين (المتوفى: 1420هـ)، صحيح وضعيف سنن أبي داود، برنامج منظومة التحقيقات الحديثية - المجاني - من إنتاج مركز نور الإسلام لأبحاث القرآن والسنة بالإسكندرية.
32. انصاري، هرمز، ديپلومات و روابط ديپلوماتيك، اصفهان، انتشارات نور معرفت، 1351 هـ.ش.
33. ايوبى، محمد آصف، افغانستان و صد سال سياست خارجى، روزنامه هشت صبح، كابل، ميزان 1398 هـ.ش.
34. آلدپوش، على و على رضا توتونچيان، ديپلمات و ديپلوماسى، وزارت خارجه ايران، چاپ اول، 1372 هـ.ش.
35. أنتونيوكاسسه، حقوق بين الملل، مترجم: حسين شريفى طراز كوهى، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامى، چاپ اول، 1385 هـ.ش.
36. البخاري، محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة البخاري، أبو عبد الله (المتوفى: 256هـ)، صحيح البخارى، الناشر: دار الشعب - القاهرة، الطبعة: الأولى، 1407 - 1987.

37. البغوي، الحسين بن مسعود بن محمد بن الفراء، محيي السنة، أبو محمد الشافعي (المتوفى: 516 هـ)، التهذيب في فقه الإمام الشافعي، المحقق: عادل أحمد عبد الموجود، علي محمد معوض، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت، الطبعة: الأولى، 1418 هـ - 1997 م.
38. بكر بن عبد الله، أبو زيد بن محمد بن عبد الله بن بكر بن عثمان بن يحيى بن غيهب بن محمد (المتوفى: 1429 هـ)، طبقات النسابين، الناشر: دار الرشد، الرياض، الطبعة: الأولى، 1407 هـ - 1987 م.
39. بلايلية معمر، الحماية القانونية للبعثات الدبلوماسية، مذكرة التخرج لنيل اجازة المدرسة العليا للقضا، الدفعة السابعة عشر، 2006 - 2009 م.
40. البهوتي، منصور بن يونس بن صلاح الدين ابن حسن بن إدريس الحنبلي (المتوفى: 1051 هـ)، كشف القناع عن متن الإقناع، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت.
41. البيهقي، أحمد بن الحسين بن علي بن موسى الخُسْرُوْجْردي الخراساني، أبو بكر (المتوفى: 458 هـ)، دلائل النبوة ومعرفة أحوال صاحب الشريعة، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى - 1405 هـ.
42. البيهقي، أحمد بن الحسين بن علي بن موسى الخُسْرُوْجْردي الخراساني، أبو بكر (المتوفى: 458 هـ)، أحكام القرآن للشافعي - جمع البيهقي، الناشر: مكتبة الخانجي - القاهرة، الطبعة: الثانية، 1414 هـ - 1994 م.
43. جواد صدر، حقوق ديپلوماتيك و كنسولي، تهران، دانسگاه تهران، چاپ هفتم، 1383 هـ ش.
44. الحدادي، أبو بكر بن علي بن محمد الحدادي العبادي الزببديّ اليميني الحنفي (المتوفى: 800 هـ)، الجوهرة النيرة، الناشر: المطبعة الخيرية، الطبعة: الأولى، 1322 هـ.
45. الحلبي، علي بن إبراهيم بن أحمد، أبو الفرج، نور الدين ابن برهان الدين (المتوفى: 1044 هـ)، إنسان العيون في سيرة الأمين المأمون، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الثانية - 1427 هـ.
46. الحموي، ياقوت بن عبد الله شهاب الدين أبو عبد الله الرومي (المتوفى: 626 هـ)، معجم البلدان، الناشر: دار صادر، بيروت، الطبعة: الثانية، 1995 م.
47. الخرشي، محمد بن عبد الله الخرشي المالكي أبو عبد الله (المتوفى: 1101 هـ)، شرح مختصر خليل للخرشي، الناشر: دار الفكر للطباعة - بيروت.
48. الخطابي، حمد بن محمد بن إبراهيم بن الخطاب البستي أبو سليمان المعروف بالخطابي (المتوفى: 388 هـ)، معالم السنن، الناشر: المطبعة العلمية - حلب، الطبعة: الأولى 1351 هـ - 1932 م.

49. الخطيب الشربيني، محمد بن أحمد، شمس الدين، الخطيب الشربيني الشافعي (المتوفى: 977هـ)، مغني المحتاج إلى معرفة معاني ألفاظ المنهاج، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت، الطبعة: الأولى، 1415هـ - 1994م.
50. ديهيم، على رضا، حقوق ديپلوماتيك و كنسولى، مشهد، دانشگاه علوم اسلامى رضوى، 1385هـ ش.
51. الذهبي، شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قَائِمَاز (المتوفى: 748هـ)، تاريخ الإسلام وَوَفِيَاتِ المشاهير وَالأعلام، المحقق: بشار عَوَّاد معروف، الناشر: دار الغرب الإسلامي، الطبعة: الأولى، 2003 م.
52. الزبيدي، محمّد بن محمّد بن عبد الرزّاق الحسيني، الملقّب بمرتضى الزبيدي (المتوفى: 1205هـ)، تاج العروس من جواهر القاموس، الناشر: دار الفكر - بيروت، الطبعة: الأولى / 1414 هـ.
53. الزحيلي، وهبة، آثار الحرب فى الاسلام، الناشر: دار الفكر، بيروت، الطبعة الرابعة، 1992م.
54. الزركلي، خير الدين بن محمود بن محمد بن علي بن فارس، الدمشقي (المتوفى: 1396هـ)، الأعلام، الناشر: دار العلم للملايين، بيروت، الطبعة: الخامسة عشر - أيار / مايو 2002 م.
55. زكريا الانصارى، حاشية الشرفاوى على تحفة الطلاب بشرح تحرير تنقيح الطلاب، مطبعة الحلبي، القاهرة، 1360هـ = 1941م.
56. زنجاني، عميد، حقوق تعهدات بين الملى و ديپلوماسى در اسلام، تهران، سمت، چاپ اول، 1379هـ ش.
57. الزيلعي، عثمان بن علي بن محجن البارعي، فخر الدين الزيلعي الحنفي (المتوفى: 743 هـ)، تبين الحقائق شرح كنز الدقائق، الناشر: المطبعة الكبرى الأميرية - بولاق، القاهرة، الطبعة: الأولى، 1313 هـ.
58. ژاک هونتزينگر، در آمدی بر روابط بين الملل، ترجمه: عباس آگاهى، آستان قدس رضوى، مشهد، 1368هـ ش.
59. السبكي، تاج الدين عبد الوهاب بن تقي الدين (المتوفى: 771هـ)، طبقات الشافعية الكبرى، المحقق: محمود محمد الطناحي وعبد الفتاح محمد الحلو، الناشر: هجر للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة: الثانية، 1413هـ.
60. ستانكزى نصرالله و ديگران، قاموس اصطلاحات حقوقى، چاپ توسط پروژه امور عدلى و قضايى افغانستان، كابل، 1387هـ ش.

61. سجادی، عبدالقیوم، دیپلوماسی و رفتار سیاسی در اسلام، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، 1383 هـ ش.
62. السرخسی، محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة (المتوفى: 483هـ)، المبسوط، الناشر: دار المعرفة – بيروت، 1414 هـ - 1993 م.
63. السرخسی، محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة (المتوفى: 483هـ)، شرح السير الكبير، الناشر: الشركة الشرقية للإعلانات، بيروت، 1971 م.
64. سميح عاطف الزين، محمد در مدينه (تحليلی از زندگانی سیاسی و اجتماعی پیامبر)، ترجمه: مسعود انصاری، تهران، جامی، 1379 هـ ش.
65. السيوطي، عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين (المتوفى : 911هـ)، حسن المحاضرة في تاريخ مصر والقاهرة، المحقق: محمد أبو الفضل إبراهيم، الناشر : دار إحياء الكتب العربية - عيسى البابي الحلبي وشركاه - مصر، الطبعة : الأولى 1387 هـ - 1967 م.
66. الشافعي، محمد بن إدريس بن العباس بن عثمان بن شافع بن عبد المطلب بن عبد مناف، الشافعي أبو عبد الله المطلبي القرشي المكي (المتوفى: 204هـ)، الأم، الناشر: دار المعرفة – بيروت، 1410 هـ/1990 م.
67. الشامي، على حسين. الدبلوماسية، نشأتها و تطورها و قواعدها و نظام الحصانات والامتيازات الدبلوماسية، دار الثقافة للنشر و التوزيع، بيروت، 2011 م.
68. الشوكاني، محمد بن علي بن محمد بن عبد الله الشوكاني اليمني (المتوفى: 1250 هـ)، البدر الطالع بمحاسن من بعد القرن السابع، الناشر: دار المعرفة – بيروت.
69. الشوكاني، محمد بن علي بن محمد بن عبد الله اليمني (المتوفى: 1250 هـ)، السيل الجرار المتدفق على حدائق الأزهار، الناشر: دار ابن حزم، الطبعة: الطبعة الأولى.
70. صلاح الدين عامر، مقدمة لدراسة القانون الدولي العام، دار النهضة العربية، 1995 م.
71. صلاح عامر – المعرفة. <https://m.marefa.org>
72. الصنعاني، محمد بن إسماعيل بن صلاح بن محمد الحسني، الكحلاني ثم الصنعاني، أبو إبراهيم، عز الدين، المعروف كأسلافه بالأمير (المتوفى: 1182 هـ)، سبل السلام، الناشر: دار الحديث، القاهرة.
73. ضيايي بيگدلي، محمد رضا. حقوق بين الملل عمومي، گنج دانش، تهران، چاپ بيست و سوم، 1385 هـ ش.

74. الطهطاوى، رفاة رافع. الدولة الاسلامية، نظامها و عمالاتها، مكتبة الاداب، القاهرة، 1947/1410م.
75. عبد الحي الكتاني، محمد عَبْدَ الْحَيِّ بن عبد الكبير ابن محمد الحسني الإدريسي، المعروف بعبد الحي الكتاني (المتوفى: 1382هـ)، فهرس الفهارس والأثبات ومعجم المعاجم والمشیخات والمسلسلات، المحقق: إحسان عباس، الناشر: دار الغرب الإسلامي - بيروت، الطبعة: 2، 1982م.
76. عبد الحي بن أحمد العكري، الدمشقي، شذرات الذهب في أخبار من ذهب، بيروت، دار النشر: دار الكتب العلمية.
77. عثمان ضميرية، اصول العلاقات الدولية في فقه الامام محمد بن الحسن الشيباني، دار النفائس، الاردن، 2004م.
78. العدوي، أحمد بن يحيى بن فضل الله القرشي العدوي العمري، شهاب الدين (المتوفى: 749هـ)، التعريف بالمصطلح الشريف، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، 1408 هـ - 1988 م.
79. على صادق ابوهيف، القانون الدبلوماسي، منشأة المعارف الاسكندرية، مصر، 1973م.
80. الغنيمي، جابر، الحصانة القضائية، يومية مستقلة المغرب، 2021م.
81. الغنيمي، محمد طلعت. قانون السلام في الاسلام، مصر، الاسكندرية، منشأة المعارف.
82. فاوى الملاح، سلطات الامن و الحصانات و الامتيازات الدبلوماسية، الاسكندرية، منشأة المعارف، 1981م.
83. الفتلاوى، سهيل حسين، الحصانة الدبلوماسية للمبعوث الدبلوماسي، دراسة قانونية مقارنة، الناشر: المكتب المصرى لتوزيع المتبوعات، 2002م.
84. فضيلة وكيل الجامعة للشؤون التعليمية الدكتور/ فهد بن صالح اللحيدان، فيس بوك.
85. فهد بن صالح بن محمد اللحيدان و، موسوعة الإجماع في الفقه الإسلامي، الناشر: دار الفضيلة للنشر والتوزيع، الرياض - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى، 1433 هـ - 2012 م.
86. فؤاد عبدالمنعم رياض، الحصانة القضائية للدولة، ملحق المجلة المصرية للقانون الدولي، رقم 19، 1963م.
87. القرطبي، علي بن أحمد بن سعيد بن حزم الأندلسي الظاهري، أبو محمد (المتوفى : 456هـ)، المحلى، الناش: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت.

88. كاشاني، ناصر مستوري، افغانستان ديپلوماسی دوچهره، ايران، انتشارات ايران شهر، چاپ اول، 1371 هـ ش.
89. کنوانسیون وين درباره روابط ديپلوماتيك (18 آوريل 1962) مترجم: پرويز ذوالعين، مركز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه ايران، چاپ چهارم، تابستان 1389 هـ ش.
90. الكاساني، أبو بكر بن مسعود بن أحمد، علاء الدين، الحنفي (المتوفى: 587 هـ)، بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت، الطبعة: الثانية، 1406 هـ - 1986 م.
91. كحالة الدمشق، عمر بن رضا بن محمد راغب بن عبد الغني، الحنفي (المتوفى: 1408 هـ)، معجم المؤلفين، الناشر: مكتبة المثنى - بيروت، دار إحياء التراث العربي بيروت.
92. مالك بن أنس بن مالك بن عامر الأصبحي المدني (المتوفى: 179 هـ)، المدونة، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت، الطبعة: الأولى، 1415 هـ - 1994 م، ج 4 ص 400.
93. المجددي البركتي، محمد عميم الإحسان، قواعد الفقه، الناشر: الصدف ببلشرز - كراتشي، الطبعة: الأولى، 1407 - 1986.
94. محيي الدين الحنفي، عبد القادر بن محمد بن نصر الله القرشي، أبو محمد، (المتوفى: 775 هـ)، الجواهر المضوية في طبقات الحنفية، الناشر: مير محمد كتب خانه - كراتشي.
95. مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري، (المتوفى: 261 هـ)، صحيح مسلم، المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.
96. المغاريز، عاطف فهد، الحصانة الدبلوماسية بين النظرية و التطبيق، دار الثقافة للنشر و التوزيع، الاردن، الطبعة الاولى، 2009 م.
97. المقرئزي، أحمد بن علي بن عبد القادر، أبو العباس الحسيني العبيدي، تقي الدين (المتوفى: 845 هـ)، المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت، الطبعة: الأولى، 1418 هـ.
98. مواسى و اعلى بكير، الحصانة القضائية المدنى للمبعوث الدبلوماسية، مذكرة لنيل شهادة الماجستير، فرع قانون دولى و علاقات دولية، جامعة الجزائر، 2014 - 2015 م.
99. ميرزا صالح، غلام حسين، مقدمه بر تاريخ تئورى ديپلوماسى، تهران، دانشگاه ملى ايران، 1356 هـ ش.
100. ميرمحمدى، سيد مصطفى، اصل عدم مداخله در اسلام و حقوق بين الملل، دانشگاه مفيد، قم، 1391 هـ ش.

101. ميرمحمدی، سيد مصطفى، مصونيت و مزاياى هيئت هاى نمايندگى دولت ها و سازمانهاى بين المللى، انتشارات بين المللى الهدى، تهران، چاپ اول، 1378 هـ ش.
102. النووي، يحيى بن شرف، أبو زكريا محيي الدين (المتوفى: 676 هـ)، روضة الطالبين وعمدة المفتين، تحقيق: زهير الشاويش، الناشر: المكتب الإسلامي، بيروت- دمشق- عمان، الطبعة: الثالثة، 1412 هـ / 1991 م.
103. النووي، يحيى بن شرف، أبو زكريا محيي الدين النووي (المتوفى : 676 هـ)، المجموع شرح المهذب، الناشر: دار الفكر، بيروت.
104. الواقدي، محمد بن عمر بن واقد السهمي الأسلمي بالولاء، المدني، أبو عبد الله، الواقدي (المتوفى: 207 هـ)، فتوح الشام، الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى 1417 هـ - 1997 م.
105. وزارت عدليه، قانون قرارداهاى تجارتي و فروش أموال، جريده رسمى (1150) كابل، مطبعه احمدى، ميزان 1393.
106. وزارت عدليه، كود جزا، جريده رسمى (1260)، مطبعه پرويز، كابل، 1396 هـ ش.
107. وليد خالد الربيع، الحصانات و الامتيازات الدبلوماسية فى الفقه الاسلامى و القانون المقارن، دراسة مقارنة، مجلة الفقه و القانون المقارن، الكويت.
108. هارولد نيكلسون، تكامل فن ديپلوماسى، ترجمه: احمد توكلى، تهران، انتشارات امير كبير، 1331 هـ ش.
109. الهيتمى، علي بن أبي بكر بن سليمان، أبو الحسن نور الدين (المتوفى: 807 هـ)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، المحقق: حسام الدين القدسي، الناشر: مكتبة القدسي، القاهرة، 1414 هـ، 1994 م.

Summary of the discussion

Islamic jurisprudence and legal system of Afghanistan has considered judicial immunity for diplomats, so that diplomats can perform their duties calmly and easily, judicial immunity of diplomats is considered one of the basic issues in Islamic jurisprudence and legal system of Afghanistan, because durability, consistency and the relations of a government with other governments are done by diplomats. The importance of the issue, the lack of awareness of the people of Afghanistan and the answers to solve the questions in this field have led to the selection of this issue. Before this research, the research was done in Arabic without comparing the legal system of Afghanistan and I solved this challenge. Purpose: to solve people's problems in this field, to inform, etc. The current research is one of the library research and in descriptive analytical form.

The judicial immunity of a diplomat is the same as the complete immunity of life, property and reputation of diplomatic employees, so that diplomats can freely devote themselves to their important duties, without the intervention of the judicial authorities for the receiving country during the long period that these diplomats stay there. Immunity of the diplomat's place and mission, immunity of property, exemption from taxes and customs duties, freedom of movement are the characteristics of a diplomat in the jurisprudence and legal system of Afghanistan. Immunity from aggression and judicial immunity are types of diplomatic immunity. Judicial immunity is symbolic and functional because of its climatic extension. Judicial immunity of diplomats has juridical and legal legitimacy. The sources of judicial immunity of diplomats are: Holy Quran, Prophetic tradition, consensus, customs, customs of governments, treaties between governments and internal laws.

Diplomats, couriers, employees of international companies and administrative and technical employees have judicial immunity. Judicial immunity is divided into civil and administrative judicial immunity and criminal judicial immunity. If the diplomatic agent engages in commercial or professional activities, it does not include judicial immunity. A diplomat does not have judicial immunity if he commits a crime. The basis of immunity is the description of representation and expediency of service. Any kind of assault on diplomats is not acceptable. Judicial immunity ends with the loss of the status of diplomatic agent, termination of diplomatic relations and espionage. With the end of the diplomat's judicial immunity, the diplomat along with his family should be brought to the safe place (his country) with respect. Islamic jurisprudence and the legal system had a common point of view in the majority of research cases and had a different point of view in a few cases.



Salam University

Faculty of Sharia and Law

Master Program in

Jurisprudence & Law



Islamic Emarat of Afghanistan

Ministry of Higher Education

DM of Academic Affairs

Judicial immunity of diplomats in Islamic jurisprudence and legal system of Afghanistan

(Master`s Thesis)

Student: Khudadad “Hagyar”

Instructor Supervisor: Doctor. Mohammad Yunus “Ebrahimi”

Year 2022



Salam University
Faculty of Sharia and Law
Master Program in
Jurisprudence & Law



Islamic Emarat of Afghanistan
Ministry of Higher Education
DM of Academic Affairs

Judicial immunity of diplomats in Islamic jurisprudence and legal system of Afghanistan

(Master's Thesis)

Student: Khudadad "Hagyar"

Instructor Supervisor: Doctor. Mohammad Yunus "Ebrahimi"

Year ۲۰۲۲